



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

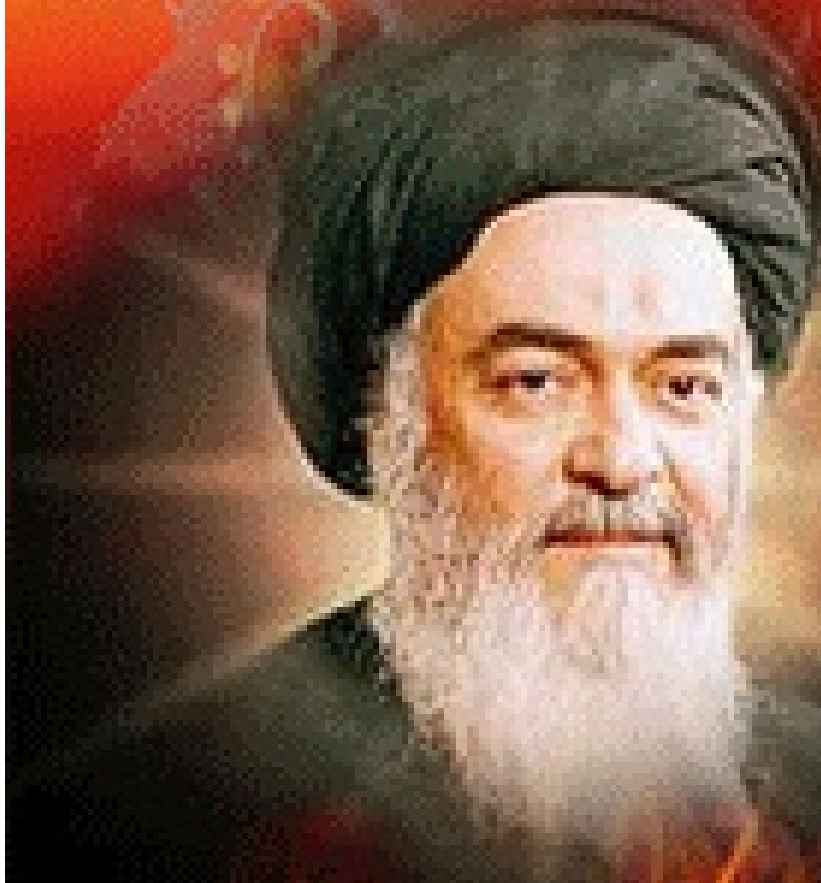
.com

.org

.net

.ir

رسالہ حج
مناسک



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مناسک حج آیت الله سید محمد حسینی شیرازی

نویسنده:

آیت الله سید محمد حسینی شیرازی

ناشر چاپی:

مرکز الرسول الاعظم صلی الله علیه و آله وسلم للتحقیق و النشر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	رساله مناسک حج آیت الله محمد حسینی شیرازی (طبع جدید)
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	وجوب حج
۱۴	عقل
۱۴	آزادی
۱۴	استطاعت
۱۴	اشاره
۱۴	۱- قدرت بدنی
۱۴	۲- نبودن مانع در راه
۱۵	۳- سعه وقت
۱۵	۴- زاد و راحله
۱۶	۵- رجوع به کفایت
۱۹	احکام استطاعت
۱۹	اشاره
۲۳	حج بذلی
۲۷	اذن شوهر
۲۷	حج نذری
۲۷	نایب گرفتن
۴۱	چند مسأله
۴۲	اقسام حج
۴۲	اشاره
۴۳	حج تمتع
۴۳	اعمال عمره تمتع

۴۳	اعمال حج تمتع
۴۴	شرايط حج تمتع
۴۵	چند مسأله
۴۷	كیفیت حج (افراد)
۴۸	كیفیت حج (قران)
۴۸	تفصیل اعمال عمره تمتع
۴۸	اعمال عمره تمتع
۴۸	۱- احرام
۴۸	اشاره
۴۹	میقات
۵۳	احرام حج تمتع
۵۴	واجبات احرام
۵۴	لباس احرام
۵۵	نیت
۵۵	تلبیه
۵۹	تروك احرام
۵۹	اشاره
۵۹	۱- شكار حیوان صحرائی
۵۹	اشاره
۶۰	كفاره شكار
۶۲	۲- جماع
۶۴	۳- بوسیدن
۶۵	۴- لمس
۶۵	۵- نگاه
۶۵	۶- عقد نکاح
۶۷	۷- استمناء

- ۶۷ ۸- بوی خوش
- ۶۸ ۹- لباس دوخته برای مردان
- ۶۸ ۱۰- چکمه و جوراب
- ۶۹ ۱۱- سُرمه کشیدن
- ۶۹ ۱۲- نگاه در آینه
- ۶۹ ۱۳- دروغ و دشنام
- ۷۰ ۱۴- جدال
- ۷۰ ۱۵- کشتن جانوران بدن
- ۷۰ ۱۶- زینت
- ۷۱ ۱۷- مالیدن روغن
- ۷۱ ۱۸- جدا نمودن مو
- ۷۱ ۱۹- پوشانیدن سر برای مردان
- ۷۳ ۲۰- پوشانیدن صورت برای زنان
- ۷۳ ۲۱- زیر سایه رفتن برای مردان
- ۷۵ ۲۲- خون
- ۷۵ ۲۳- ناخن گرفتن
- ۷۶ ۲۴- کافور
- ۷۶ ۲۵- سلاح
- ۷۶ درخت و گیاه حرم
- ۷۷ چند مسأله
- ۷۸ ۲- طواف
- ۷۸ اشاره
- ۷۸ شرایط طواف
- ۸۱ واجبات طواف
- ۸۵ چند مسأله
- ۸۹ ۳- نماز طواف

۹۱	۴- سعی
۹۶	۵- تقصیر
۹۷	تفصیل اعمال حج تمتع
۹۷	اشاره
۹۷	۱- احرام
۹۹	۲- وقوف در عرفات
۱۰۰	۳- وقوف در مشعر الحرام
۱۰۳	۴- رمی جمره عقبه
۱۰۴	۵- قربانی
۱۰۹	۶- حلق یا تقصیر
۱۱۱	۷- طواف زیارت
۱۱۱	۸- دو رکعت نماز طواف
۱۱۱	۹- سعی بین صفا و مروه
۱۱۲	۱۰- طواف نساء
۱۱۲	۱۱- نماز طواف نساء
۱۱۲	۱۲- بیتوته در منی
۱۱۳	۱۳- رمی جمرات
۱۱۵	احکام عمره مفرده
۱۱۶	اعمال عمره مفرده
۱۱۸	احکام مصدود
۱۱۹	احکام محصور
۱۲۱	نماز در شهر مدینه و مکه
۱۲۱	آداب حج
۱۲۳	آداب احرام
۱۲۴	آداب ورود به حرم
۱۲۵	آداب ورود به شهر مکه و مسجد الحرام

- آداب طواف ----- ۱۲۸
- آداب نماز طواف ----- ۱۳۰
- آداب سعی ----- ۱۳۱
- آداب عرفات ----- ۱۳۴
- آداب مشعر الحرام (مزدلفه) ----- ۱۳۸
- آداب برگشت به مکه مکرمه ----- ۱۴۰
- آداب برگشت به منی ----- ۱۴۱
- آداب وداع ----- ۱۴۲
- اعمال مدینه منوره ----- ۱۴۵
- زیارت پیامبر اکرم (ص) ----- ۱۴۶
- زیارت حضرت زهرا (علیها السلام) ----- ۱۴۷
- زیارت ائمه بقیع (علیهم السلام) ----- ۱۴۹
- زیارت ابراهیم فرزند پیامبر (ص) ----- ۱۵۱
- زیارت فاطمه بنت اسد (علیها السلام) ----- ۱۵۲
- ۹- زیارت حضرت حمزه (ع) ----- ۱۵۳
- زیارت شهدای احد ----- ۱۵۵
- اعمال شب عرفه ----- ۱۵۶
- اعمال روز عرفه ----- ۱۶۲
- درباره مرکز ----- ۱۶۴

رساله مناسک حج آیت الله محمد حسینی شیرازی (طبع جدید)

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی شیرازی، محمد

عنوان و نام پدید آور: رساله مناسک حج / مطابق با فتوای محمد حسینی شیرازی

مشخصات نشر: اصفهان: خوشنواز، ۱۴۲۱ = ۱۳۷۹.

مشخصات ظاهری: ص ۲۵۶

شابک: ۹۶۴-۷۲۹۳-۰۹-۷۵۰۰۰ ریال

موضوع: حج -- رساله عملیه

موضوع: فقه جعفری -- رساله عملیه

موضوع: حج

رده بندی کنگره: BP۱۸۸/۸/ح ۵۵۵ ۱۳۷۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی: م ۷۹-۲۲۲۸۶

وجوب حج

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاه والسلام على محمد وآله الطاهرين واللعن على أعدائهم أجمعين.

مسأله: حج یکی از مهمترین ارکان دین است، زراره به روایت صحیح از امام باقر (ع) نقل کرده که حضرت فرمودند: (بنی الإسلام علی خمس: علی الصلاه والزکاه والحج والصوم والولایه) یعنی اسلام پنج رکن اساسی دارد: نماز، زکاه، حج، روزه و ولایت ائمه معصومین (علیهم السلام).

مسأله: وجوب حج از ضروریات دین اسلام می باشد، و کسی که وجوب حج را انکار کند با التفات به ضروری بودن آن و بدون اینکه شبهه ای برایش پیش آمده باشد کافر است، و ترک حج یا سبک شمردن آن به منزله کفر است.

مسأله: ترك حج بدون انكار، و تأخيرش برای کسی که مستطیع باشد بدون عذر شرعی از گناهان كبیره است، بطوری که در بعضی از روایات آمده: چنین کسی به دین یهود یا نصاری خواهد مرد گرچه ظاهراً با مرده او برخورد اسلامی می شود.

مسأله: حج در تمام عمر يك بار (بالاصاله) بر فرد مستطیع واجب می شود که (حججه الاسلام) نام دارد، گرچه ممكن است به جهت عوارضی مانند نذر و عهد و قسم و بطلان حج انجام شده و مانند اینها چندین بار واجب گردد و غیر از حج واجب، حج مستحب می باشد.

مسأله: وجوب حج

با پیدایش شرایطش فوری است، یعنی باید در سال اوّل استطاعت انجام شود، و اگر در سال اوّل عمداً و یا به جهت عذری ترک شد باید در سال دوّم، و در صورت ترک در سالهای بعد انجام گردد.

مسأله: بر شخص مستطیع لازم است در اوّلین فرصت مقدمات سفر حج را- هرچند طولانی باشد- آماده نماید، و اگر برای سفر کاروانهای متعدّدی باشد باید کاروانی را که مورد اطمینان برای رسیدن به حج است انتخاب نماید، و در صورت اطمینان به همه آنها رفتن با اوّلین کاروان لزومی ندارد، و جایز است با

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۲

کاروانهای بعدی سفر کند، و در این صورت اگر با کاروانهای بعدی رفت و اتفاقاً به حج نرسید و دوباره هم استطاعت پیدا نکرد گناه نکرده و حج هم مستقر نمی شود یعنی بر ذمه او باقی نیست.

مسأله: اگر با کاروانهای بعدی اطمینان به ترک حج نداشت و در عین حال با همانها سفر کرد چنانچه به حج رسید معصیت نکرده و حج نیز صحیح است، و اگر به حج نرسید گناه کرده و حج نیز استقرار پیدا می کند یعنی بر ذمه اش باقی می ماند و باید بعداً انجام دهد.

شرایط وجوب حجهالاسلام

مسأله: وجوب حج دارای شرایطی است: ۱- بلوغ. ۲- عقل. ۳- آزادی. ۴- استطاعت.

مسأله: شرط اوّل: بلوغ است، پس بر بچه نابالغ- هرچند نزدیک به بلوغ باشد- حج واجب نیست.

مسأله: مستحب است طفل ممیز حج نماید، و در صحت آن اذن ولیّ مانند پدر معتبر است، و اگر بقیه شرایط وجوب حج را دارا باشد جز بلوغ، حجّش صحیح ولی مجزی از (حجهالاسلام) نخواهد بود.

مسأله: هرگاه نابالغ به حج رفت و قبل

از احرام بالغ شد و نیز مستطیع بود حجّش صحیح و (حجّه‌الاسلام) می باشد.

مسأله: هرگاه به عقیده اینکه بالغ نشده حج استحبابی انجام داد و بعد معلوم شد که بالغ بوده حجّش صحیح و مجزی از (حجّه‌الاسلام) می باشد، مگر اینکه حج را با قید استحبابی انجام داده بطوری که اگر متوجّه می شد واجب است انجام نمی داد و این فرض بسیار نادر است.

مسأله: ولیّ طفل غیر ممیّز خواه پسر باشد یا دختر مستحب است او را محرم نماید، به این معنی که لباسهای احرام را به او پوشانده، و او را به تلبیه گفتن وادارد، اگر قابل تلقین باشد به این معنی که طفل بتواند هرچه را به او بگویند بگوید، و اگر قابل نباشد ولیّ نیت نیابت از طرف طفل نموده و تلبیه بگوید، و باز دارد او را از آنچه بر محرم حرام است، و او را به انجام آنچه از اعمال حج قدرت دارد وادارد و آنچه را که نمی تواند، خود به نیابت او انجام دهد، و او را دور خانه خدا طواف داده و بین صفا و مروه سعی دهد، و در عرفات و مشعر وقوفش دهد و وادار کند رمی جمرات را شخصا انجام دهد در صورت امکان، و همچنین است نماز طواف و تراشیدن سر و بقیه اعمال حج.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۳

مسأله: نفقه عادلانه حجّ بچه (حتّی آنچه که ما زاد بر نفقه عادی او در وطن است) از مال خود بچه می باشد، مگر اینکه موجب فقرش شود که جایز نیست.

مسأله: پول قربانی بچه از مال خود اوست و اگر مالی نداشت ولیّ باید از مال خودش از

طرف او قربانی را انجام دهد.

مسأله: کفاره شکار بچه از مال ولی است اگر پدر باشد، و اگر ولی غیر پدر باشد از مال خود بچه است، اما کفارات دیگر (غیر از کفاره شکار) از مال خود بچه است چه ولی پدر باشد و چه غیرش.

مسأله: در صورتی که کفاره از مال بچه باشد اگر ولی کفاره را از مال او پرداخت، وظیفه انجام شده، و اگر ولی نپرداخت بر ذمه بچه باقی است و باید بعد از بلوغ بپردازد.

عقل

مسأله: شرط دوم: وجوب حج عقل است. پس بر دیوانه هر چند ادواری باشد (یعنی گاه بیگانه) حج واجب نیست، بلی اگر مستطیع بود و قدرت انجام بیشتر اعمال حج، از جمله ارکان حج را، در حال عقل داشت حج بر او واجب می شود، و شخص بی هوش در حکم دیوانه است.

آزادی

مسأله: شرط سوم: آزادی است، پس بر مملوک غلام و کنیز زرخرد حج واجب نیست، هر چند مستطیع و مأذون از طرف مولایش باشد، البته با اذن مولی می تواند حج مستحبی انجام دهد و صحیح خواهد بود اما از (حجّه الاسلام) کفایت نمی کند، و اگر بعد از آزادی مستطیع شود واجب است (حجهالاسلام) را انجام دهد.

استطاعت

اشاره

مسأله: شرط چهارم: استطاعت است و در آن پنج امر لازم می باشد: ۱- قدرت بدنی، ۲- نبودن مانع در راه، ۳- سعه وقت، ۴- زاد و راحله، ۵- رجوع به کفایت.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۴

۱- قدرت بدنی

مسأله: امر اول: قدرت بدنی برای انجام اعمال حج داشته باشد، پس کسی که به علت بیماری یا پیری یا نقص عضو و مانند اینها نتواند اعمال حج را بجا آورد حج شخصاً بر او واجب نیست. اما اگر بقیه شرایط استطاعت را داشته باشد جز استطاعت بدنی، واجب است از طرف خود نایب بگیرد که حج را انجام دهد.

۲- نبودن مانع در راه

مسأله: امر دوم: مانعی در راه نباشد، به این معنی که منع دولتی و خطر جانی و مالی و ناموسی در رفت و برگشت و اقامت در

آنجا نباشد. و نیز موانع شرعی دیگری مثل ترک واجب اهم از حج، نظیر وجوب جهاد عینی، یا ارتکاب گناهی که مفسده اش از مصلحت حج شرعاً بیشتر است نباشد، بنا بر این اگر در سفرش مال زیادی داشته باشد که رفتن به حج موجب تلف آن مال می شود، حج واجب نخواهد بود.

۳- سعه وقت

مسأله: امر سوّم: سعه وقت است، به این معنی که وقت برای رفتن به مکه معظّمه و بجا آوردن اعمال واجب در آنجا کافی باشد، بنا بر این اگر تحصیل مال وقتی شد که زمان، رسای رفتن مکه معظّمه و انجام اعمال حج نیست، یا وقت هست ولی با مشقّت زیادی که نوعاً تحمل نمی شود، حج واجب نخواهد بود.

۴- زاد و راحله

مسأله: امر چهارم: داشتن زاد و راحله است.

و معنی (زاد) داشتن مایحتاج روزمره انسان است از خوردنی و آشامیدنی و مسکن و امثالش، یا پولی که بتواند در موقع نیاز آنها را تهیه کند.

و معنی (راحله) داشتن وسیله ذهاب و ایاب است ولو در شرایط فعلی بلیط هواپیما یا ماشین یا کشتی باشد.

مسأله: زاد و راحله باید مناسب با موقعیت شخص باشد. و چنانچه برای کسی بدون مشقّت و خرج پیاده روی ممکن باشد داشتن راحله لازم نیست.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۵

مسأله: ملاک و میزان در زاد و راحله وجود فعلی آنها است و برکسی که می تواند آنها را با کار و کاسبی در مسیر راه تأمین نماید حج واجب نیست.

مسأله: استطاعتی که در وجوب حج معتبر است، استطاعت از مکان فعلی مکلف است که فعلاً در آنجا است نه از وطنش، پس هرگاه مکلف مثلاً برای تجارت یا غیر آن به مدینه منوره و یا جدّه رفت و مصادف با موسم حج شد و از آنجا هزینه حج را داشت (گرچه با این هزینه از وطن مستطیع نمی شد) حج بر او واجب است اگر بقیه شرایط را دارا باشد.

مسأله: اگر هزینه سفر حج منحصر باشد به فروش ملکی به کمتر از نرخ متعارف

آن و این فروش حرجی نباشد، واجب است آن را بفروشد و به حج برود، و اگر حرجی باشد حج واجب نیست.

مسأله: اگر موقتاً هزینه و مخارج حج بالا برود مثل اینکه کرایه و امثالش برای خصوص این سال زیاد شده و برای سالهای بعد به قیمت عادی بر می گردد و مکلف قدرت بر پرداخت زیادی آن- بدون اجحاف- را داشته باشد، تأخیر جایز نیست و باید همان سال به حج برود.

مسأله: در استطاعت، داشتن هزینه رفت مسلماً معتبر است و اما هزینه برگشت به وطن وقتی معتبر است که مکلف بخواهد به وطن باز گردد، و امّا اگر زندگی در مکه با زندگی در وطن یا جای دیگر برایش یکسان باشد و مشقّتی نداشته باشد و بخواهد در مکه بماند، داشتن هزینه بازگشت در استطاعت شرط نیست، و تنها با داشتن هزینه رفت استطاعت حاصل است، و حج واجب خواهد بود. و همین ملاک در بازگشت به جای دیگر غیر از وطن نیز جریان دارد، یعنی اگر بخواهد در شهر دیگری زندگی کند هزینه بازگشت به آنجا شرط است. و همچنین داشتن هزینه مدّت اقامت در مکه نیز در استطاعت شرط است.

۵- رجوع به کفایت

مسأله: امر پنجم از اموری که برای حصول استطاعت لازم است: رجوع به کفایت می باشد، یعنی مکلف پس از بازگشت از حج بتواند خود و عائله اش را اداره نماید به وسیله کاسبی یا زراعت یا غیر آن، و دچار تهیدستی و فقر نشود، پس اگر مکلف پولی دارد که سرمایه کسب اوست و اگر آن مبلغ را صرف حج نماید از کاسبی می ماند و راه دیگری هم برای تأمین زندگی مناسب شأن

خود ندارد حج بر او واجب نیست.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۶

مسأله: فروختن چیزهای ضروری زندگی و آنچه که مورد احتیاج انسان است، لازم نیست، مانند منزل مناسب شأن و لباسهایی که برای زینت و آبرو دارد و اثاث منزل و ابزار کار که برای زندگی به آنها محتاج است و همچنین کتاب نسبت به اهل علم که برای تحصیلاتش لازم است و مانند اینها.

مسأله: اگر لوازم ذکر شده بیش از مقدار حاجت باشد و مقدار اضافه، هزینه حج را تأمین کند فروشش برای صرف در راه حج واجب است، مثلاً شخصی دو منزل دارد و یکی اضافه بر نیاز زندگی او است واجب است یکی را فروخته و به حج برود.

مسأله: اگر یکی از لوازم مورد نیاز انسان از مصرف خارج شد، مثل طلا آلات و جواهرات برای خانمی که تا جوان بوده نیاز و مصرف داشته و در سنّ پیری از آنها استفاده نمی کند و به آنها خود را تزین نمی نماید چنانچه شأن او نباشد و اگر آنها را بفروشد هزینه حج را تأمین می نماید واجب است بفروشد و حج انجام دهد.

مسأله: اگر انسان منزل ملکی داشته باشد، و منزل غیر ملکی نیز در اختیار او است که می تواند بدون ناراحتی و مشقت در آن زندگی کند، مانند منزل وقفی که منطبق بر او باشد، واجب نیست منزل ملکی خود را که هزینه حج را تأمین می نماید فروخته و به حج برود، مگر در صورتی که در منزل وقفی سکونت دارد و عرفاً منزل ملکی محل حاجتش نباشد. و این حکم در بقیه لوازم ملکی و غیر ملکی جریان دارد، مثلاً اهل

علمی که کتابهای ملکی دارد و کتابهای موقوفه ای هم در اختیار او است.

مسئله: اگر کسی مقداری پول دارد و برای هزینه حج کافی می باشد، اما ازدواج نکرده و یا منزل مسکونی و یا سایر وسائل زندگی ندارد، وجوب حج مقدم است مگر اینکه ترک ازدواج و ترک خرید وسایل زندگی برایش حرجی بوده و مشقت زیادی داشته باشد که معمولاً مردم تحمل آن را نمی کنند، در این صورت حج واجب نخواهد بود.

مسئله: هرگاه انسان هزینه حج را در دست ندارد، ولی از کسی طلبی دارد که برای هزینه حج کفایت، و وقت آن رسیده و بدهکار نیز خوش حساب است و چنانچه مطالبه شود می پردازد، واجب است مطالبه نماید و در حج مصرف کند.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۷

مسئله: اگر بدهکار بد حساب است و بدهی را پرداخت نمی کند اما به وسیله رجوع به شخص دیگری می توان طلب را وصول کرد واجب است مراجعه به آن شخص نموده و طلب خود را دریافت و صرف در حج نماید.

مسئله: اگر بدهکار منکر بدهی است واجب است با مراجعه به دادگاه- ولو دادگاه جور- اثبات طلب کند و آن را بگیرد و در حج مصرف نماید.

مسئله: اگر طلب مدت دارد و وقت آن نرسیده ولی بدهکار به خاطر حج آمادگی پرداخت آن را دارد، مطالبه اش و صرف در حج واجب است علی الأحوط. و اما اگر بدهکار بیول، یا بد حساب باشد و اجبارش به وسیله دیگری ممکن نباشد، و یا طلب مدت دار است و بدهکار پیش از مدت پرداخت نمی کند، و یا منکر بدهی است و اثباتش در دادگاه حرجی است، در تمام این موارد حج

واجب نیست.

مسئله: بر کسی که بر اثر حج تمام دارائی خود را مصرف می کند تا فقیر شود حج واجب نیست، حتی اگر از موقوفه بر فقرا بتواند زندگی خود را اداره نماید.

مسئله: بر مستطیع لازم نیست که حتما با پول خودش به حج برود، پس هرگاه با پول غیر یا پول گدایی و امثال آن به حج برود واجب انجام شده است. اما اگر با مال غیر که حرام است حج را انجام داد و لباس احرام و لباس طواف و لباس سعی از مال حلال بود حج صحیح است، اگر چه نسبت به مصرف مال حرام معصیت کرده، اما اگر یکی از آن لباسها حرام باشد معصیت نموده و حج نیز باطل است.

احکام استطاعت

اشاره

مسئله: تحصیل استطاعت به کسب یا غیر آن واجب نیست، بنا بر این اگر مالی به انسان هدیه شود که معادل هزینه حج باشد قبول آن لازم نیست.

مسئله: اگر کسی از انسان بخواهد خود را برای خدمتی اجیر کند که با اجرتش مستطیع خواهد شد قبولش واجب نیست، هرچند آن خدمت لایق به شأن او باشد.

مسئله: اگر کسی خود را در راه حج به اجرتی که معادل هزینه حج است اجیر نمود و با آن اجرت مستطیع شد، چنانچه در تمام مسیر حتی در عرفات و مشعر و منی همراه با حجاج بود و کارش منافات با اعمال حجش نداشت، حج در همان سال بر او واجب می گردد.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۸

مسئله: اگر در حج اجیر شود و کارش منافات با اعمال حج داشته باشد مثل اینکه اجیر شده برای محافظت از اموال کاروان، و مدت وقوف در عرفات

و مشعر باید برای حفظ اثاث حجّاج در شهر مکه معظّمه بماند، در آن سال مستطیع نیست و حج بر او واجب نخواهد بود، و لازم نیست پول را تا سال دیگر نگه دارد.

مسأله: اگر کسی برای اعمال حج از طرف دیگری نایب شد به اجرتی که برای خود اجیر نیز استطاعت آور بود مثلاً هزینه حج صد هزار تومان است و او اجیر شد به دویست هزار تومان یعنی با آن اجرت می تواند دو حج انجام بدهد چنانچه طرف اجازه ندهد که حج نیابی را در سال بعد بجا آورد، باید امسال حج نیابی را بجا آورد و باقیمانده را لازم نیست حفظ کند تا در سال بعد حج خودش را انجام بدهد، و اگر اجازه بدهد واجب است امسال حج خود را انجام دهد و سال بعد حج نیابی را.

مسأله: هرگاه انسان هزینه حج را نداشته باشد اما می تواند با قرض هزینه حج را تأمین کند و قدرت دارد آن را بعد از حج از کاسبی یا همانند آن ادا کند، واجب نیست قرض نماید، و حج بر او واجب نیست، بلکه حتی اگر معادل هزینه حج را قرض کرد استطاعت شرعیّه پیدا نشده و حج بر او واجب نخواهد شد.

مسأله: اگر انسان هزینه حج را داشته باشد اما بدهی دارد، بطوری که اگر حج برود نمی تواند بدهی خود را ادا نماید، و اگر بدهی خود را بدهد استطاعت بر حج ندارد، حج واجب نیست، چه قرض مدّت دار باشد یا نه، چه قبل از بدهی این هزینه را به دست آورده باشد و چه بعد.

مسأله: اگر به مقدار هزینه حج پول دارد و ضمناً

حقوق واجبه شرعیه نیز بدهکار است- مانند خمس و زکات و کفاره مالی- و اگر این هزینه را مصرف حج نماید توان اداء آن حقوق را نخواهد داشت و اگر حقوق را ادا نماید به مقدار هزینه حج نخواهد داشت، در این صورت حج واجب نیست، بلکه لازم است حقوق را ادا کند.

مسأله: اگر مقداری مال دارد و نمی داند که برای حج کافی هست یا نه، برای اینکه نمی داند هزینه حج چه قدر است، یا مقدار هزینه را می داند اما مقدار پول را نمی داند، واجب است تحقیق نماید.

مسأله: چنانچه پولی داشته باشد که در دسترسش نیست و در جای دیگر است و پول دیگری ندارد اگر نتواند در آن مال هر چند با وکالت به غیر تصرف کند حج بر او واجب نخواهد بود، و هر وقت تمکن پیدا کند حج واجب می شود.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۹

مسأله: هرگاه انسان از نظر مالی مستطیع شد، اما وقت حج نرسیده است لازم نیست این تمکن مالی را برای حج حفظ نماید، بنا بر این جایز است در آن مال طوری تصرف کند که از استطاعت خارج شود، مثلاً به دیگری ببخشد، مگر وقتی باشد که قافله به طرف حج حرکت می کند.

مسأله: همانطور که داشتن زاد و راحله و وسیله معاش و سواری برای رفتن لازم است برای برگشتن اگر نیاز به برگشت باشد و برای مدت توقف در مکه نیز لازم است، بنا بر این اگر هزینه حج چه قبل از سفر و چه تا پایان سفر به هر شکلی از بین رفت معلوم می شود که استطاعت نداشته و حج واجب نبوده است.

مسأله: اگر پول انسان به

مقدار هزینه حج باشد ولی نمی دانست یا غفلت از وجوب حج داشت و بعد از توجه و علم، مال تلف شده بود، حج بر ذمه او استقرار پیدا نمی کند.

مسأله: حج مثل سایر واجبات بر کافر مستطیع واجب است، ولیکن تا وقتی بر کفر خود باقی است نمی تواند حج صحیح انجام دهد، و اگر مسلمان شد و استطاعتش باقی بود حج بر او واجب بوده و می تواند صحیحاً انجام دهد.

مسأله: اگر کافر قبل از اسلام استطاعتش از بین رفت سپس مسلمان شد حج بر او واجب نیست، و اگر در حال کفر مستطیع نبود و پس از مسلمان شدن استطاعت پیدا کرد حج بر او واجب است.

مسأله: حج بر مرتدّ (کسی که مسلمان بوده و از اسلام برگشته) چه ملّی و چه فطری باشد واجب است، اما انجامش در حال ارتداد صحیح نخواهد بود و هرگاه توبه کرد و حج نمود صحیح است ولو مرتدّ فطری باشد، بنا بر اقوی.

مسأله: چنانچه مسلمان غیر شیعه حج انجام داد و بعداً شیعه شد در دو صورت احتیاج به اعاده ندارد:

۱- اگر حج را طبق مذهب خودش صحیح انجام داده باشد، حتی اگر طبق مذهب شیعه صحیح نباشد.

۲- اگر حج، طبق مذهب شیعه صحیح باشد حتی اگر طبق مذهب خودش باطل باشد و اما اگر طبق مذهب خودش و مذهب شیعه هر دو باطل باشد لازم است حج را اعاده نماید.

مسأله: هرگاه حج بر کسی واجب شد و در بجا آوردنش اهمال و تأخیر کرد تا استطاعتش از بین رفت، واجب است حج را به هر ترتیبی شده بجا آورد حتی اگر به سختی باشد، و چنانچه قبل از حج بمیرد واجب

است از ارث وی حج را قضا نمایند و چنانچه کسی تبرّعاً و بدون اجرت به جای او حج نماید صحیح و کافی خواهد بود.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۰

حج بذلی

مسأله: همانطوری که انسان از مال خود مستطیع می شود و حج بر او واجب می گردد، اگر دیگری نیز هزینه حج را به او بذل نماید (مخارج را تکفّل کند) حج واجب خواهد شد، چه باذل (بخشنده) یکی باشد یا متعدّد، چه عین زاد و راحله را بذل نماید و چه قیمت آن را، و چه به مدیر کاروان بگوید او را به هزینه من به حج ببر، و یا به طریق دیگری.

مسأله: اگر شخصی (مثلاً علی) مالی را به مقدار هزینه حج وصیّت نماید یا وقف کند یا نذر نماید تا به شخصی (مثلاً حسن) بدهند که با آن حج نماید، هر گاه مال به او تسلیم شد حج بر او (حسن) واجب می شود، همانگونه که قبول واجب است، و اما اگر قید نکرده بود که با آن مال حج نماید قبول واجب نیست، و چنانچه قبول نکرد حج نیز واجب نخواهد شد.

مسأله: رجوع به کفایت که معنایش در امر پنجم بیان شد، در حج بذلی اگر انجام حج در وضع زندگی او اثری نداشته باشد شرط نیست، و حج واجب می شود حتی اگر بعد از بازگشت معاشش تأمین نباشد. و اگر عمل حج در زندگی بعدی او اثر دارد مثل اینکه کسب او که تأمین کننده معاش سالیانه اوست منحصر به ایام حج است و عمل حج او را از این کسب باز داشته و موجب کمبود هزینه معاش سالیانه شده، در چنین صورتی

رجوع به کفایت حتی در حج بذلی شرط است.

مسأله: اگر کسی به انسان مالی معادل هزینه حج هدیه نماید و نامی از حج نبرد قبول این هبه واجب نیست و حج نیز واجب نمی شود. و چنانچه انسان به میل خودش قبول کرد مستطیع می شود و حج واجب می گردد، اما اگر مبلغ را به او داد به شرط اینکه حج نماید و یا گفت: مخیری می خواهی حج انجام بده یا نه، در این صورت قبول هدیه واجب است (مگر ممت و حرجی در بین باشد) و مستطیع بوده و حج واجب می گردد.

مسأله: اگر انسان با بذل مستطیع شد و بدهکار نیز بود چنانچه حج مانع از پرداخت بدهی تا آخر بشود حج واجب نیست، چه بدهی مدّت دار باشد یا نباشد، و چه طلبکار مطالبه بکند یا نکند. و اگر حج تا آخر عمر مانع از پرداخت بدهی نیست ولی پرداخت آن به تأخیر می افتد و طلبکار نیز مطالبه می نماید چه بدهی

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۱

مدّت دار باشد و یا نباشد حج واجب نیست، اما اگر حج موجب تأخیر بدهی نشود و یا طلبکار راضی به تأخیر باشد حج واجب خواهد بود.

مسأله: هرگاه برای عده ای مالی را در میان بگذارند که یکی از آنها به حج برود، چنانچه یکی پیش دستی نموده و مال را برداشت تکلیف از دیگران ساقط می شود و به آن یک نفر متوجه می گردد و چنانچه همه ترک کردند و پول را برنداشتند و حال آنکه قدرت داشتند، وجوب حج بر همه به نحو وجوب کفائی مستقر خواهد شد.

مسأله: با بذل تنها حجی واجب می شود که وظیفه مبذول له

بوده در صورت استطاعتش و حج دیگری بر او واجب نمی‌گردد، پس اگر وظیفه مبذول له حج تمتع بود و حج قران یا افراد- که معنای آن خواهد آمد- به او بذل شود، یا بالعکس یعنی کسی که وظیفه اش حج قران یا افراد است اگر حج تمتع به او بذل شود، قبولش واجب نیست.

مسأله: کسی که (حججهالاسلام) بر ذمه وی آمده یعنی مستطیع شده و حج نرفته تا اینکه بی پول و فقیر شده، اگر به او بذل شود قبولش واجب است و همچنین کسی که حج بر او به نذر و شبه آن واجب شده و تمکن ندارد، واجب است بذل را قبول نماید.

مسأله: هرگاه به کسی پولی بذل شود که با آن حج انجام دهد و آن پول در بین راه تلف شود، وجوب حج از او ساقط می‌شود. اما اگر متمکن باشد که سفر را از مال خودش ادامه دهد و حج را بجا بیاورد در صورتی که بقیه شرایط را دارا باشد باید آن را ادامه دهد و حجش واجب و مجزی از (حججهالاسلام) خواهد بود.

مسأله: در حج بذلی پول قربانی به عهده باذل است (بخشنده مال) پس اگر پول قربانی را نداد حج واجب نیست مگر اینکه خود مبذول له قدرت پرداخت پول قربانی را داشته باشد که در این صورت حج واجب خواهد بود.

مسأله: حج بذلی یعنی حجی که انسان با پول دیگری بجا می‌آورد کفایت از (حججهالاسلام) می‌کند، و اگر گیرنده بعداً خودش مستطیع شود حجی بر او واجب نخواهد بود.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۲

مسأله: باذل (بخشنده مال) جایز است پیش از داخل شدن مبذول له در احرام

از بذل خود برگردد امّا ضامنِ هزینه ای است که مبذول له متحمّل شده از رفتن تا بازگشت به وطن، ولی بعد از دخول در احرام احتیاط واجب این است که باذل از بذلش برنگردد.

مسأله: اگر باذل از بذل خود برگشت چنانچه گیرنده پول از مال خودش استطاعت دارد که حج را تمام نماید واجب است آن را تمام کرده و (حجه الاسلام) خواهد بود و اگر استطاعت ندارد وجوب حج ساقط می شود.

مسأله: چنانچه مالی برای حج به انسان بذل شد و با آن حج انجام داد سپس معلوم شد که آن مال غصبی بوده این حج مجزی از (حجه الاسلام) نخواهد بود، و مالک آن مال برای گرفتن مالش حق دارد به هریک از دهنده و گیرنده مراجعه کند و پول خود را بگیرد، لکن اگر از گیرنده گرفت گیرنده می تواند به دهنده مراجعه کند و عوض آنچه را داده بگیرد مگر اینکه از اول خود گیرنده می دانسته که مال غصبی است.

مسأله: اگر مبذول له یکی از محرّمات احرام را که موجب کفّاره است انجام داد کفّاره اش به عهده خود او است.

مسأله: اگر کسی که مستطیع نیست برای خود یا دیگری تبرّعاً یا با اجاره حج انجام داد، این حج برای خودش مجزی از (حجه الاسلام) نیست و هر وقت مستطیع شود باید (حجه الاسلام) را بجا آورد.

مسأله: اگر کسی به اعتقاد اینکه مستطیع نیست به عنوان استحباب به حج رفت و قصد فرمان برداری امر الهی را نمود و بعداً معلوم شد که مستطیع بوده، حجّش مجزی از (حجه الاسلام) خواهد بود، و دوباره حج بر او واجب نیست، و امّا اگر قصد استحباب طوری بوده که اگر می دانست

واجب است انجام نمی داد (البته این فرض خیلی نادر است) از (حجه الاسلام) کفایت نخواهد کرد و هر وقت مستطیع شود حج بر او واجب می شود.

اذن شوهر

مسأله: در حج واجب اذن شوهر برای زن وقتی که مستطیع شد رط نیست، و شوهر نمی تواند مانع از انجام (حجه الاسلام) بشود.

مسأله: در حج استحبابی اذن شوهر شرط است، و حق دارد زن را از رفتن به حج مستحب منع نماید.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۳

مسأله: زنی که در عده طلاق رجعی است، شرعاً در حکم شوهردار می باشد و همین حکم را دارد.

مسأله: همراه داشتن محرم در وجوب حج بر زن در صورت امتیث جانی و ناموسی شرط نیست، و هرگاه بدون محرم امتیث نداشت همراه بودن محرم حتی اگر با پرداخت اجرت باشد لازم است، و در این صورت اگر زن هزینه اجرت را نداشت استطاعت ندارد و حج واجب نخواهد بود.

حج نذری

مسأله: بلوغ، عقل، آزادی و دیگر شرایطی که در احکام نذر بیان شده، در وجوب حج نذری شرط می باشد.

مسأله: کسی که نذر کرده مثلاً همه ساله روز عرفه در کربلای معلی، حضرت سیدالشهداء (ع) را زیارت نماید و بعد از نذر مستطیع شد نذرش منحل شده و حج بر او واجب است. و همچنین است هر نذری که پیش از استطاعت نموده و مزاحم حج بشود، بعد از استطاعت نذر منحل می شود و حج واجب می گردد.

مسأله: شخص مستطیع در صورتی که توانایی جسمی داشته باشد شخصاً حج را انجام دهد و اگر کسی از طرف او تبرعاً یا با اجرت و غیره حج نماید کفایت نمی کند. اما در حج مستحبی اگر دیگری از طرف انسان حج انجام دهد اشکال ندارد.

نایب گرفتن

مسأله: در نایب شش شرط لازم است:

اول: بلوغ، پس نیابت نابالغ حتی اگر ممیز باشد صحیح نیست.

دوم: عقل، پس نیابت دیوانه صحیح نیست، چه دیوانه همیشگی باشد یا گهگاهی (ادواری) اگر در حال دیوانگی نیابت نماید.

سوم: اسلام و ایمان، یعنی مسلمان و شیعه اثنا عشری بوده و معتقد به امامت تمام ائمه اطهار (علیهم السلام) باشد، پس نیابت

غیر شیعه صحیح نیست، حتی اگر حج را طبق مذهب شیعه انجام دهد.

چهارم: عدالت یا اطمینان به اینکه نایب عمل را صحیح انجام می دهد.

پنجم: به احکام و افعال حج عالم باشد حتی اگر با راهنمایی عالمی در موقع انجام اعمال حج باشد.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۴

ششم: حجه الاسلام بر گردن نایب نباشد.

مسأله: نیابت از بچه نابالغ و ممیز و از دیوانه جایز است، بلکه در مورد دیوانه گهگاهی (ادواری) اگر در حال افاقه و سلامتی

حج بر او واجب شده و می توانسته انجام دهد اما انجام نداده باید پس از مرگش برای او نایب بگیرند.

مسئله: یک جنس بودن منوب عنه و نایب لازم نیست، بنا بر این نیابت زن از مرد و بالعکس جایز است.

مسئله: نیابت ضروره (یعنی کسی که تاکنون حج نرفته) زن باشد یا مرد چند صورت دارد:

۱- نیابت زن ضروره از مرد ضروره، بنا بر احوط جایز نیست.

۲- نیابت مرد ضروره از زن ضروره جایز است بدون کراهت.

۳- نیابت زن ضروره از مرد غیر ضروره کراهت شدید دارد.

۴- نیابت زن غیر ضروره از مرد ضروره کراهت دارد.

مسئله: شرط است که منوب عنه مسلمان باشد، پس نیابت از کافر صحیح نیست. و همچنین منوب عنه باید مرده باشد و یا اینکه توانائی جسمی برای انجام حج نداشته باشد، البته این حکم در حج واجب است ولی در حج مستحبی نیابت از زنده جایز است حتی اگر منوب عنه توانائی جسمی داشته باشد.

مسئله: شرط است در صحت نیابت قصد کند منوب عنه را ولو اجمالاً، و واجب نیست بردن نامش، گرچه در جمیع موطن و موافق مستحب است و قصد نیابت لازم است.

مسئله: همانطوری که نیابت به اجاره صحیح است به جعاله و تبرع و شرط ضمن عقد نیز صحیح است.

مسئله: اجیر کردن شخصی که در ترک بعضی از اعمال معذور است بنا بر احوط جایز نیست، بلکه همین شخص معذور اگر تبرعاً برای میت حج انجام دهد فراغت ذمه میت مشکل است.

مسئله: کسی که حج بر ذمه او مستقر شده و شخصاً به علت پیری یا بیماری یا مانع دیگری نتواند حج را بجا آورد و یا حرج و

مشقت داشته باشد، واجب است نایب بگیرد.

مسأله: کسی که ثروتمند است و شخصاً بر انجام حج قدرت ندارد و یا حرج و مشقت زیاد دارد گرچه حج بر ذمه او مستقر نشده، واجب است برای انجام حج نایب بگیرد.

مسأله: نایب گرفتن مانند حج شخصی باید فوری انجام شود.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۵

مسأله: در صورتی که نایب به حج برود، و عذر منوب عنه تا موقع مرگش باقی بماند، حج نایب کفایت می نماید، و چنانچه قبل از مردن، عذر برطرف شد واجب نیست شخصاً حج را انجام دهد، گرچه احوط انجام آن می باشد.

مسأله: کسی که شخصاً از انجام دادن حج معذور است و تمکن نایب گرفتن نیز ندارد، وجوب حج از او ساقط می باشد، ولی اگر حج قبلاً بر ذمه او مستقر بوده واجب است بعد از فوتش قضا شود. و اگر می توانست نایب بگیرد و نایب نگرفت در صورتی که حج بر او مستقر شده و مالی از او باقی مانده باشد قضاء واجب است.

مسأله: اگر گرفتن نایب واجب شد و نایب نگرفت اما شخصی تبرّعاً از طرف او حج انجام داد کفایت می کند گرچه احتیاط در گرفتن نایب است.

مسأله: نیابت از میقات جایز است گرچه احتیاط مستحب نیابت از شهر منوب عنه است.

مسأله: کسی که حج بر ذمه اش مستقر بوده اگر بعد از احرام و بعد از دخول در حرم بمیرد کفایت از (حجه الاسلام) می کند، و اگر پیش از احرام و دخول در حرم بمیرد ظاهر این است که قضای حج واجب می باشد.

مسأله: هرگاه کسی که (حجه الاسلام) بر ذمه اش هست بمیرد و وصیت به حج نموده باشد، هزینه آن حج از

اصل ترکه برداشته می شود مگر اینکه مقید به ثلث کرده باشد در این صورت اگر ثلث کافی بود از ثلث برداشته می شود و بر بقیه وصیتهایش مقدم است، و اگر ثلث کافی نبود باقیمانده را از اصل ترکه بر می دارند. و همچنین اگر این شخص بدون وصیت بمیرد واجب است هزینه حج را از اصل ترکه برداشته و برای او نایب بگیرند.

مسأله: کسی که بمیرد و (حجه الاسلام) بر ذمه وی باشد و نزد شخصی ودیعه و امانتی داشته باشد و این شخص بداند یا ظن داشته باشد که ورثه حج را انجام نخواهند داد حتی اگر ودیعه را به آنها بدهد، بر این شخص لازم است برای میت نایب بگیرد تا ذمه میت از حج فارغ شود، و چنانچه از آن ودیعه مبلغی زیاد بیاید آن را به ورثه بدهد. و فرقی نیست بین اینکه خود شخص از طرف میت حج را انجام دهد و یا کسی را اجیر کند که از طرف میت حج بجا بیاورد. و این حکم در اموال دیگر غیر از ودیعه مثل عاریه یا اجاره یا طلب و مانند آن جریان ندارد.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۶

مسأله: کسی که بمیرد و (حجه الاسلام) بر ذمه وی باشد و از طرفی مقروض بوده و خمس و زکات نیز بر او واجب باشد و ارث او برای تمام اینها کافی نباشد، اگر مالی که خمس یا زکات به او تعلق گرفته موجود باشد باید خمس یا زکات را بپردازند و چنانچه خمس و زکات به ذمه وی منتقل شده بین آنها مخیر است ولی تقدیم سایر بدهیها بر حج احوط است.

مسأله:

کسی که مرده و (حجه‌الاسلام) بر ذمه او بوده اگر ماترک او برابر با هزینه حج باشد ورثه پیش از گرفتن نایب حق تصرف در مال او را ندارند، و اگر ماترک بیشتر از هزینه حج باشد و ورثه تصمیم گرفتن نایب را داشته باشند می توانند در قسمتی از ماترک تصرف نمایند، و در رابطه با دیون دیگر نیز چنین است.

مسأله: کسی که فوت کرده و ترکه وی به مقدار هزینه حج نیست و بدهکاری ندارد ترکه او به وارث منتقل می شود و بر آنها واجب نیست کمبود هزینه را از مال خودشان تکمیل نمایند.

مسأله: کسی که حج بر ذمه او بوده اگر فوت نماید می توانند برای او از نزدیکترین میقاتها به مکه مکرمه نایب بگیرند و واجب نیست نایب از شهر وی گرفته شود بلی اگر ثروت زیاد داشته باشد احوط استحبابی گرفتن نایب از شهر اوست، و بنابر احتیاط زیادی اجرت از اموال بالغین ورثه باید داده شود نه صغار آنها.

مسأله: اگر کسی که حج بر ذمه او بوده فوت نماید، واجب است در همان سال فوتش نایب بگیرند و چنانچه امکان نایب گرفتن از میقات در آن سال نبود واجب است از شهر وی نایب بگیرند و هزینه نایب از اصل ترکه برداشته می شود. و تأخیر آن تا سال دیگر جایز نیست حتی اگر یقین داشته باشند سال دیگر می توانند از میقات نایب بگیرند، البته این حکم در صورتی است که تفاوت هزینه نایب از بلد و میقات کم باشد اما اگر تفاوت زیاد باشد با بودن وراثت صغیر و طلبکاران تأخیر جایز است، این تفصیل در وقتی است که میت مال معینی

را برای نیابت وصیت نکرده باشد.

مسأله: اگر بعضی از ورثه به وجوب (حجها لاسلام) بر ذمه متوفی اقرار کنند و بعضی انکار کنند، بر اقرار کنندگان لازم است به نسبت (سهم الارث) خود از آنچه میت برای حج تعیین نموده پرداخت نمایند و چنانچه این مقدار برای حج کافی بود نایب گرفته می شود و اگر این مقدار وافی به حج نبود لازم نیست از مال خودشان تکمیل نمایند، و نایب گرفتن واجب نخواهد بود.

مسأله: اگر حج بر ذمه میت باشد و کسی تبرعاً برای او حج انجام دهد، هزینه حج به ورثه منتقل می شود. و اگر (حجه الاسلام) بر میت واجب نبوده اما وصیت به حج نموده اگر منظورش معلوم بود که باید با این

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۷

مبلغ حجی انجام شود- چه شخص دیگری تبرعاً برای او حج انجام دهد یا ندهد- باید با این مبلغ اجیر گرفته شود و به ورثه منتقل نمی شود، و همچنین اگر مشکوک باشد باز به ورثه منتقل نخواهد شد و باید اجیر گرفته شود.

مسأله: کسی که حج بر ذمه اش بوده و وصیت کرده که از شهرش نایب گرفته شود، واجب است از شهر او نایب بگیرند ولی مازاد بر اجرت میقات از ثلث ماترک خارج می شود. و چنانچه وصیت به حج نموده و نامی از بلد یا میقات نبرده به نایب گرفتن از میقات اکتفا می شود مگر بدانند که مراد وی اجیر گرفتن از بلد است مثل اینکه پولی تعیین کرده که مناسب با نیابت از بلد است در این صورت باید از شهر نایب گرفته شود.

مسأله: اگر وصیت به حج بلدی نمود اما وارث یا وصی از

میقات نایب گرفت و یا متبرّعی مجاناً حج را از میقات انجام داد، ذمه میت فارغ می شود و وجوب نیابت از بلد ساقط می گردد. و همینطور است اگر مال میت برای حج بلدی کافی نبوده و حج میقاتی فرستادند.

مسأله: اگر وصیت کند که برای (حجه الاسلام) نایب گرفته شود و اجرت را نیز تعیین نموده باشد عمل به این وصیت واجب است و هزینه اش از اصل مال برداشته می شود در صورتی که بیش از (اجره المثل) نباشد. و اگر بیش از (اجره المثل) بود تفاوتش از ثلث می باشد مگر اینکه اجیری به اجره المثل پیدا نشود که در این صورت تمام از اصل مال اخراج می گردد.

مسأله: هرگاه وصیت کند که از مال معینی برای او حج داده شود و وصی دانست که به آن مال خمس یا زکات تعلق گرفته، واجب است اول خمس یا زکات آن مال را داده و باقیمانده را در راه حج صرف نماید، و چنانچه برای مصارف حج کافی نبود لازم است از اصل مال برداشته شود، این در صورتی است که حج مورد وصیت (حجه الاسلام) باشد.

مسأله: هرگاه بر اثر اهمال و سهل انگاری وصی یا وارث، مالی که موصی برای حج تعیین کرده بود تلف شد اهمال کنند ضامن است، و باید از مال خودش نایب بگیرد، و بنا بر احواط اگر بر اثر اهمال قیمت مال تنزل کرد و برای هزینه حج کافی نشد اهمال کننده ضامن است و باید باقی مانده را تدارک نماید.

مسأله: در صورتی که حج بر ذمه متوفی ثابت بوده و شک دارند که انجام داده یا نه، از باب (حمل فعل مسلم بر صحت) باید بگوئیم

که انجام داده است.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۸

مسأله: به مجزّد اجیر گرفتن برای مرده ای که حج بر ذمه او بوده، ذمه میت و وارث بری نمی شود، بلکه لازم است که حج انجام گردد. بنا بر این اگر معلوم شد اجیر حج را چه با عذر و چه بدون عذر انجام نداده، واجب است دوباره اجیر گرفته شود و اجرت از اصل ترکه برداشته می شود (اگر از اجیر اول نتوانند اجرت را پس بگیرند) و در صورتی که وصی یا وارث کوتاهی کرده باشند آنها ضامن اجرتند.

مسأله: اگر اجیر متعدّد بود وارث مخیر است بین ارسال آنکه کمترین اجرت را می گیرد- البته با احراز صحّت عملش- و بین کسی که بیشتر می گیرد اما از نظر فضیلت مناسب با شؤون متوفی است، و اگر ورثه راضی به زیاده نیستند و یا در بین ورثه صغیر وجود داشته باشد، باید اقلّ را فرستاد.

مسأله: اجیر گرفتن از بلد یا میقات تابع تقلید یا اجتهاد وارث است نه خود میت، پس چنانچه عقیده میت وجوب حج بلدی بوده و عقیده وارث جواز استیجار از میقات باشد، بر او واجب نیست از بلد میت اجیر بگیرد مگر وصیت خاصی در بین باشد.

مسأله: هرگاه (حجه الاسلام) بر ذمه میت باشد و ترکه ای نداشته باشد، بر وارث واجب نیست که برای او نایب بگیرد گرچه مستحب است.

مسأله: هرگاه میت برای حج وصیت بنماید اگر معلوم باشد که مراد (حجه الاسلام) است هزینه آن باید از اصل مال میت برداشته شود مگر وصیت کرده باشد که از ثلث داده شود، و اگر معلوم شد که (حجه الاسلام) نیست یا مشکوک بود باید از

ثلث برداشته شود.

مسأله: هرگاه برای حج وصیت نمود و شخص مخصوصی را برای بجا آوردن تعیین کرد لازم است طبق وصیت او عمل شود، پس اگر آن شخص قبول نکرد مگر اینکه زیادت از اجره‌المثل به او بدهند مقدار زیادی از ثلث برداشته می‌شود یا با رضایت وارث از اصل مال برداشته شود، و اگر ثلث وافی نباشد و ورثه نیز به زیادی رضایت ندهند دیگری را باید اجیر کرد.

مسأله: اگر کسی منزل خود را به مبلغی فروخته، و با مشتری شرط کرده که آن مبلغ را بعد از مرگش در حج مصرف نماید، این شرط لازم است و هزینه از اصل مال برداشته می‌شود، حتی اگر حج مستحبی باشد.

مسأله: هرگاه وصی بعد از گرفتن اجرت حج از مال متوفی بمیرد و دانسته نشود که قبل از مرگش اجیر گرفته یا نه چنانچه مدتی گذشته که امکان گرفتن نایب در آن مدّت بوده- از باب حمل فعل مسلم بر

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۹

صحت- باید بگوئیم نایب گرفته و اگر امکان گرفتن نایب در این مدّت نبوده واجب است از مال وصی نایب گرفته شود.

مسأله: چنانچه مبلغی که برای حج در نظر گرفته شده بدون مسامحه و سهل انگاری در دست وصی تلف شود و یا در سهل انگاری شک شود وصی ضامن نیست و واجب است از بقیه مال متوفی، اجیر گرفته شود و اگر مال بین ورثه تقسیم شده باشد از هر یک به نسبت سهم الارث پس گرفته میشود در صورتی که (حجه‌الاسلام) باشد. و اگر غیر (حجه‌الاسلام) باشد از بقیه ثلث مال میّت باید اجیر گرفته شود، و همین طور است کسی که برای

حج اجیر شده و پیش از انجام آن بمیرد و ترکه ای ندارد، یا دارد اما ورثه اجرتی را که اجیر گرفته بوده پس نمی دهند باید از اصل مال متوفی اگر (حجهالاسلام) است و از باقیمانده ثلث اگر غیر (حجهالاسلام) نایب گرفته شود.

مسأله: هرگاه نایب پیش از محرم شدن بمیرد ذمه منوب عنه فارغ نمی شود و واجب است دوباره نایب بگیرند، و چنانچه بعد از احرام و دخول در حرم بمیرد ذمه منوب عنه فارغ می شود، و اگر بعد از احرام و قبل از دخول در حرم بمیرد بنا بر احوط ذمه منوب عنه فارغ نمی شود، و در این حکم فرقی بین اقسام حج از (تمتع) و (قران) و (افراد) و واجب و غیر واجب نیست، همانطوری که فرقی بین اجیر و متبرع نیز نمی باشد.

مسأله: هرگاه نایب بعد از احرام و بعد از دخول در حرم بمیرد اگر اجیر شده بود برای فراغت ذمه منوب عنه یا برای حجی که بر مستأجر مستحب بوده، اجیر استحقاق تمام اجرت را دارد، و اگر اجیر شده بود برای انجام اعمال حج، به نسبت عملی که انجام داده استحقاق اجرت را دارد. و چنانچه قبل از احرام بمیرد استحقاق هیچ اجرتی ندارد، بلی اگر مقدمات داخل در متعلق اجاره باشد به هر مقداری که از مقدمات انجام داده استحقاق اجرت دارد.

مسأله: اگر برای حج بلدی اجیر شده و راهی تعیین نشده باشد، اجیر مخیر است از هر راهی که بخواهد برود. و چنانچه راهی تعیین شده باشد عدول از آن راه به راه دیگری جایز نیست مگر اینکه بداند مستأجر برای این راه خصوصیتی در نظر ندارد، یا پس

از عقد، شرط را اسقاط کرده باشد.

مسأله: هرگاه برای انجام حج در سال معینی بالمباشره (شخصاً) اجیر شد چنانچه برای دیگری در همان سال با قید مباشرت اجیر شود اجاره دوّم باطل است، و اگر برای دو نفر اجیر شد و قید مباشرت نبود و یا قید

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۲۰

سال معینی نبود هر دو اجاره صحیح است و در صورت اوّل دیگری را می فرستد، و در صورت دوّم در دو سال حج را انجام می دهد.

مسأله: چنانچه اجیر شد که در سال معینی حج را انجام دهد، حق تقدیم و تأخیر آن را ندارد مگر با رضایت مستأجر. و چنانچه تقدیم یا تأخیر نمود اگر نظر مستأجر به خصوص آن سال است بطوری که اگر در آن سال معین حج انجام نمی شد کسی را برای حج اجیر نمی کرد مستحق اجرت نیست، و اجاره از اصل باطل می شود، و اگر چنین نبود یعنی نظر مستأجر به انجام اصل حج قطعی است چه در این سال و چه سالهای دیگر اما برای سال معین مزیتی قائل بوده استحقاق اجرت پیدا می کند و مستأجر می تواند به او اجرهالمثل بدهد.

مسأله: هرگاه اجیر به علت جلوگیری دشمن یا به جهت بیماری نتواند اعمال حج را انجام دهد حتی اگر بعد از احرام و دخول در حرم باشد حج در ذمه اجیر باقی خواهد ماند.

مسأله: هرگاه نایب کاری انجام دهد که موجب کفّاره می شود باید از مال خودش کفّاره را پرداخت نماید.

مسأله: اگر هزینه حج از اجرت تعیین شده بیشتر شود بر مستأجر واجب نیست کمبود را جبران نماید همانگونه که اگر اجرت زیادتر از هزینه حج باشد واجب نیست

اجیر زیادی را پس بدهد، گرچه هریک از جبران و پس دادن مستحب است.

مسأله: اگر کسی برای حج واجب یا مستحب اجیر شده باشد و قبل از مشعر، حج خود را به وسیله جماع باطل نماید، یعنی پس از آنکه برای حج در مکه احرام بست در مکه و یا عرفات جماع نمود باید آن حج را به آخر برساند و این حج ذمه منوب عنه را بری می کند و بر نایب واجب است در سال بعد حج نموده (و قصد نیابت و مافی الذمه هم لازم نیست) و یک شتر کفاره بدهد و اجرت را مستحق میشود چه در آینده حج را انجام بدهد یا ندهد چه اجاره مقید به سال معینی باشد یا مقید نباشد، و حکم متبرع نیز همین است.

مسأله: اجیر با عقد اجاره اجرت را مالک می شود، اما واجب نیست پیش از عمل اجرت را به او پرداخت کنند، مگر اینکه از اول شرط کرده باشند که اجرت را پیش از عمل بدهند، و یا اینکه قرینه ای - بر پرداخت قبل از عمل - در بین باشد چنانکه در مورد نیابت حج معمول است که اجرت را قبل از اعمال می گیرند.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۲۱

مسأله: در عقد اجاره (چنانچه قراردادی و قرینه ای در بین نباشد) باید اجیر شخصاً عمل حج را در همان سال اول انجام دهد و حق واگذاری به دیگری یا به سال بعدی ندارد مگر با اذن صریح یا ظاهر مستأجر.

مسأله: کسی که وقتش کم است و نمی تواند اعمال عمره تمتع را کاملاً انجام دهد سپس اعمال حج تمتع را بجا آورد و مجبور می شود به حج (افراد) عدول

نماید نمی تواند از طرف کسی که حج تمتع بر ذمه اش هست اجیر شود.

مسأله: اگر وقت اجیر وسعت داشت و می توانست اعمال عمره تمتع و حج تمتع را انجام دهد اما بر اثر پیش آمدی برای حج تمتع وقت تنگ شد بطوری که مجبور شد از عمره تمتع به حج (افراد) عدول نماید و بعداً عمره مفرده بجا آورد، ذمه منوب عنه بری می شود و اجیر نیز مستحق اجرت خواهد شد.

مسأله: در حج مستحبی یک نفر به جای چند نفر می تواند حج نماید، و اما در حج واجب جایز نیست که یک نفر به جای دو نفر یا بیشتر حج نماید و باید نیابت تنها از طرف یک نفر باشد، مگر در صورتی که حج بر دو نفر یا بیشتر به شرکت واجب شده باشد مثل اینکه دو نفر یا بیشتر نذر کنند که با شرکت یکدیگر کسی را برای حج اجیر نمایند.

مسأله: چند نفر نایب می توانند در یک سال به نیابت از یک نفر - خواه مرده یا زنده، بطور تبرع یا اجاره - حج مستحبی بجا آورند و همچنین است حج واجب اگر متعدّد باشد (و منوب عنه توانائی جسمی نداشته باشد یا مرده باشد) مثل اینکه بر شخصی دو حج بر اثر نذر واجب شده باشد، یعنی دو مرتبه نذر کرده یا اینکه یک بار نذر کرده و (حججهالاسلام) واجب نیز بر ذمه اش بوده و برای هر کدام یک نفر نایب می گیرد و همچنین اگر یکی از آن دو حج واجب و دیگری مستحب باشد.

مسأله: نایب پس از انجام اعمال حج نیابتی می تواند برای خود یا دیگری عمره مفرده یا طواف انجام دهد.

مسأله: نایب طبق فتوای مجتهد

خود عمل می کند نه فتوای کسی که منوب عنه از او تقلید می نموده است.

مسأله: انسان نمی تواند برای انجام عمره مفرده، بعد از عمره تمتع و قبل از حج نایب شود، و همچنین نمی تواند بین عمره تمتع و حج آن، برای خودش عمره مفرده بجا آورد. و اگر از روی جهل یا عصیان عمره مفرده انجام داد، حجتش صحیح است و دوّمی عمره تمتع بحساب می آید.

مسأله: زنی که پاک نشده است و نمی تواند از همراهان خود جدا شود، برای طواف زیارت و طواف نساء و نماز آنها نایب می گیرد و سعی را خودش انجام می دهد.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۲۲

چند مسأله

مسأله: انجام حج برای کسی که مستطیع نیست ولی با قرض و غیره می تواند حج بجا آورد مستحب است. اما از (حجه الاسلام) کفایت نمیکند.

مسأله: کسی که (حجه الاسلام) را انجام داده مستحب است مکرراً حج انجام دهد و همچنین مستحب است تبرّعا از طرف خویشاوندان یا دیگران طواف همراه با نماز و یا حج کامل انجام دهد، مرده باشند یا زنده.

مسأله: مستحب است از طرف معصومین (علیهم الصلاه و السلام) طواف همراه با نماز و یا حج کامل انجام دهد، چه در حال حیات آنها باشد و چه بعد از شهادتشان.

مسأله: پس از اتمام اعمال حج و در موقع بازگشت از مکه معظمه مستحب است که قصد بازگشت به حج نماید که موجب زیادی عمر است و مکروه است قصد عدم مراجعت کند که موجب کوتاهی عمر می شود.

مسأله: مستحب است انسان به کسانی که حج نرفته اند هزینه حج را پرداخت کند و آنها را به حج بفرستد و بجای (حجه الاسلام) آنان حساب می شود.

مسأله:

زیاد خرج کردن در حج مستحب است.

مسأله: مستحب است حج مندوب را بر بقیه عبادات مستحبی از قبیل نماز و روزه و جهاد ندبی و تصدق و سایر مستحبات مقدم بدارد.

مسأله: در حج استحبایی شرط است برای زوجه اذن زوج و برای عبد اذن مولی و بنا بر احتیاط برای اولاد اذن ابویین شرط میباشد.

اقسام حج

اشاره

مسأله: حج بر سه قسم است:

۱- حج (تمتع).

۲- حج (افراد).

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۲۳

۳- حج (قران).

مسأله: حج تمتع وظیفه کسانی است که وطن آنها شانزده فرسخ (حدود ۸۸ کیلومتر) یا بیشتر با مکه معظمه فاصله دارد.

مسأله: حج (افراد) و حج (قران) وظیفه کسانی است که با مکه معظمه کمتر از شانزده فرسخ فاصله داشته باشند، یا اهل خود مکه معظمه باشند.

مسأله: این حکم در (حججه الاسلام) یا حجی است که به وسیله نذر به یکی از این سه مقید شده باشد، اما در سایر اقسام حج از واجب و مستحب مخیر است بین هریک از اقسام سه گانه، گرچه انتخاب حج تمتع افضل است.

مسأله: کسی که وطنش بیشتر از شانزده فرسخ از مکه معظمه فاصله داشته باشد و مقیم مکه شود و از اقامتش دو سال گذشته باشد باید حج (قران) یا حج (افراد) انجام بدهد، و اگر هنوز دو سال نشده است باید حج تمتع انجام دهد، و در این حکم فرقی نیست بین اینکه قصد توطن یا مجاورت داشته باشد یا نه، و چه پیش از استطاعت مقیم شده باشد یا بعد از آن.

مسأله: کسی که مقیم مکه معظمه شده، قبل از گذشت دو سال اگر بخواهد حج تمتع انجام دهد، باید به میقات مربوطه به وطن اولیه اش

برود و از آنجا برای عمره تمتع احرام ببندد و سپس در ادنی الحل (مثلاً تنعیم) تجدید نیت نماید، این حکم نیز در مورد حج تمتع مستحبی که اهل مکه معظمه می خواهند انجام دهند جریان دارد.

مسأله: کسی که دارای دو وطن می باشد، یکی کمتر از مسافت یاد شده و دیگری بیشتر از آن، طبق وطنی که بیشتر در آن اقامت دارد عمل می کند، و در صورت تساوی مخیر است گرچه حج تمتع افضل می باشد.

حج تمتع

مسأله: حج تمتع عبارت است از دو عبادت: اول عمره تمتع. دوم: حج تمتع.

اعمال عمره تمتع

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۲۴

مسأله: اعمال عمره تمتع پنج چیز است:

۱- احرام در یکی از میقاتها (که بیان خواهد شد).

۲- طواف دور خانه خدا (کعبه معظمه).

۳- بجا آوردن دو رکعت نماز طواف نزد مقام ابراهیم (ع) یا پشت آن.

۴- سعی (رفت و آمد) بین صفا و مروه.

۵- تقصیر.

اعمال حج تمتع

مسأله: اعمال حج تمتع سیزده چیز است:

۱- احرام بستن از مکه معظمه به شرحی که می آید.

۲- وقوف (بودن) در عرفات از ظهر روز نهم ذی الحجّه تا غروب آفتاب.

۳- بودن در مشعر الحرام (مزدلفه) از اذان صبح روز عید قربان تا اول آفتاب.

۴- رمی جمره عقبه (زدن سنگ ریزه) در منی روز عید قربان.

۵- قربانی کردن در منی.

۶- تراشیدن سر یا گرفتن مقداری از مو یا ناخن در منی.

۷- طواف دور خانه خدا پس از بازگشت به مکه معظمه.

۸- دو رکعت نماز طواف حج تمتع نزد مقام ابراهیم (ع) یا پشت آن.

۹- سعی بین صفا و مروه.

۱۰- طواف نساء دور خانه خدا.

۱۱- دو رکعت نماز طواف نساء نزد مقام ابراهیم (ع) یا پشت آن.

۱۲- بیتوته (ماندن شب) در منی، شب یازدهم و دوازدهم، بلکه شب سیزدهم در بعضی موارد که بیانش خواهد آمد.

۱۳- رمی سه جمره (صغری، وسطی، عقبه) در روز یازدهم و دوازدهم بلکه در روز سیزدهم در صورتی که شب سیزدهم را در منی بماند.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۲۵

شرایط حج تمتع

مسأله: شرایط حج تمتع چند چیز است:

۱- نیت، که از اول شروع به احرام عمره قصدش این باشد که اعمال حج تمتع را بجا می آورد، قریه الی الله تعالی، پس اگر نیت دیگری نمود- تقییدا- یا تردید در نیت داشت حجش باطل است.

۲- باید عمره و حج هر دو در ماههای حج (شوال، ذی القعدة، ذی الحجه) انجام شود، پس اگر تمام عمره تمتع یا قسمتی از آن قبل از شوال انجام شود باطل است.

۳- باید حج تمتع و عمره تمتع در یک سال انجام شود، پس اگر عمره تمتع را در یک سال بجا

آورد و حج تمتع را به سال دیگر تأخیر انداخت حج تمتع نخواهد بود، و در این حکم فرق نمی کند که تا سال آینده در مکه معظمه بماند یا به وطن رفته و مجدداً برگردد، و همچنین فرقی نیست که در احرام عمره تمتع بماند (یعنی تقصیر را انجام نداده باشد) یا از احرام خارج شده باشد.

۴- باید احرام برای حج تمتع - نه عمره آن- در حال اختیار از خود مکه معظمه باشد، و بهتر است که احرام از مسجدالحرام باشد، و در مسجد هم بهتر است نزد مقام ابراهیم (ع) و یا در حجر اسماعیل (ع) باشد.

۵- باید مجموع اعمال عمره تمتع و حج تمتع را یک نفر برای یک نفر انجام دهد، پس اگر دو نفر برای انجام عمره و حج تمتع از طرف یک نفر اجیر شوند که یکی عمره تمتع و دیگری حج تمتع را انجام دهد صحیح نخواهد بود، و همچنین اگر یک نفر عمره تمتع را برای کسی و حج تمتع را برای دیگری انجام دهد صحیح نخواهد بود.

چند مسأله

مسأله: واجب است عمره تمتع قبل از حج تمتع انجام شود.

مسأله: پس از انجام اعمال عمره تمتع و با نزدیک شدن روز نهم ذی الحجّه باید خود را برای اعمال حج تمتع آماده نماید.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۲۶

مسأله: جایز نیست بعد از انجام اعمال عمره تمتع و قبل از احرام حج از مکه مکرمه برای مسافت دور خارج شود مگر مجبور گردد که در این صورت باید برای حج احرام بیوشد سپس خارج شود.

اما در مسافتهای کوتاه جایز است از مکه بیرون رود بدون احرام ولی کراهت دارد.

البتّه در

اطراف مکه و منی خروج بدون احرام جایز است و کراهتی ندارد.

مسأله: خارج شدن از مکه معظمه در اثنای عمره تمتع (چه پیش از طواف و چه بین طواف و سعی یا بین سعی و تقصیر) خلاف احتیاط است.

مسأله: هرگاه پس از انجام عمره تمتع بدون احرام از مکه بیرون رفت و از میقات گذشت دو صورت دارد: اول آنکه بازگشتش به مکه معظمه قبل از ماه خروجش باشد در این صورت بدون احرام به مکه معظمه برگشته و از مکه برای حج تمتع احرام مینندد. دوم: آنکه بازگشتش به مکه بعد از ماه خروجش باشد که در این صورت لازم است احتیاطاً برای عمره تمتع محرم شود و عمره تمتع را تجدید نماید سپس برای حج احرام ببندد و مقصود از ماه: شوال و ذی القعدة و ذی الحجه است نه سی روز.

مسأله: کسی که وظیفه اش حج تمتع است نمی تواند به حج (افراد) یا (قران) عدول نماید، مگر آنکه پس از شروع به عمره تمتع و قتش به اندازه ای تنگ شود که نتواند عمره را تمام نماید و خود را به حج برساند، در این صورت نیت را از عمره تمتع به حج (افراد) برگردانده و عمره را ترک نموده و اعمال حج (افراد) را بجا می آورد و پس از انجام حج، عمره مفرده بجا خواهد آورد.

مسأله: میزان در تنگی وقت، بیم از دست رفت و قوف اختیاری عرفات است، مثلاً: اگر صبح روز نهم ذی الحجه با احرام از میقات به نیت عمره تمتع وارد مکه معظمه شود و بخواهد عمره تمتع را بجا آورد، امّا برای ظهر عرفه (که اول وقت و قوف اختیاری در عرفات است) نمی تواند

خود را به عرفات برساند این شخص باید نیت احرام عمره را به احرام حج (افراد) تبدیل نموده و به عرفات رفته و اعمال حج (افراد) را به پایان برساند، و پس از آن عمره مفرده انجام دهد و مجزی از (حجها لاسلام) خواهد بود.

مسأله: کسی که وظیفه اش حج تمتع است چنانچه پیش از شروع به احرام عمره تمتع بداند که بر اثر ضیق وقت نمی تواند عمره تمتع را تمام نماید جواز عدول به حج (افراد) بعید نیست یعنی از اول برای حج (افراد) محرم شود.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۲۷

مسأله: هرگاه در سعه وقت برای عمره تمتع احرام بست و طواف و سعی خود را عمداً تا زمانی به تاخیر انداخت که نتوانست آنها را انجام بدهد و حج را درک نماید، لازم است به حج (افراد) عدول نماید، و اکتفا به آن حج میشود گرچه معصیت کرده است.

کیفیت حج (افراد)

مسأله: حج (افراد) عملی است مستقل و جداگانه و وظیفه اهل مکه معظمه و کسانی می باشد که از شانزده فرسخ با مکه کمتر فاصله دارند، و در صورتی که بتواند علاوه بر حج (افراد) عمره مفرده را بجا آورد عمره مفرده نیز بطور جداگانه بر او واجب خواهد شد. بنا بر این کسی که می تواند فقط یکی از این دو را بجا آورد تنها همان بر او واجب می شود، و چنانچه بتواند هر دو را انجام دهد واجب است هر دو را انجام دهد و فرقی ندارد هریک را مقدم بدارد.

مسأله: حج تمتع با حج (افراد) در تمام اعمال مشترکند، اما پنج فرق بین آنها می باشد، که به بعضی از آنها قبلاً نیز اشاره شد:

۱- حج تمتع

با عمره تمتع باید متصل به هم و در یک سال انجام شود، ولی این اتصال بین حج (افراد) و عمره مفرده و در یک سال بودن لازم نیست، در حج تمتع باید عمره تمتع مقدم بر حج تمتع باشد، ولی در حج (افراد) هر یک مقدم شد مانعی ندارد.

۲- در حج تمتع قربانی واجب است، و در حج (افراد) قربانی واجب نیست.

۳- در حج (افراد) در حال اختیار می توان طواف و سعی حج را بر وقوفین مقدم نمود، ولی در حج تمتع بنا بر احوط در حال اختیار نمی توان طواف و سعی حج را بر وقوفین مقدم نمود.

۴- احرام حج (افراد) باید یا از منزل حاج و یا از یکی از مواقیت پنج گانه عمره تمتع باشد، ولی احرام حج تمتع از خود مکه معظمه است.

۵- در حج تمتع باید عمره تمتع و حج تمتع هر دو در ماههای حج (شوال و ذی القعدة و ذی الحجه) باشد و در حج (افراد) چنین ملازمه ای نیست، یعنی جایز است عمره در غیر ماههای حج انجام شود.

کیفیت حج (قران)

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۲۸

مسأله: حج (قران) در تمام اعمال با حج (افراد) یکسان است، مگر در دو جهت:

۱- قربانی در حج (قران) واجب است، اما در حج (افراد) واجب نیست، و مکلف باید هنگام احرام حج (قران) قربانی را همراه داشته باشد.

۲- احرام در حج (افراد) فقط با تلبیه تحقق پیدا می کند، ولی در حج (قران) هم با تلبیه محقق می شود و هم با اشعار (علامت گذاشتن) بر حیوان قربانی و یا تقلید (چیزی به گردن حیوان قربانی آویزان کردن) و هرگاه برای حج (قران) احرام ببندد عدول به حج تمتع جایز نیست.

تفصیل اعمال عمره تمتع

مسأله: برای انجام کلیه اعمال حج و عمره نیت لازم است، و مقصود از نیت: قصد بجا آوردن اعمال است قربه الی الله، مثلاً چنین نیت می کند: حج تمتع بجا می آوردم و در ابتدا عمره تمتع انجام می دهم قربه الی الله.

اعمال عمره تمتع

۱- احرام

اشاره

مسأله: اولین عمل از اعمال عمره تمتع احرام می باشد، و احرام باید از میقات بسته شود.

میقات

مسأله: جاهائی برای بستن احرام حج یا عمره تعیین شده است و به هر کدام از آنها (میقات) گفته می شود، که واجب است احرام در آنجا بسته شود، و جایز نیست اختیاراً از آنجا به مکه معظمه بدون احرام عبور کند، و این اماکن (میقاتها) عبارتند از: مسجد شجره، وادی عقیق، جحفه، یلملم، قرن المنازل، مکه مکرمه، منزل حاج، جعرانه، محاذات یکی از مواقیت، ادنی الحلّ، فحّ.

مسأله: مسجد شجره: میقات اهل مدینه منوره است و هر کسی که خواسته باشد از راه مدینه به حج برود، و جایز است احرام بستن در بیرون مسجد بطوری که محاذی و برابر آن باشد از طرف راست و چپ برای کسی که به طرف مکه معظمه ایستاده باشد و احوط استحبابی این است که در صورت امکان در داخل مسجد احرام بسته شود، و کسی که از راه مدینه به مکه برای حج می رود و به مسجد شجره می رسد

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۲۹

میقات دیگری نیز بین راه به نام (جحفه) دارد اما نمی تواند از مسجد شجره بدون احرام گذشته و از جحفه احرام ببندد مگر شخص بیمار یا ضعیف و مانند آنها که معذورند و نمی توانند از مسجد شجره احرام ببندند.

مسأله: شخص جنب و حیض نمی تواند وارد مسجد شجره بشود و احرام ببندد مگر در حال عبور، یعنی از دربی داخل و از درب دیگر خارج شود و در حال عبور احرام ببندد و در غیر این صورت باید بیرون از مسجد و در محاذات آن محرم شود، یعنی مسجد را طرف راست یا

چپ خود قرار دهد.

مسأله: وادی عقیق: میقات اهل عراق و نجد است و هرکسی که از آنجا عبور کند هرچند اهل عراق و نجد نباشد، و این میقات دارای سه قسمت است: اول: مسلخ که جزء اول آن است. دوم: غمره نام وسط آن. سوم: ذات عرق آخر آن.

مسأله: احتیاط استحبابی این است که اگر مانعی از قبیل بیماری و تقیه ندارد از غمره احرام بسته شود و تا ذات عرق به تأخیر نیفتد.

مسأله: جحفه: میقات اهل شام و مصر و مغرب است و هرکسی که از آنجا عبور کند هرچند اهل آنجا نباشد، این در صورتی است که از میقات قبل (مسجد شجره) محرم نشده باشد.

مسأله: یلملم: نام کوهی است و میقات اهل یمن می باشد و هرکسی که از آنجا عبور کند.

مسأله: قرن المنازل: میقات اهل طائف است و هرکه از آنجا عبور کند.

مسأله: مکه مکرمه: میقات حج تمتع است - نه عمره آن - و همچنین میقات حج (قران) و (افراد) برای اهل مکه می باشد.

مسأله: منزل خود شخص: میقات کسی است که منزلش به مکه معظمه از میقات نزدیکتر باشد، و چنین شخصی می تواند از منزل خود احرام ببندد و لازم نیست برای احرام به یکی از میقاتهای دیگر برود گرچه مستحب است احتیاطاً از منزل خود احرام ببندد و در میقات تجدید نماید، و چنانچه دو منزل دارد یکی قبل از میقات و دیگری بعد از میقات، احوط احرام از میقات است.

مسأله: جعرانه: میقات برای مجاورین بیش از دو سال در مکه مکرمه می باشد.

مسأله: محاذات یکی از مواقیت پنج گانه اولیه، برای کسی است که عبورش از هیچ یک از مواقیت نباشد.

رساله مناسک حج (طبع)

مسأله: ادنی الحَلّ: یعنی نزدیکترین مکان به حرم، میقات عمره مفرده است که بعد از حج (قران) یا (افراد) انجام می شود، بلکه میقات است از برای هر عمره مفرده برای کسی که در مکه باشد و بخواهد عمره مفرده بجا آورد، و بهتر آن است که از (حدیبیه) یا (تنعیم) و یا (جعرانه) احرام ببندد.

مسأله: فحّ: میقات بچه هائی است که از مدینه منوره بیایند و در مسجد شجره محرم نشده باشند، و اگر از راههای دیگر بیایند باید از میقاتهای مربوطه احرام ببندند.

مسأله: احرام بستن پیش از میقات جایز نیست، همچنانکه عبور از میقات در حال احرام کفایت نمی کند، بلکه بایستی از خود میقات احرام بسته شود، و از این حکم دو مورد استثنا شده است:

۱- آنکه نذر نماید که پیش از رسیدن به میقات از محلّ معینی محرم شود، در این صورت قبل از میقات احرام صحیح است، و احتیاج به تجدید آن در میقات یا عبور از میقات ندارد، و در این حکم بین احرام حج واجب یا مستحب و یا عمره مفرده فرقی نیست.

۲- کسی که قصد دارد عمره مفرده را در ماه رجب انجام دهد و بیم داشته باشد که اگر احرام را از میقات ببندد موقّف به درك عمره نشود برای چنین شخصی جایز است قبل از میقات محرم شود.

مسأله: کسی که نذر کرده پیش از میقات احرام ببندد و برخلاف نذر خود از میقات احرام بست احرام وی باطل نیست، ولی کفاره مخالفت نذر بر او واجب می شود اگر عمداً برخلاف نذر رفتار کرده باشد.

مسأله: همانطوری که تقدیم احرام بر میقات جایز نیست تأخیر آن از میقات

نیز جایز نمی باشد، پس کسی که قصد حج یا عمره یا دخول مکه مکرمه را دارد نمی تواند در حال اختیار بدون احرام از میقات عبور نماید، هر چند میقات دیگری در پیش داشته باشد، و هرگاه بدون احرام از میقات عبور کرد واجب است به میقات برگردد و محرم شود مگر اینکه میقاتی در جلو داشته باشد مثل اینکه بدون احرام از مسجد شجره گذشته ولی جحفه در پیش است که احرام در آن کافی است.

مسأله: هرگاه مکلف از روی علم و عمد بدون احرام از میقات گذشت چنانچه امکان دارد واجب است به میقات برگردد، و چنانچه امکان برگشت نیست و در مسیرش میقات دیگری هست از آن محرم شود، و اگر میقات دیگری نباشد احرام و حجّش باطل است و قضایش واجب می باشد.

مسأله: هرگاه انسان به جهت فراموشی یا ندانستن مسأله از میقات محرم نشد و از میقات گذشت هر وقت عذرش برطرف شد واجب است به میقات برگردد و محرم شود و چنانچه برگشتن به میقات ممکن نبود از

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۳۱

هرجا که به میقات نزدیکتر است محرم شود مثلاً اگر داخل در حرم شده باید تا هرجا که می تواند از حرم دور شده و محرم شود، و اگر امکان خروج از حرم را نداشت از هرجا که هست باید محرم شود چه داخل مکه مکرمه شده باشد یا نه.

مسأله: اگر زن حیض از روی ندانستن مسأله از میقات بدون احرام گذشت باید طبق مسأله قبلی رفتار نماید.

مسأله: اگر به کلی احرام را فراموش کرد تا این که کلیه اعمال عمره را به پایان رساند عمره او صحیح است، و

همچنین اگر جاهل به مسأله بود یا اینکه احرام را در غیر میقات به تصوّر اینکه میقات است انجام داد.

مسأله: کسی که وطنش بیش از شانزده فرسخ از مکه معظمه دور باشد وقتی می خواهد حج یا عمره انجام دهد باید از یکی از میقاتها محرم شود، و اگر راهش به هیچکدام از مواقیت برخورد نداشت باید از محاذات یکی از آنها محرم شود.

مسأله: کسی که مقیم مکه معظمه است اگر بخواهد حجّ تمتّع انجام دهد واجب است به میقات برود و برای عمره تمتّع احرام ببندد، و اگر رفتن به میقات برایش ممکن نباشد در حکم کسی است که احرام را فراموش کرده و در مسأله های قبل بیانش گذشت.

احرام حجّ تمتّع

مسأله: کسی که قصد حجّ تمتّع دارد و عمره تمتّع را انجام داده است باید از مکه معظمه محرم شود و به عرفات برود، و اگر عالمّاً و عامداً از جای دیگری غیر از مکه محرم شد احرامش صحیح نخواهد بود، هرچند با احرام وارد مکه شود، بلکه در صورت امکان واجب است احرام را در مکه تجدید نماید، و در غیر این صورت حجّش باطل است.

مسأله: کسی که احرام حج را بکلی فراموش نموده و تا پایان اعمال حج یادش نیاید، حجّش صحیح است و همچنین است حکم جاهل به مسأله.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۳۲

مسأله: کسی که می خواهد حجّ تمتّع انجام دهد اگر فراموش کرد محرم شود و بدون احرام به عرفات رفت باید در صورت امکان به مکه برگردد و محرم شود و اگر امکان برگشت نبود در هر جا که هست حتی در عرفات از همانجا محرم شود، و جاهل به حکم

نیز همین حکم را دارد.

واجبات احرام

مسأله: واجبات احرام سه چیز است:

اول: پوشیدن لباس احرام.

دوم: تیت.

سوم: تلبیه.

لباس احرام

مسأله: اول از واجبات احرام: پوشیدن دو جامه احرام (آزار و رداء) است پس از کندن لباسهائی که پوشیدنش بر محرم حرام می باشد.

مسأله: پوشیدن این دو لباس این طور است: یکی را مانند لنگ به دور کمر خود بسته که از ناف تا زانو بیاید (و به آن آزار گویند) و دیگری را مانند حوله حمام بردوش بگیرد (و آن را رداء گویند) که هردو شانه را بپوشاند.

مسأله: احوط این است که پوشیدن این دو جامه پیش از تیت احرام و تلبیه باشد، و اگر تیت و تلبیه قبلاً انجام شده باید اعاده شوند.

مسأله: پوشیدن دو جامه احرام واجب تعبدی است، و شرط تحقق احرام نیست و کیفیت مخصوصی برای آن نمیشود، اما پوشیدن آنها به نحو متعارف احوط می باشد.

مسأله: هرگاه از روی فراموشی یا ندانستن مسأله بدون اینکه لباسهای قبلی را بیرون بیاورد لباس احرام را پوشید، پس از توجه باید لباسهای قبلی را بیرون بیاورد و احرامش صحیح است، و اگر پس از پوشیدن لباس احرام لباسهای قبلی خودش را از روی فراموشی یا ندانستن پوشید، پس از توجه باید لباس عادی را بیرون بیاورد، و احرامش صحیح خواهد بود.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۳۳

مسأله: پوشیدن بیش از دو لباس احرام، در اول احرام یا بعد از آن، برای جلوگیری از سرما یا گرما و غیر آن اشکالی ندارد.

مسأله: آنچه در لباس نمازگزار شرط است در دو جامه احرام نیز شرط می باشد، پس لازم است لباس احرام مباح و پاک باشد، و نجس بودن آن به نجاستی که در نماز بخشوده

است اشکالی ندارد و چنانچه نجس شد لازم است فوراً تطهیر یا تعویض نمایند، و چنانچه تطهیر یا تعویض نکرد معصیت کرده ولی احرام صحیح است.

مسأله: لباس احرام باید از حریر خالص نباشد حتی برای زنان، و از اجزاء حیوان حرام گوشت نباشد، و برای مردان زربافت نباشد، و همچنین ازار و رداء بدن نما نباشد.

مسأله: واجب نیست جامه های احرام را بطور دائم بپوشد، و برداشتن آنها برای ضرورت یا غیر آن مثل عوض کردن یا شستن و امثالش اشکالی ندارد.

نیت

مسأله: دوم از واجبات احرام: نیت می باشد، و در آن چند چیز معتبر است که بدون آنها احرام صحیح نخواهد بود.

۱- قصد قربت، یعنی به جهت اینکه خدا فرموده است محرم می شود.

۲- نیت همزمان با شروع در احرام باشد.

۳- تعیین نوع احرام که برای کدام عمره، یا کدام حج و از طرف چه کسی است.

مسأله: در صحّت نیت داعی بر آن کافی است و گفتن به زبان و گذراندن از قلب لازم نیست، گرچه مستحب است در اعمال حج نیت را بر زبان بیاورد و بگوید: احرام می بندم برای عمره تمتّع از (حجّها لاسلام) قربه الی الله تعالی.

مسأله: در صحّت احرام، مجرّد عزم بر ترک محرّمات از اوّل تا آخر احرام کافی است، یعنی اگر اوّل احرام قصدش ترک محرّمات باشد گرچه تا آخر استمرار پیدا نکند، احرامش باطل نخواهد شد.

تلبیه

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۳۴

مسأله: سوّم از واجبات احرام: تلبیه می باشد، یعنی گفتن این جمله: (لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ) و احوط اضافه نمودن این جمله است: (إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَمَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ) و سزاوار است کلمه (لَبَّيْكَ) را در آخر آن اضافه کند، پس تلبیه کامل چنین است: (لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ). یعنی: پروردگارا مکرراً فرمان تو را اطاعت میکنم، برای تو شریکی نیست، بدرستی که ستایش، تو را سزا است، و نعمت و ملک و پادشاهی از آن تو است، شریکی برای تو در آنها نیست.

مسأله: قرائت تلبیه فقط یک بار واجب می باشد، و به وسیله آن احرام منعقد می شود، ولی مستحب است

تلبیه را تکرار کند هنگامی که از خواب بر می خیزد، و بعد از هر نماز واجب، و به هنگام سوار شدن و در هر پستی و بلندی، و مستحب است هنگام سحر بسیار تلبیه بگوید، حتی اگر جنب یا حیض باشد.

مسأله: مستحب است در عمره تمتع تلبیه را قطع نکند تا اینکه خانه های مکه مکرمه را مشاهده نماید، و در حج تمتع تا زوال روز عرفه (روز نهم) مستحب است تلبیه را قطع نکند و بعد از آن تلبیه نگوید.

مسأله: اگر فراموش کند در مکان احرام (میقات) تلبیه بگوید و بعد از گذشتن از میقات به یاد آورد در صورت امکان باید به میقات برگردد، و اگر نمی تواند از همانجا تلبیه بگوید و احرامش صحیح خواهد بود، و چنانچه داخل محدوده حرم شده است باید در صورت امکان خارج شود و تلبیه را بگوید.

مسأله: بر مکلف لازم است الفاظ تلبیه را یاد گرفته و با قرائت عربی صحیح ادا نماید (مانند قرائت نماز) هر چند با تلقین دیگری باشد، یعنی کسی با قرائت صحیح ادا نموده و این شخص از زبان او گرفته و صحیح ادا نماید. پس اگر این الفاظ را با قرائت صحیح یاد نگرفت و تلقین نیز برایش ممکن نبود واجب است آنچه را که می تواند بگوید و بنا بر احتیاط مستحب در این صورت جمع کند بین گفتن به میسور و گفتن ترجمه آن و نایب گرفتن دیگری که به جای او بگوید.

مسأله: شخص گنگ و لال باید با انگشت خود به تلبیه اشاره نموده و زبان خود را حرکت دهد، و بهتر است که علاوه بر آنچه اشاره نموده نایب نیز بگیرد

تا این کلمات را به نیابت او صحیحاً ادا نماید.

مسأله: برای شخص بیهوش و بچه غیر ممیز دیگری نیابۀ تلبیه بگوید کرچه بیهوش اگر قبل از اعمال به هوش آمد احتیاط واجب این است که خودش برگردد به میقات و از آنجا محرم شود.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۳۵

مسأله: احرام حج تمتع و احرام عمره تمتع و احرام حج (افراد) و احرام عمره مفرده بدون تلبیه محقق نمی شود، و اما احرام حج (قران) همانطوری که با تلبیه منعقد و محقق می شود با (اشعار) و (تلقید) نیز محقق می گردد اما اشعار مختص به شتر قربانی است و تلقید مشترک است بین شتر و گاو و گوسفند قربانی، واولی در شتر جمع بین اشعار و تلقید است، بنا بر این در حج قران مخیر است بین سه چیز: تلبیه یا اشعار یا تلقید.

مسأله: اشعار عبارت است از: پاره کردن کوهان شتر، و احوط و افضل پاره کردن طرف راست کوهان است، و اولی این است که محرم در حال قیام اشعار کند، و بدن شتر را خون آلود کند.

مسأله: تلقید قربانی - علی الأحوط - عبارت از این است که نعلین کهنه ای که با آن نماز خوانده به گردن قربانی آویزان نماید.

مسأله: لازم نیست تلبیه همزمان با نیت احرام و پوشیدن لباس احرام باشد بلکه احوط می باشد، و تأخیر تلبیه از نیت احرام و پوشیدن لباس احرام جایز است.

مسأله: در صحت احرام طهارت از حدث اصغر و اکبر شرط نیست، بنا بر این احرام شخص بی وضو و جنب یا زن حیض و نفساء اشکالی ندارد.

مسأله: تلبیه (یا اشعار و تلقید در حج قران) برای تحقق احرام به منزله تکبیرها للاحرام است

برای نماز، و احرام بدون آنها محقق نمی شود، پس هرگاه نیت احرام نموده و لباس احرام پوشیده اما هنوز تلبیه نگفته (یا در حج (قران) اشعار یا تقلید ننموده) احرام محقق نشده و انجام محرمات احرام کفاره نخواهد داشت.

مسأله: کسی که می خواهد از مدینه منوره به مکه معظمه برود مستحب است تلبیه را تا (بیداء) (زمینی است که تقریباً ۲ کیلومتر بعد از مسجد شجره است) آهسته بگوید و از آن به بعد مستحب است جهراً (بلند) بگوید، و کسی که از راههای دیگر به مکه معظمه می رود مستحب است مقداری از راه، آهسته تلبیه گفته و سپس جهراً بگوید، و نیز مستحب است تلبیه را در موقع احرام و پوشیدن لباس احرام آهسته بگوید، و کسی که می خواهد از مکه به عرفات برود مستحب است تلبیه را تا رقطاع (نام محله ای است در مکه) آهسته، و از آن به بعد جهراً بگوید.

مسأله: در عمره تمتع هنگامی که چشمش به خانه های مکه معظمه بیفتد لازم است تلبیه را قطع کند، و در عمره مفرد چنانچه خارج از حرم احرام بسته وقت ورود در حرم تلبیه را قطع کند، و اگر داخل مکه بوده

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۳۶

و خارج شده برای احرام وقتی چشمش به کعبه معظمه افتاد تلبیه را قطع کند، و عموم حجاج از ظهر روز عرفه تلبیه نگویند.

مسأله: اگر بعد از پوشیدن لباس احرام و پیش از گذشتن از میقات شک کند که تلبیه گفته یا نه، بنا بر نگفتن بگذارد و تلبیه را بگوید، و اگر بعد از گفتن تلبیه شک کند صحیح گفته یا نه، بنا بر صحت

بگذارد و احرام و عملش صحیح است.

تروک احرام

اشاره

مسأله: هرگاه مکلف محرم شد بیست و پنج چیز بر او حرام می شود: ۱- شکار حیوان صحرائی. ۲- نزدیکی با زنان. ۳- بوسیدن زن. ۴- لمس نمودن زن از روی شهوت. ۵- نگاه کردن به زن از روی شهوت. ۶- عقد نکاح. ۷- استمناء. ۸- استعمال بوی خوش. ۹- پوشیدن لباس دوخته برای مردان. ۱۰- پوشیدن جوراب و چکمه برای مردان. ۱۱- سرمه کشیدن. ۱۲- نگاه کردن در آینه برای زینت. ۱۳- دورغ گفتن و دشنام دادن. ۱۴- جدال نمودن. ۱۵- کشتن جانوارن بدن. ۱۶- زینت نمودن. ۱۷- مالیدن روغن به بدن. ۱۸- جدا نمودن مو از بدن. ۱۹- پوشیدن سر برای مردان. ۲۰- پوشانیدن صورت برای زنان. ۲۱- زیر سایه رفتن مردان هنگام حرکت. ۲۲- بیرون آوردن خون از بدن. ۲۳- ناخن گرفتن. ۲۴- با کافور تحنيط نمودن میت محرم. ۲۵- برداشتن سلاح. و تفصیل این امور ذیلًا بیان خواهد شد.

۱- شکار حیوان صحرائی

اشاره

مسأله: بر محرم شکار حیوان صحرائی حرام است، داخل حرم یا در خارج حرم باشد، البته شکار در حرم مطلقاً حرام است، چه برای محرم و چه برای غیر محرم و نیز حرام است کمک به شکارچی هرچند با اشاره باشد، و فرقی ندارد که شکارچی محرم باشد یا غیر محرم.

مسأله: خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است، چه خودش او را شکار کرده و ذبح نموده یا کسی که محلّ بوده شکار کرده و ذبح نموده باشد، چه این ذبح در حرم واقع شده باشد یا در غیر حرم.

مسأله: ملخ در حکم حیوان صحرائی است، و برای محرم گرفتن و شکار و خوردنش حرام است.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۳۷

مسأله: جوجه

و تخم حیوانات صحرائی حکم خود حیوانات را دارد، پس شکار جوجه یا کمک به شکارش و دلالت و راهنمایی دیگری برای شکارش و خوردنش، بر محرم حرام است، و نیز برداشتن تخم آن و خوردن و کمک و اشاره به برداشتن آن حرام می باشد.

مسأله: احکام شکار مختص به حیوان صحرائی است، و این احکام در شکار حیوانات دریائی (مانند ماهی و غیره) و حیوانات اهلی (مانند گوسفند و شتر و غیره) جریان ندارد.

مسأله: کشتن درندگان برای محرم جایز نیست، مگر در وقتی که به انسان حمله نمایند، و یا اینکه از آنها بترسد، و همچنین جایز است کشتن افعی، مارهای گزنده، عقرب، زنبور، موش، کلاغ، کرکس و باز شکاری، و کشتن این قسم حیوانات کفاره ندارد.

کفاره شکار

مسأله: در کشتن شتر مرغ یک شتر، و در کشتن گاو وحشی یک گاو اهلی، و در کشتن الاغ وحشی یک شتر یا یک گاو اهلی، و در کشتن آهو و خرگوش و روباه یک گوسفند، باید کفاره بدهد.

مسأله: اگر شکاری کرده که کفاره اش یک شتر است چنانچه عاجز شد از تهیه شتر باید قیمت آن را گندم خریده بین فقرا تقسیم نماید، و کفایت می کند اگر شصت فقیر را اطعام نماید و به هریک (۷۵۰ گرم) گندم بدهد گرچه هزینه اطعام از قیمت شتر کمتر باشد، و چنانچه از این نیز عاجز شد هیجده روز روزه بگیرد، و لازم نیست این هیجده روز پی در پی باشد.

مسأله: اگر کفاره، گاو باشد و از آن عاجز شود قیمت آن را گندم خریده بین فقرا تقسیم کند و یا سی فقیر را اطعام نماید، و در صورت عجز نه

روز روزه بگیرد.

مسأله: اگر کفّاره گوسفند باشد و عاجز شود ده فقیر را اطعام نماید، و اگر عاجز شد سه روز روزه بگیرد.

مسأله: هرگاه محرم در خارج حرم کبوتر یا مانند آن- از پرندگان- را شکار نموده و بکشد کفّاره اش یک گوسفند است، و اگر جوجه کبوتر و مانندش را بکشد یک بره یا بزغاله یا نصف درهم صدقه بدهد، و بنا بر احتیاط در این صورت قیمت برّه یا بزغاله را به عنوان صدقه پردازد.

مسأله: هرگاه تخم کبوتر و مانندش را شکست و در آن جوجه متحرک بود کفّاره اش یک گوسفند است و اگر جوجه متحرک نبود کفّاراش قیمت آن است.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۳۸

مسأله: هرگاه محلّ (غیر محرم) کبوتر یا مانندش را در حرم کشت، باید یک درهم یا قیمت آن حیوان را صدقه بدهد، گرچه احوط دوّمی است، و در جوجه آنها کفّاره نصف درهم و در تخم آن ربع درهم است.

مسأله: هرگاه محرم در داخل حرم کبوتر و مانندش را بکشد کفّاره اش یک گوسفند به همراه قیمت آن می باشد، و اگر جوجه آنها را کشت کفّاره یک برّه یا یک بزغاله به همراه قیمت هر یک از آنها بوده، و هرگاه تخم او را شکست اگر در او جوجه متحرک بود کفّاره اش یک گوسفند، و اگر جوجه در او متحرک نبود باید قیمت آن را صدقه بدهد.

مسأله: کفّاره شکار مرغ سنگخوار (قطاه) و کبک و درّاج و مانند آنها یک گوسفند است، و کفّاره شکار گنجشک و قبره (چکاوک) و صعوه (سنگانه) اگر در خارج حرم باشد، صدقه دادن قیمت آن یا صدقه دادن یک مدّ طعام میباشد، و اگر در

حرم باشد دو برابر می شود و در جوجه آنها نیز همین حکم جریان دارد، و اگر تخم هریک از آنها را شکست قیمت تخم را صدقه بدهد.

مسأله: در کفاره کشتن یک ملخ مخیر است بین صدقه دادن یک مشت گندم یا یک دانه خرما و اگر ملخ های زیادی را کشت کفاره یک گوسفند است.

مسأله: در کشتن موش صحرائی و خارپشت و سوسمار یک بزغاله است، و در مار مولک (عظایه) یک مشت طعام کفاره بدهد، و کفاره کشتن عمدی زنبور مقداری طعام بوده مگر برای دفع اذیت باشد که کفاره ندارد.

مسأله: در راهی که ملخ زیاد است باید محرم راه دیگری انتخاب کند تا باعث کشتن آنها نشود، و اگر نتواند این کار را بکند و خواه ناخواه ملخ پایمال می شود اشکالی ندارد.

مسأله: اگر جماعتی در کشتن شکاری شرکت کردند بر هریک کفاره جداگانه ای میباید.

مسأله: کفاره خوردن شکار مانند کفاره خود شکار است، پس اگر محرم شکاری کرد و آن را خورد دو کفاره باید بدهد، یکی برای شکار و دیگری برای خوردن آن.

مسأله: کسی که شکاری همراه دارد و داخل حرم شود باید او را رها کند و چنانچه رهايش نکرد تا مرد باید کفاره بدهد، بلکه نسبت به کسی که قبل از احرام شکاری کرده و سپس محرم شده نیز این حکم جاری است، یعنی باید بعد از احرام شکار را رها کند هرچند داخل حرم نشده باشد علی الأحوط.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۳۹

مسأله: در تعلق کفاره کشتن شکار یا خوردنش فرقی نیست چه از روی عمد باشد یا سهو یا ندانستن مسأله.

مسأله: با تکرار شکار، کفاره نیز مکرر می شود.

۲- جماع

مسأله:

دوم از محرمات احرام: نزدیکی با زنان است، چه در قُبُل باشد و چه در دُبُر، در احرام عمره باشد یا حج.

مسأله: پس از آن که محرم طواف نساء و نماز آن را بجا آورد، زن بر او حلال می شود، و همچنین پس از اتمام اعمال عمره تمتع و قبل از احرام حج.

مسأله: همانطوری که زن بر مرد محرم حرام است، مرد نیز بر زنی که در حال احرام است، حرام می باشد.

مسأله: اگر در عمره تمتع بعد از سعی و پیش از تقصیر از روی علم و عمد با زن نزدیکی نماید کفاره اش بنا بر احتیاط یک شتر و اگر عاجز از شتر است یک گاو و اگر از آن نیز عاجز است یک گوسفند می باشد، ولی عمره اش صحیح است، اما اگر این عمل پیش از سعی بود عمره اش باطل می شود و کفاره دارد، و در صورت امکان باید اعاده نماید.

مسأله: هرگاه به احرام حج محرم شد و پیش از وقوف در مزدلفه (مشعر) از روی علم و عمد با زنی نزدیکی (جماع) کرد چنانچه زن راضی بوده حج هر دو باطل می شود، ولی واجب است حج را تمام نمایند و در سال بعد نیز اعاده کنند، خواه حج واجب باشد یا مستحب، و چنانچه زن راضی نبوده حجش باطل نیست و بر مرد دو کفاره واجب می شود و بر زن کفاره ای واجب نخواهد شد، و واجب است بین این زن و مرد از جای وقوع این عمل در این حج و حجی که بعداً اعاده خواهند کرد جدائی باشد تا آنکه دوباره به آن محل برسند پس از وقوفین.

مسأله: هرگاه محرم بعد از وقوف در

مزدلفه از روی عمد و علم با زن نزدیکی نماید چنانچه پیش از طواف نساء باشد کفاره بر او واجب می شود، ولی حجش فاسد نیست، و چنانچه این عمل بعد از سه شوط و نیم از طواف نساء باشد حج صحیح بوده، و احتیاط استجابی در دادن کفاره است، و چنانچه بعد از طواف نساء باشد و قبل از نماز آن، کفاره ندارد و حج نیز صحیح است.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۴۰

مسأله: هرگاه در عمره مفرده از روی عمد پیش از سعی با زن نزدیکی نماید عمره اش باطل و کفاره اش یک شتر است، و واجب است این عمره را تمام نموده و مجدداً برای انجام عمره مفرده محرم شود و دوباره تمام اعمال را بجا آورد. و چنانچه این عمل بعد از طواف نساء و قبل از نماز طواف بوده عمره صحیح است و کفاره ای ندارد، و چنانچه در اثناء طواف نساء باشد مانند مسأله سابق است، و اما اگر بعد از سعی و قبل از تقصیر باشد عمره باطل نیست ولی کفاره اش یک شتر است و همین احکام در عمره تمتع نیز جریان دارد.

مسأله: هرگاه با زن محرمه با رضایت خودش نزدیکی شود همان احکام مرد بر زن جاری است.

مسأله: هرگاه محرم (از روی ندانستن مسأله و یا فراموشی و یا سهو، چه سهو و نسیان در حکم یا در احرام باشد) با زن خود جماع نماید عمره و حجش صحیح است و کفاره ندارد.

۳- بوسیدن

مسأله: سوّم از محرّمات احرام: بوسیدن زن است.

مسأله: جایز نیست محرم از روی عمد و علم زن خود را ببوسد، و چنانچه او را با

شهوة بوسید و از او منی خارج شد لازم است یک شتر کفّاره بدهد، و اگر از روی شهوت بوسید و منی خارج نشد بنا بر اقوی کفّاره یک شتر است، و اگر بوسیدن از روی شهوت نبود و منی خارج شد کفّاره اش یک گوسفند است، و همچنین اگر منی خارج نشود بنا بر اقوی کفّاره اش یک گوسفند است.

۴- لمس

مسأله: چهارم از محرمات احرام: لمس زن است.

مسأله: شخص محرم نباید جایی از بدن خود را به بدن زنش از روی شهوت بمالد، و چنانچه این عمل را انجام داد و منی خارج شد باید یک شتر کفّاره بدهد.

۵- نگاه

مسأله: پنجم از محرمات احرام: نگاه کردن به زن و شوخی با او است.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۴۱

مسأله: هرگاه محرم از روی شهوت با زن شوخی نماید یا به او نگاه کند تا منی از او خارج شود کفّاره اش یک شتر است.

مسأله: چنانچه عمداً به زن نامحرم نگاه کند و منی بیرون بیاید چه از روی شهوت باشد و چه نباشد و چه قصد بیرون آمدن منی داشته یا نداشته باشد چنانچه از لحاظ اقتصادی دارا باشد کفّاره اش یک شتر و اگر متوسط الحال باشد یک گاو و اگر فقیر باشد یک گوسفند می باشد، و اگر منی بیرون نیاید گرچه معصیت کرده اما کفّاره ندارد.

مسأله: نگاه به زنی که به انسان محرم است بدون شهوت اشکالی نداشته و کفّاره ندارد.

مسأله: زن در تمامی این احکام مانند مرد است، و نمی تواند به مرد از روی شهوت نگاه کرده یا او را لمس نماید، یا بوسد.

۶- عقد نکاح

مسأله: ششم از محرمات احرام: عقد نکاح است، چه برای خود باشد یا دیگری، عقد دائم یا موقت، طرف مُحَرَّم باشد یا نباشد.

مسأله: اگر محرمی برای محرم دیگری زنی را عقد نماید و زوج محرم دخول به زن نماید چنانچه زن نیز در احرام باشد و هر سه آنها مسأله را بدانند بر هر کدام یک شتر کفّاره است، و عقد باطل بوده و حرمت ابدی دارد.

مسأله: اگر این عمل از روی جهل به مسأله یا فراموشی یا غفلت یا اضطرار انجام شود کفّاره ندارد.

مسأله: اگر محرم برای خودش زنی را در حالی که هر دو محرمند عقد کند همان حکم قبلی را دارد (از نظر علم و جهل و ...)

و

اگر برای غیر محرم عقد را انجام دهد و زن و شوهر محرم نبودند عقد باطل است و محرم باید یک شتر کفاره بدهد.

مسأله: بر محرم حضور در مجلس عقد و همچنین شاهد شدن برای عقد بر محرم حرام است و همچنین بنا بر احتیاط حرام است بر محرم خواستگاری کند، اما اگر به زن مطلقه رجعیه رجوع نماید اشکالی ندارد.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۴۲

۷- استمناء

مسأله: هفتم از محرمات احرام: استمناء است به هر وسیله ای که باشد.

مسأله: اگر محرم با آلت خود بازی نمود و منی از او بیرون آمد حکمش حکم کسی است که با زنش نزدیکی کرده باشد، بنا بر این اگر استمناء در احرام حج پیش از وقوف در (مزدلفه) باشد حجتش فاسد خواهد بود، و لازم است حج را تا آخر بجا آورده و در سال بعد اعاده نماید، همانطوری که اگر در عمره مفرده پیش از فراغت از سعی استمناء بکند عمره اش فاسد بوده و لازم است آن را به پایان رسانده و مجدداً محرم به احرام عمره مفرده شود و عمره را تجدید نماید. مسأله: چنانچه محرم بدون بازی با آلت، استمناء نمود- مثلاً با نگاه کردن به زن اجنبیه یا در نظر آوردن و خیالش- و منی از او بیرون آمد کفاره اش اگر دارا است یک شتر و اگر متوسط الحال است یک گاو و اگر فقیر است یک گوسفند می باشد، ولی حج و عمره اش باطل نخواهد بود.

۸- بوی خوش

مسأله: هشتم از محرمات احرام: استعمال بوی خوش است.

مسأله: هرگونه استعمال بوی خوش از قبیل زعفران و عنبر و ورس و مشک چه خوردن، چه بوئیدن، چه مالیدن بر بدن بر محرم حرام است و همچنین حرام است پوشیدن لباسی که اثری از بوی خوش در او باشد، و احوط اجتناب از هر بوی خوشی است حتی مثل قرنفل و هل و کافور و عود.

مسأله: خوردن گلها و میوه های خوشبو مانند به و سیب و ادویه جات خوشبو و معجونهای خوشبو اشکالی ندارد، و احوط در هنگام خوردن خودداری از بوئیدن آنها است.

مسأله: کفاره استعمال

بوی خوش (از بوئیدن و خوردن و غیره) اگر زعفران یا مشک یا عنبر یا ورس باشد یک گوسفند است، و در بقیه کفاره نیست.

مسأله: بر مُحْرَم حرام است که بینی خود را از بوی بد بگیرد، اما تند عبور کردن از آن اشکالی ندارد.

۹- لباس دوخته برای مردان

مسأله: نهم از محرمات احرام: پوشیدن لباس دوخته است برای مردان.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۴۳

مسأله: پوشیدن پیراهن و عبا و شلوار و زیر شلواری و جامه دکمه دار و درع (زره) و هر جامه ای که آستین دار باشد و لو دوخته نباشد مانند لباسهای نایلون و یا کاموایی که یکسره بافته شده و مانند نمد چوپانها، بر مردان حرام است.

مسأله: پوشیدن سه چیز استثنا شده و اشکالی ندارد حتی اگر دوخته باشد: همیان (که در آن پول می گذارند) و فتق بند و کمر بند.

مسأله: همانطوری که پوشیدن لباس دوخته حرام است گره زدن مثل لنگ و رداء نیز حرام می باشد بنا بر احتیاط، اما سوزن قفلی زدن و امثال آن اشکالی ندارد.

مسأله: پوشیدن لباس دوخته در احرام برای زنان به هر نحوی مانعی ندارد مگر پوشیدن دستکش که جایز نیست، و احوط این است که زنها نیز به هنگام احرام ازار و رداء- که در لباس احرام گذشت- بپوشند، و فرقی ندارد زیر لباسها باشد یا روی لباسها البته میتوانند لباسهای خویش را به عنوان ازار و رداء بپوشند.

مسأله: کفاره پوشیدن لباس دوخته برای مردان اگر از روی علم و عمد باشد یک گوسفند است.

۱۰- چکمه و جوراب

مسأله: دهم از محرمات احرام: پوشیدن چکمه و جوراب است برای مردان، و هر چیزی که روی قدم پا را می پوشاند.

مسأله: پوشیدن چکمه (خف) یا جوراب بر مرد محرم حرام است، و چنانچه برای مرد نعلین و مانند آن فراهم نشد و ضرورت ایجاب کرد چکمه یا جوراب بپوشد احوط این است که روی آن را بشکافد، و پوشیدن نعلی که بدون پوشش است مانعی ندارد.

مسأله: زن می تواند جوراب و مانند

آن را بیوشد گرچه احوط نبوشیدن چیزی است که تمام پشت پارا بیوشاند.

مسأله: کفاره پوشیدن چکمه و جوراب و مانند آن، در صورت اختیار یک گوسفند است.

۱۱- سُرمه کشیدن

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۴۴

مسأله: یازدهم از محرمات احرام: سرمه کشیدن است.

مسأله: سرمه کشیدن چهار صورت دارد: ۱- سرمه سیاه به چشم بکشد به قصد زینت. ۲- سرمه سیاه اما به قصد زینت نباشد بلکه برای تقویت نور چشم و مانند آن باشد. ۳- سرمه غیر سیاه و به قصد زینت، این سه قسم حرام است. ۴- سرمه غیر سیاه و به غیر قصد زینت، حرام نیست، به شرطی که زینت به حساب نیاید.

مسأله: کفاره سرمه کشیدن استغفار بوده و مستحب است یک گوسفند بکشد.

۱۲- نگاه در آینه

مسأله: دوازدهم از محرمات احرام: نگاه کردن در آینه است به قصد زینت.

مسأله: نگاه محرم به قصد زینت در آینه حرام است، ولی اگر به منظور زینت نباشد (مانند راننده که با نگاه در شیشه می خواهد پشت سر یا دو طرف خود را ببیند) اشکالی ندارد.

مسأله: نگاه کردن در آب صاف که صورت را نشان می دهد و هر چیزی که مانند آن است چه از مایعات باشد چه غیر آن، اشکالی ندارد، و همچنین عینک زدن اگر برای زینت نباشد مانعی ندارد.

مسأله: نگاه در آینه برای زینت کفاره ندارد و باید استغفار کند، و مستحب است هنگام نگاه در آینه تلبیه را تجدید کند.

۱۳- دروغ و دشنام

مسأله: سیزدهم از محرمات احرام دروغ و دشنام است.

مسأله: دشنام و دروغ چه در حال احرام و چه در غیرش حرام است، اما در احرام حرمتش شدیدتر است.

مسأله: بر شخص محرم مفاخرت نمودن حرام است، یعنی فضائل خویش را اظهار نموده از دیگری سلب کند، یا رذائل را برای

دیگری اثبات نموده از خود سلب نماید، اما مفاخرت اگر به حق باشد و توهین دیگری را دربر نداشته باشد حرام نیست.

مسئله: اگر محرم مرتکب دروغ یا دشنام یا مفاخرت شد احرامش صحیح بوده و کفاره ای جز استغفار بر او لازم نیست.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۴۵

۱۴- جدال

مسئله: چهاردهم از محرمات احرام: جدال نمودن است.

مسئله: قسم خوردن به کلمه (لا- و الله) و (بلی و الله) در مقام مخاصمه به هر لغتی بر محرم حرام است، البته در مقام ضرورت مانند اثبات حق یا از بین بردن باطل قسم به این دو کلمه مانعی ندارد، و همچنین اگر قصدش تعظیم یا اظهار محبت باشد اشکال ندارد، مثل اینکه بگوید تو را به خدا این کار را نکن.

مسئله: در صورتی که جدال کننده در مقام قسم راستگو باشد چنانچه دو مرتبه قسم بخورد معصیت کرده اما کفاره ندارد بلکه به استغفار اکتفا می شود، و چنانچه بار سوم یا بیشتر قسم خورد باید یک گوسفند کفاره بدهد. و اگر به دروغ قسم خورد، بار اول کفاره اش یک گوسفند، و بار دوم یک گاو و بار سوم یک شتر می باشد.

۱۵- کشتن جانوران بدن

مسئله: پانزدهم از محرمات احرام: کشتن جانوران بدن است.

مسئله: کشتن جانوران بدن مانند شپش انداختن آنها از بدن بر محرم حرام است، و چنانچه انجام داد واجب است به فقیری یک مشت طعام کفاره بدهد، ولی جا به جا نمودن آنها مانعی ندارد، اگر در معرض سقوط نباشد.

مسئله: کشتن پشه و کک و دیگر حشرات از برای دفاع اشکالی ندارد، و بنابر احتیاط مستحب داخل حرم از کشتن آنها دوری کند.

۱۶- زینت

مسئله: شانزدهم از محرمات احرام: زینت نمودن است.

مسئله: پوشیدن زیور برای زنان به قصد زینت حرام است، البته آنچه که پیش از احرام به پوشیدنش عادت داشته مانعی ندارد، ولی نباید آن را نشان دهد.

مسأله: بستن ساعت در حال احرام اگر برای زینت نباشد اشکالی ندارد.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۴۶

مسأله: پوشیدن انگشتر به قصد زینت بر محرم، چه زن و چه مرد حرام است، اما به قصد استحباب اشکالی ندارد.

مسأله: کفاره زینت نمودن یک گوسفند است، و در پوشیدن انگشتر کفاره نیست.

۱۷- مالیدن روغن

مسأله: هفدهم از محرمات احرام: مالیدن روغن به بدن است.

مسأله: محرم نبایستی تن خود را روغن مالی نماید هرچند خوشبو هم نباشد، مگر در حال اضطرار که حتی المقدور از روغن بدون بو باید استفاده شود.

مسأله: اگر از روی علم و عمد و بدون اضطرار روغن مالی نمود بنا بر احتیاط مستحب کفاره اش یک گوسفند است.

۱۸- جدا نمودن مو

مسأله: هیجدهم از محرمات احرام: جدا نمودن مو از بدن است.

مسأله: بر شخص محرم حرام است از بدن خود یا غیر از روی علم و عمد مو جدا نماید به هر نحوی که باشد، مگر در چهار صورت: ۱- شپش بدن زیاد شود. ۲- ضرورت ایجاب کند که مو جدا شود مانند آنکه بلندی مو و زیادیش موجب سردرد یا ناراحتی او شود. ۳- مو در پلک چشم روئیده باشد که محرم را ناراحت نماید. ۴- مو هنگام وضو یا غسل خود به خود جدا شود.

مسأله: اگر محرم از روی ضرورت سر خود را بتراشد کفاره اش یک گوسفند می باشد، یا اینکه سه روز روزه بگیرد یا اطعام شش مسکین کند و به هریک دو مدّ طعام (۱.۵ کیلو) بدهد و چنانچه ضرورت نباشد بنا بر اقوی یکی از این سه را پردازد گرچه احوط گوسفند است، و اگر از روی علم و عمد موی غیر سر را بتراشد چه تراشیدن آن در غیر وقت احرام جایز باشد (مثل موی زیر بغل) یا حرام باشد (مثل موی صورت) بنا بر احوط کفاره اش یک گوسفند است.

۱۹- پوشانیدن سر برای مردان

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۴۷

مسأله: نوزدهم از محرمات احرام: پوشانیدن سر است بر مردان.

مسأله: بر مرد محرم حرام است سرش را بپوشاند به هر چیزی که باشد حتی اگر روی سرش چیزی را حمل کند که سر پوشیده شود، و همچنین پوشاندن گوشها جایز نیست، و جایز نیست محرم سرش را زیر آب فرو برد.

مسأله: شخص محرم می تواند با دست سر خود را بپوشاند گرچه احوط استحبابی ترک است، و مسح سر هنگام وضو پوشانیدن نیست، و همچنین

هنگام خواب قسمتی از سر، که بر زمین می چسبد اشکالی ندارد، و زیر دوش رفتن و آب بر سر ریختن جایز است.

مسئله: اگر از روی فراموشی سر خود را پوشانید باید فوراً آن را برطرف کند و کفاره بر او نیست.

مسئله: هرگاه مرد محرم سر خود را بپوشاند چه عمداً و چه از روی اضطرار کفاره اش یک گوسفند است.

۲۰- پوشانیدن صورت برای زنان

مسئله: بیستم از محرمات احرام: پوشانیدن صورت است بر زنان.

مسئله: بر زن محرمه حرام است تمام صورت خویش را بپوشاند با نقاب یا غیرش، اما پوشاندن مقداری از صورت در خواب و پوشاندن قسمتی از صورت که از باب مقدمه به جهت پوشاندن سر برای نماز از اطراف پوشیده می شود اشکالی ندارد.

مسئله: اگر زن برای رو گرفتن از نامحرم روسری را بر روی صورت رها کرد تا بینی یا چانه که تماس با صورت نداشت بلکه جدا از صورت بود اشکالی ندارد.

مسئله: کفاره پوشانیدن صورت برای زنان یک گوسفند می باشد.

۲۱- زیر سایه رفتن برای مردان

مسئله: بیست و یکم از محرمات احرام: زیر سایه رفتن مردان است.

مسئله: برای مرد محرم حرام است هنگام سیر و حرکت در زیر سایه برود، یا سایه بانی بر سر بگیرد، هرچند سایه سقف ماشین یا هواپیما و مانند اینها باشد، پیاده باشد یا سواره، شب باشد یا روز.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۴۸

مسئله: رفتن زیر سایه چیزی که روی سر نباشد اشکالی ندارد، مثل اینکه بغل ماشین و مانندش حرکت کند که از طرف چپ یا راست سایه بر او بیفتد.

مسئله: شخص محرم می تواند با دست خود جلو آفتاب را بگیرد، و همچنین احرام در زیر سقف مسجد شجره اشکالی ندارد.

مسئله: در جایی که محرم منزل می نماید مثل قهوه خانه های بین راه، یا در عرفات و منی و همچنین وقتی به مکه معظمه می رسد حتی اگر منزلی تهیه نکرده می تواند زیر سایه برود.

مسئله: وقتی محرم وارد مکه معظمه شد می تواند زیر سایه برود و ماشین سقف دار سوار شود و از چتر و مانند آن استفاده

کند، و همچنین اگر از مسجد تنعیم برای عمره

مفرد محرم شود، زیرا جزو شهر مکه می باشد.

مسئله: جایز نیست مرد محرم کاری کند که فقط روی سرش سایبان نباشد و بقیه بدن سایه بان داشته باشد مثل اینکه به ماشین سقف دار سوار شود و سر خود را از شیشه بیرون بیاورد.

مسئله: در حال احرام جایز است از زیر پلها و تونلها عبور کند، و هنگامی که محرم در عرفات یا منی منزل می کند جایز است در حال حرکت زیر سایه برود، مثلاً وقتی می خواهد از خیمه ها برای رمی جمرات برود می تواند از چتر و مانند آن استفاده کند یا ماشین سقف دار سوار شود.

مسئله: زیر سایه رفتن زنان و کودکان، و همچنین مردان در حال ضرورت یا ترس از سرما و گرما اشکالی ندارد.

مسئله: کفاره زیر سایه رفتن چه اختیاریاً و چه اضطراراً یک گوسفند است، و می تواند آن را در وطن خویش ذبح نماید.

۲۲- خون

مسئله: بیست و دوّم از محرّمات احرام: بیرون آوردن خون از بدن است.

مسئله: شخص محرم بر احوط جایز نیست از بدن خود خون بیرون بیاورد، با خاراندن باشد یا مسواک یا غیره.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۴۹

مسئله: کشیدن دندان چنانچه باعث جاری شدن خون شود جایز نیست و باید کفاره بدهد، مگر در حال اضطرار که اشکالی نداشته و کفاره ندارد.

مسئله: چنانچه عمداً از بدن خود، خون بیرون آورد احتیاطاً باید یک گوسفند کفاره بدهد، و در حال ضرورت یا رفع ناراحتی اشکالی نداشته و کفاره ندارد.

۲۳- ناخن گرفتن

مسئله: بیست و سوّم از محرّمات احرام: ناخن گرفتن.

مسئله: بر محرم حرام است تمام یا قسمتی از ناخن خود را بگیرد مگر در صورتی که بقاء ناخن ضرر داشته باشد (مانند اینکه ناخن کنده شده و ماندنش سبب ناراحتی می شود که در این صورت بریدنش جایز است و کفاره ندارد).

مسئله: کفاره گرفتن هر ناخن یک مدّ طعام است (یعنی ۷۵۰ گرم) و تا نه ناخن حکم همین است، و اگر به ده رسید یعنی تمام ناخنهای دو دستش را در یک مجلس گرفت یک گوسفند باید کفاره بدهد، و چنانچه در یک مجلس تمام ناخنهای دست و

پا را گرفت که مجموعاً بیست ناخن می شود باز کفاره یک گوسفند است، و چنانچه در دو مجلس باشد یعنی در یک مجلس تمام ناخنهای دست را گرفت و در مجلس دوم تمام ناخنهای پا را، کفاره دو گوسفند است، البته تمام اینها در صورت عمد و علم است.

۲۴- کافور

مسأله: بیست و چهارم از محرّمات احرام: غسل دادن محرم میّت است به کافور.

مسأله: جایز نیست کسی که در حال احرام مرده است با کافور حنوط نمایند، و به جای آن با آب قراح (آب مطلق) غسل می دهند و در نتیجه دو غسل با آب قراح و یک غسل با آب سدر می شود، و چنانچه انجام شود کفاره اش استجباً یک گوسفند است.

۲۵- سلاح

مسأله: بیست و پنجم از محرّمات احرام: برداشتن سلاح است.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۵۰

مسأله: بر محرم پوشیدن اسلحه جنگی در حال اختیار حرام است، و همچنین جایز نیست خود را مسلّح نماید، حتّی اگر با نشستن در داخل تانک و امثال آن باشد، و چنانچه ضرورت ایجاب نماید حتّی المقدور باید سلاح ظاهر نباشد مگر اینکه ضرورت در اظهارش باشد.

مسأله: در حال اختیار کفاره برداشتن سلاح بنا بر احوط استجبایی یک گوسفند است.

درخت و گیاه حرم

مسأله: کندن و بریدن هرچیزی که در محدوده حرم روئیده باشد بر محرم و غیر محرم حرام است، مانند درخت و گیاه حرم.

مسأله: از این حکم چند مورد استثنا شده است: ۱- اذخر که گیاه معروفی است. ۲- نخل خرما و درخت میوه دار. ۳- علفهائی که خوراک شتر است. ۴- علف و درختی که در ملک یا خانه شخص می روید یا خود شخص آن را می کارد و می نشاند.

مسأله: همانطوری که کندن درخت و گیاه حرم بر محرم حرام است، کندن درخت و گیاه غیر حرم نیز بر او تا زمانی که در احرام است حرام می باشد.

مسأله: راه رفتن به نحو متعارف اگرچه موجب قطع بعض گیاهان حرم شود اشکال ندارد، و همچنین رها کردن حیوانات

چرنده برای چریدن اشکالی ندارد.

مسأله: کفّاره کندن و بریدن درخت و گیاه از روی علم و عمد در درخت بزرگ یک گاو، و در درخت کوچک یک گوسفند است، و در شاخه ها و برگها قیمت آن را صدقه بدهد، و در علفها استغفار نماید. و اگر از روی جهل به مسأله یا فراموشی و امثال آن باشد کفّاره ندارد.

چند مسأله

مسأله: حدود حرم اطراف شهر مکه می باشد و یک برید در یک برید است، و هر برید چهار فرسخ، و هر فرسخ تقریباً شش کیلومتر می باشد، البته از طرف شمال، مسجد تنعیم خارج از محدوده حرم است.

مسأله: آنچه را که باید محرم به جهت کفاره ذبح کند اگر در احرام عمره بود در مکه مکرمه ذبح نماید و اگر در احرام حج بود در منی ذبح کند و آن را به فقراى مؤمنین یا وکیل آنها بدهد.

رساله مناسک حج (طبع جدید)،

مسأله: چنانچه در مکه مکرمه یا منی کفاره را ذبح نکرد یا در آنجا فقرای مؤمنین نبودند باید در شهر خود کفاره را ذبح کند و به فقرای مؤمنین بدهد.

مسأله: در هر موردی که کفاره گوسفند است می تواند بجای آن بز بکشد.

۲- طواف

اشاره

مسأله: دوّم از اعمال عمره تمتّع: طواف خانه خداست، یعنی هفت مرتبه کعبه معظمه را دور بزند.

مسأله: همان طوری که طواف در عمره تمتّع واجب است، در حج تمتّع، عمره و حج قران، عمره و حج افراد، و در عمره مفرده تنها نیز واجب می باشد.

مسأله: این طواف (چه در عمره و چه در حج) از ارکان است و با ترک عمدی آن عمره و حج باطل می شود، بر خلاف طواف نساء.

شرایط طواف

مسأله: در طواف چند چیز شرط می باشد: ۱- نیت. ۲- طهارت از حدث. ۳- پاک بودن بدن و لباس. ۴- ختنه کردن. ۵- ستر عورت. ۶- مباح بودن لباس و مرکب.

مسأله: شرط اوّل: نیت است، و باید طواف قربةً الی الله تعالی انجام شود، و بدون قصد قربت باطل است، البته به زبان آوردن آن لازم نیست گرچه مستحب است، پس می گوید: طواف می کنم دور خانه کعبه هفت شوط برای عمره تمتّع قربةً الی الله تعالی.

مسأله: شرط دوّم: طهارت از حدث اکبر و اصغر می باشد (یعنی با وضو باشد و غسلی به گردش نباشد) البته این شرط در طواف عمره و حج لازم است، و امّا طواف مستحبی تنها- که مربوط به عمره و حج نیست- طهارت (با وضو بودن) در آن مستحب است، گرچه وضوء در نمازش لازم است (البته جنب یا حیض نمی تواند حتی طواف مستحب انجام دهد، زیرا دخول در مسجد الحرام بر او حرام است) بنا بر این طواف عمره یا حج بدون وضو یا غسل اگر غسلی به گردش نباشد باطل است. ۱. رساله مناسک حج (طبع جدید)؛ ص ۵۱

أله: زن مستحاضه چنانچه احکام استحاضه را رعایت نماید- همانطوری که در

احکام نماز بیان شده است- طوافش صحیح می باشد.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۵۲

مسأله: اگر شك کرد در طهارت حدثیه (یعنی نمی داند وضو گرفته یا نه، یا غسلی بر گردنش بوده یا نه) چنانچه بعد از تمام شدن طواف باشد طواف او صحیح است، و اگر در اثناء باشد چنانچه به طهارت پیش از طواف یقین داشته است بنا را بر طهارت می گذارد و طواف را تمام می نماید، و طوافش صحیح است و اما اگر قبلاً یقین داشته که محدث بوده و نمی داند که با طهارت وارد طواف شده یا نه، و یا اینکه حالت سابقه را نمی داند در این دو صورت بنا را بر حدث می گذارد، پس اگر طواف عمره یا حج است باید آن را قطع نماید و طهارت تحصیل کند، کند، و اگر طواف مستحبی تنها است جایز است طواف را تمام نماید و صحیح خواهد بود.

مسأله: اگر بعد از طواف متوجه شود که طهارت نداشته یعنی بدون وضو یا غسل بوده، در طواف واجب باید اعاده کند.

مسأله: کسی که نمی تواند وضو بگیرد یا غسل کند، مثلاً آب برای او ضرر دارد، باید تیمم نموده و طواف نماید.

مسأله: اگر در وسط طواف حدثی از او خارج شد چنانچه بیش از نصف طواف را انجام داده- یعنی سه شوط و نیم- باید طهارت بگیرد سپس دنباله طواف را ادامه دهد، و اگر به نصف نرسیده باشد باید طواف را از سر گیرد.

مسأله: چنانچه محرم در اثناء طواف متوجه شد که جنب یا حیض است، هر طوافی باشد چه واجب و چه مستحب باید قطع نماید و فوراً از مسجدالحرام خارج شود.

مسأله: اگر زن

در اثناء طواف واجب حیض شد باید طواف را قطع نموده از مسجد خارج شود و پس از پاک شدن و غسل نمودن بر گردد و چنانچه قبلاً بیشتر از نصف طواف، انجام داده بود باقیمانده را تکمیل نماید و اگر تجاوز از نصف نکرده بود از اول شروع می کند، و اگر تا وقت پاک شدن به خاطر عذری نمی توانست در مکه معظمه بماند تا خودش طواف را انجام دهد یا تکمیل کند، باید برای انجام وظیفه اش نایب بگیرد.

مسأله: کسی که غسل مسّ میّت بر او واجب شده باید غسل مسّ میّت را انجام داده سپس طواف نماید.

مسأله: شرط سوّم: طهارت از نجاست (خبث) است، در بدن و لباس، مگر نجاستی که در نماز بخشوده شده است مانند خون کمتر از درهم و خون قروح و جروح و غیره، گرچه اجتناب از آن احوط است.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۵۳

مسأله: اگر عالمّاً عامداً با بدن یا لباس نجس طواف نمود طوافش باطل است، و چنانچه در وقت شروع به طواف نجاست را نمی دانسته و در اثناء طواف متوجه شد اگر با کندن لباس و غیره توانست فوراً نجاست را رفع نماید و باقیمانده طواف را با طهارت انجام دهد طواف صحیح است، چه پیش از نصف باشد یا بعدش، و گرنه طواف باطل است.

مسأله: اگر از باب جهل به نجاست یا جهل به اینکه طواف مشروط به طهارت است یا به علت فراموشی و غفلت با بدن یا لباس نجس طواف کرد طوافش صحیح است.

مسأله: شرط چهارم: باید مرد ختنه کرده باشد و همچنین است پسر نابالغ، و این شرط خاص به ذکور است، بنا

براین طواف مردان، بدون ختنه صحیح نیست.

مسأله: شرط پنجم: ستر عورت است بر مرد و زن، و همانطوری که در نماز ستر عورت لازم است در طواف نیز لازم می باشد، و همان شرایطی که در لباس نمازگزار معتبر است، در ساتر طواف نیز لازم می باشد.

مسأله: اگر لباس احرام در حال طواف از روی او افتاد چنانچه مسافت کمی بدون احرام رفته باشد باید برگردد و احرام را پوشیده و از همانجایی که احرام افتاده بود به طواف خود ادامه دهد.

مسأله: شرط ششم: مباح بودن لباس و مرکب است، پس اگر در حال طواف لباس انسان یا مرکبی که بر آن سوار شده غصبی باشد (چنانچه سواره طواف کند) طوافش باطل است.

واجبات طواف

مسأله: در طواف چند چیز واجب است: ۱- ابتدا به حجرالاسود. ۲- ختم به حجرالاسود. ۳- خانه کعبه را طرف چپ خود قرار دهد. ۴- حجر اسماعیل را داخل در طواف کند. ۵- بدن از خانه کعبه خارج باشد. ۶- هفت شوط طواف کند. ۷- اشواط طواف پشت سرهم باشد. ۸- بنا بر احتیاط مستحب طواف بین مقام ابراهیم و خانه کعبه باشد.

مسأله: اول از واجبات طواف: باید شروع هر یک از هفت شوط طواف از حجرالاسود باشد، و لازم نیست اولین جزء بدن محاذی با اولین جزء حجرالاسود شود بلکه ابتداء عرفی کافی است.

مسأله: دوم از واجبات طواف: باید ختم هر یک از هفت شوط به حجرالاسود باشد.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۵۴

مسأله: سوم از واجبات طواف: باید خانه کعبه در تمام حالات طواف در طرف شانه چپ طواف کننده باشد، البته دقت عقلی در اینکه شانه چپ محاذی با دیوار کعبه باشد لازم

نیست، و مراعات وضع مناره های فعلی لزومی ندارد، بلکه صدق عرفی کافی است.

مسئله: اگر کعبه معظّمه در طرف چپ واقع نشود یعنی در مقابل یا پشت سر یا طرف راست باشد طواف باطل است، و چنانچه این عمل از روی جهل به مسئله باشد باید طواف را اعاده نماید.

مسئله: چنانچه بر اثر ازدحام جمعیت از مسیر خود منحرف شود یعنی شانه چپ او به طرف کعبه نباشد، در مسافت بسیار کم مانند یکی دو گام، طواف صحیح است و اعاده لازم ندارد.

مسئله: کسانی که آنها را با وسیله مخصوصی طواف می دهند رعایت عرفی محاذات شانه چپ آنها با دیوار کعبه لازم است.

مسئله: طواف باید با استقامت و راست بودن بدن انجام شود، و در حال خمیدگی صحیح نخواهد بود مگر برای افرادی که بیمار می باشند، یا بر اثر کهولت سنّ منحنی شده اند.

مسئله: چهارم از واجبات طواف: باید حجر اسماعیل (ع) را داخل در طواف بنماید، یعنی بیرون از آن طواف کند و نمی تواند از یکی از دهانه های حجر اسماعیل (ع) داخل شده و از دیگری بیرون رود.

مسئله: پنجم از واجبات طواف: باید بدن خارج از خانه کعبه باشد، یعنی: دور خانه خدا طواف کند نه داخل آن، اما اگر از روی شاذروان (شیب دور خانه خدا) عبور کرد و یا بر روی دیوار حجر اسماعیل اشکالی ندارد، گرچه ترکش بهتر است، بنا بر این دست کشیدن به دیوار خانه خدا در هنگام طواف و روی دیوار حجر اسماعیل جایز است گرچه خلاف احتیاط استحبابی است.

مسئله: ششم از واجبات طواف: باید هفت دور کامل طواف کند، از حجر الأَسود تا حجر الأَسود، و کم و زیاد کردن آن موجب

بطلان است.

مسأله: اگر به خاطر عذری مانند بیماری یا حدوث حدث طواف را قطع کرد چنانچه بیش از نصف طواف را انجام داده بود وقتی عذر مرتفع شد باقیمانده را انجام می دهد و کافی خواهد بود، و اگر از نصف تجاوز نکرده بود باید از اول شروع نماید.

مسأله: هرگاه در بین نماز طواف متوجه شود که طوافش ناقص بوده، باید نماز را قطع نماید و طواف را تکمیل نماید چه از نصف طواف گذشته باشد یا نگذشته باشد، و چه شروع در نماز جهلاً و یا از روی

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۵۵

فرااموشی و غفلت بوده است، و اگر بعد از نماز متوجه شد باید طواف را تکمیل نماید و احوط اعاده نماز است.

مسأله: هرگاه مشغول سعی شد و متوجه شد که طوافش ناقص بوده باید سعی را قطع نماید و طواف را تکمیل کند، هر چند باقیمانده طواف بیش از نصف باشد، و احتیاطاً نماز طواف را اعاده نماید سپس سعی را کامل نماید گرچه کمتر از نصف سعی را انجام داده باشد، البته مستحب است طواف و سعی را از اول انجام دهد.

مسأله: هرگاه در بین طواف، وقت نماز واجب فرا رسید، مستحب است طواف را قطع نماید و نماز فریضه را بخواند، و سپس طواف را تکمیل کند هر چند قبل از نصف طواف باشد.

مسأله: هرگاه بعد از فراغت از طواف شک کند در عدد شوطهای هفتگانه، چنانچه یک طرف شک عدد ۷ باشد (مثلاً بین ۷ و ۸) یا (۶ و ۷) اعتنا به شک نکند و طواف او صحیح است، و اگر هیچ یک از دو طرف شک صحیح نباشد (مثل

شک بین ۵ و ۶ یا ۶ و ۸) باید طواف را اعاده نماید.

مسأله: هرگاه در حین طواف در زیاده شک کند در صورتی که یقین به هفت شوط داشته باشد طواف را قطع نماید و طواف صحیح خواهد بود.

مسأله: هرگاه در حین طواف در نقیصه شک نماید باید طواف را اعاده نماید، و اگر با دانستن مسأله عمداً از طواف بیرون رفت و به شک خود اعتنا ننمود باید طواف را اعاده نماید، و اما اگر از روی جهل به مسأله یا سهو و نسیان و اضطرار به شک اعتنا ننمود و از طواف بیرون آمد طوافش صحیح است. البته این مسائل شک مربوط به طواف حج و عمره است که از آن تعبیر به طواف فریضه می شود.

مسأله: هرگاه در هنگام طواف مستحب تنها مثل طواف ابتدائی و طواف وداع، شک در نقیصه نماید بنا را بر اقل بگذارد و تکمیل نماید و طواف صحیح خواهد بود، و در طواف نذری و یا طواف ابتدائی استیجاری نیز همین حکم جریان دارد.

مسأله: هرگاه در بین طواف شک نماید بین نقیصه و زیاده و کمال (مثلاً بین ۶ و ۷ و ۸) باید طواف را از سر بگیرد، و همچنین اگر شک بین نقیصه و زیاده داشته باشد (مثلاً بین ۶ و ۸) باید طواف را اعاده کند، و همچنین اگر در اصل عدد شک نماید که نداند چند شوط انجام داده طواف را اعاده کند.

مسأله: ظنّ در طواف تا وقتی که به حدّ علم عادی نرسیده است در حکم شک می باشد.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۵۶

مسأله: در عدد اشواط می توان به بیّنه (دو شاهد

عادل) و ثقه واحد (یک شخص مورد اطمینان) گرچه طفل یا زن یا فاسق باشد اعتماد نمود.

مسأله: اگر در بین طواف شک کرد و طواف را از سر گرفت و در بین طواف دوّم عدد طواف اوّل معلوم شد اگر عدد کامل بوده طواف دوّم را قطع نماید و اگر طواف اوّل کم داشته همان مقدار کم را تدارک نماید کافی است، و لازم نیست طواف دوّم کامل شود.

مسأله: هفتم از واجبات طواف: باید طواف پشت سرهم و پی در پی انجام شود، و خود مُحرم شخصاً انجام دهد، مگر اینکه به هیچ وجهی بر آن قدرت نداشته باشد، که در این صورت باید نایب بگیرد.

مسأله: اگر عمداً مقداری از طواف واجب را ترک کرد چنانچه عمل منافی با موالات انجام نداده- یعنی فاصله زیاد نشده- واجب است آن را تکمیل نماید، و اگر عمل منافی با موالات انجام داده باید طواف را از سر بگیرد.

مسأله: هشتم بنا بر احتیاط مستحبی فاصله شخص با دیوار خانه خدا از تمام اطراف بیست و شش ذراع و نیم باشد، یعنی طواف بین مقام حضرت ابراهیم (ع) و خانه خدا انجام شود، البته وقتی به آخر حجر اسماعیل می رسد فاصله شش ذراع و نیم می شود.

مسأله: اگر فاصله را بیشتر قرار داد یعنی دورتر از مسافت (۲۶.۵) ذراع طواف کرد اشکالی ندارد حتی اگر اضطرار و مشقتی در کار نباشد.

چند مسأله

مسأله: شخص بیماری که خودش قادر به طواف نیست چنانچه تا وقت باقی است امید بهبودی دارد طواف را تا موقع بهبودی تأخیر بیندازد و اگر امیدی نبود یا بهبودی نیافت باید او را طواف بدهند به هر

وسيله ای که ممکن است، و چنانچه آن نیز ممکن نباشد برای او نایب گرفته می شود.

مسأله: اگر شك کند که طواف کرده یا نه، چنانچه داخل عمل بعدی نشده است باید طواف را انجام دهد و اگر داخل عمل بعدی شده بنا بگذارد که طواف را انجام داده است.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۵۷

مسأله: اگر شك کند که طواف را با شرایط لازم انجام داده یا نه، چنانچه شك بعد از طواف باشد بنا را بر صحت آن می گذارد، و اگر در بین طواف باشد مقداری که انجام شده صحیح است، و نسبت به باقیمانده باید احراز شرایط نماید.

مسأله: هرگاه بعد اتمام طواف شك کند که شرایط صحت را داشته یا نه، مثلاً طهارت داشته یا نه، بنا بر صحت بگذارد.

مسأله: اگر بعد از تمام شدن اعمال حج یقین پیدا کرد یکی از دو طواف (طواف زیارت یا طواف نساء) را انجام نداده است یک طواف به قصد ما فی الذمه انجام میدهد و کافی است.

مسأله: طواف در هر یک از عمره و حج رکن است و چنانچه عمداً ترک شود عمره یا حج باطل می شود، و چنانچه وقتش بگذرد باید عمره یا حج را اعاده نماید.

مسأله: اگر از روی جهل به مسأله طواف زیارت را ترک نمود باید حج را اعاده کند و اگر طواف نساء را جهلاً ترک کند اعاده حج لازم نیست بلکه باید همان طواف را قضا نماید، و اگر امکان قضا ندارد نایب بگیرد، و اگر طواف نساء را عمداً ترک کند لازم نیست حج را اعاده نماید- گرچه احوط است- و در این صورت کفاره لازم نیست.

مسأله: هرگاه طواف زیارت

عمره - چه مفرده و چه تمتع - را عمداً ترک کرد واجب است عمره را اعاده نماید و کفاره شتر لازم نیست، و اگر از روی جهل ترک نماید فقط قضای طواف لازم است و اعاده و کفاره ندارد، و در احکام بیان شده در دو مسأله فرقی نمی باشد بین حج واجب و مستحب، و عمره واجب و مستحب، چه نیابۀ باشد و چه اصالۀ.

مسأله: اگر از روی جهل به مسأله طواف زیارت را ترک کرد و تا آخر ذی الحجّه نتوانست حج را اعاده کند و قدرت بر کفاره شتر نداشت، حجّ و کفاره ساقط می شود، و چنانچه قدرت مالی داشته باشد بعد از مرگش قضا می شود و گرنه چیزی بر او نیست، و استفاده از زن و غیرش بنا بر اظهر بر او حرام نیست، چه در سال آینده قدرت بر انجام حج داشته باشد یا نداشته باشد.

مسأله: اگر طواف نساء را جهلاً - چه از حج و چه از عمره مفرده - ترک نماید تا وقتی خودش یا نایبش طواف را قضا نکند، زن بر او حرام است، و همین حکم در صورت فراموشی نیز جریان دارد.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۵۸

مسأله: اگر کسی عمره مفرده را انجام داد و از روی جهل طواف نساء را ترک کرد ولی بعد از آن حج را با طواف نساء آن انجام داد، یا بالعکس یعنی حج را بدون طواف نساء انجام داد و بعدش عمره مفرده را همراه با طواف نساء بجا آورد، یا دو عمره مفرده بجا آورد و در اولی جهلاً طواف نساء را ترک نمود و در دومی انجام داد زن بر او حرام نیست، چه

در این موارد از طرف خود اعمال را انجام دهد، یا نایب باشد، یا یکی نایب بوده و در دیگری از طرف خود باشد.

مسئله: کسی که در عمره مستحبی و حج مستحبی یا تبرّعی طواف را ترک نماید اعاده و کفّاره بر او واجب نیست، لکن اگر طواف نساء را ترک کرده باشد در صورت امکان باید خودش قضا نماید، و در صورت عدم امکان نایش قضا کند، و تا وقتی که قضا انجام نشده زن بر او حرام است.

مسئله: اگر کسی برای عمره یا حج اجیر شود و طواف زیارت را ترک کند بطوریکه عمره و حج باطل شود اجاره باطل نیست، و مجدداً باید عمره یا حج را اعاده نماید مگر اینکه اجاره مقید به همان وقتی باشد که عمره یا حج باطل شده، در این صورت اجاره باطل است و اجرت را پس می دهد.

مسئله: چنانچه از روی فراموشی طواف حج یا عمره را ترک نمود فقط باید طواف را قضا کند و بقیه اعمالش باطل نیست، و اگر برای خودش امکان نداشت باید نایب بگیرد.

مسئله: هرگاه عمداً یا جهلاً طواف را ترک کرد پس از انجام سایر اعمال مُحلّ می شود یعنی از احرام بیرون می آید.

مسئله: اگر از حرم خارج شد سپس برای اعاده عملی که لازم است با احرام انجام شود خواست به حرم برگردد، باید برای انجام آنچه فوت شده محرم شود.

مسئله: هرگاه طواف یا نماز طواف یا سعی را فراموش کند که واجب است قضا شود لازم نیست قضا در ماههای حج (شوّال و ذی القعدة و ذی الحجه) باشد.

مسئله: هرگاه شك نماید آنچه ترك شده طواف حج بوده است یا طواف عمره،

یک طواف به قصد ما فی الذمه انجام دهد.

مسئله: چنانچه طواف واجب حج یا عمره را فراموش کند و با همسرش نزدیکی (جماع) نماید، کفاره (شتر) بر او واجب نیست.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۵۹

مسئله: هرگاه طواف نساء را فراموش کرد زن بر او حرام است تا زمانی که خودش آن را قضا نماید و اگر شخصاً تمکن از قضا نداشت، نایب بگیرد، اما اگر نایب گرفتن نیز امکان نداشت حرمت زن از او ساقط می شود علی الأظهر. و اگر می توانست در همان سال نایب بگیرد ولی شخصاً نمی توانست آن را قضا کند اما برای سال بعد شخصاً قادر بر قضا بود، باید در همان سال نایب گیرد.

مسئله: در مسئله قبلی چنانچه طواف وداع را انجام داده باشد جایگزین طواف نساء می شود و نیازی به قضا نیست.

مسئله: در احکام مذکوره طواف فرقی بین زن و مرد و ختنی نیست و طواف نساء مثل طواف حج و طواف عمره برای همه واجب است.

۳- نماز طواف

مسئله: سوّم از واجبات عمره تمتّع: دو رکعت نماز طواف است.

مسئله: واجب است بعد از طواف فوراً دو رکعت نماز طواف را (که مثل نماز صبح است ولی اقامه ندارد و بلند خواندن قرائتش بر مردان واجب نیست) نزد مقام ابراهیم (ع) یا پشت آن بجا آورد.

مسئله: می توان نماز طواف را در طرف راست یا چپ و یا پشت مقام ابراهیم (ع) بجا آورد و هرچه به مقام نزدیکتر باشد بهتر است، گرچه میتواند نماز را دورتر بخوان تا آخر مسجد الحرام مخصوصاً وقتی که شلوغ باشد.

مسئله: این حکم مربوط به نماز طواف عمره و حج است، اما نماز طواف ابتدائی را در تمام

اطراف مسجد الحرام می توان خواند.

مسأله: اگر کسی نماز طواف را فراموش کرد، باید تا زمانی که در مکه معظمه است نزد مقام ابراهیم (ع) رفته و نماز را قضا نماید، و اگر از مکه معظمه بیرون رفت و مسافرت نمود هر جا یادش آمد قضا نماید گرچه احوط استحبابی برگشتن به مسجد الحرام و قضا نمودن نزد مقام ابراهیم (ع) است، و اگر در برگشت مشکل بود بهتر است برای قضا نزد مقام ابراهیم (ع) نائب بگیرد.

مسأله: بر کسی که قرائت نمازش صحیح نیست واجب است قرائت خود را اصلاح نماید، و اگر نتوانست اصلاح نماید به هر اندازه ای که می تواند انجام دهد و نایب گرفتن کافی نیست.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۶۰

مسأله: هرگاه دو رکعت نماز طواف را نزد یا پشت مقام ابراهیم (ع) نخواند بلکه در جاهای دیگر مسجد خواند یا آن را عمداً ترک کرد یا نماز را باطل خواند واجب است برگردد و نماز را پشت مقام ابراهیم (ع) بخواند و اگر امکان برگشت نبود هر جا که هست نماز را بخواند، و احتیاطاً نایب نیز بگیرد که نزد مقام ابراهیم (ع) نماز را بجا آورد.

مسأله: هرگاه نماز طواف را از روی جهل یا سهو یا فراموشی ترک کرد اعمال بعد از نماز صحیح است و احتیاج به اعاده آنها نیست، و همچنین اگر عمداً آن را ترک کند.

مسأله: اگر کسی که نماز طواف را فراموش کرده و قضای آن را انجام نداده فوت کند، واجب است وئیش قضا نماید.

مسأله: لازم نیست قضای نماز طواف در ماههای حج باشد و در مسائل قضای نماز طواف فرقی بین اقسام مختلف حج و عمره نیست، و

همچنین لازم نیست که قضای نماز با لباس احرام باشد.

مسأله: نماز طواف را می توان با جماعت خواند.

مسأله: مکروه است که دو طواف را پی در پی انجام دهد بصورتی که بعداً دو نماز برای هر دو بجا آورد، بلکه بعد از هر طواف نماز آن را بخواند.

مسأله: زنی که قبل از نماز طواف یا در هنگام طواف حیض شود باید فوراً از مسجد خارج شود و اگر چهار شوط یا بیشتر طواف کرده باشد بقیه طواف و نماز را تاخیر می اندازد و اعمال دیگر عمره را تکمیل نموده، بعد از پاکی باقیمانده طواف و نماز را بجا می آورد و لازم نیست سعی را اعاده کند، اما اگر قبل از وقوف به عرفات در روز نهم پاک نشود احتیاط آن است که برای انجام بقیه طواف و نماز آن نایب بگیرد، قبل از آن که برای وقوف خارج شود، و پس از پاکی نیز آن را بجا آورد.

مسأله: زنی که حیض شد و هنوز چهار شوط طواف را تکمیل نکرده باشد باید طواف را قطع نموده فوراً از مسجدالحرام خارج شود، پس اگر قبل از وقوف به عرفات در روز نهم پاک شد طواف را از سر گرفته و بقیه اعمال عمره را تکمیل می کند، و گرنه حج او به (حج افراد) تبدیل گشته به عرفات می رود و دیگر اعمال حج افراد را بجا آورده پس از آن عمره مفرده بجا می آورد و کفایت می کند.

۴- سعی

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۶۱

مسأله: چهارم از اعمال عمره تمتع: سعی بین صفا و مروه می باشد. و واجبات سعی عبارت است از: ۱- نیت، ۲- شروع از صفا و ختم

به مروه، ۳- عدد یعنی هفت مرتبه مسافت را طی کند، ۴- مقادیم بدن به طرف صفا و مروه باشد، ۵- لباس و کفش و سواری انسان میباح باشد.

مسأله: سعی عبارت است از: رفت و آمد بین دو کوه صفا و مروه هفت بار، به این معنی که از صفا شروع می کند و به مروه می آید و این یک بار محسوب می شود، سپس از مروه به صفا بر می گردد و این بار دوم است، و از صفا به مروه سوم، و همچنین تا سرانجام بار هفتم در مروه ختم می شود، و مجموع چهار رفت و سه برگشت هفت مرتبه می شود.

مسأله: سعی بین صفا و مروه از واجبات اساسی است چنانچه عمداً ترک شود تا وقت بگذرد چه در حج و چه در عمره موجب بطلان است، و اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله یا غفلت و یا اضطرار ترک شد حج و عمره باطل نمی شود، بلکه باید فقط سعی را شخصاً قضا نماید و اگر امکان ندارد نایب بگیرد حتی اگر بعد از ذی الحجّه باشد.

مسأله: واجب است در سعی تیت کند و قصد قربت و اخلاص نموده و تعیین نماید در عمره است یا حج، مثلاً بگوید: سعی بین صفا و مروه بجا می آورم برای عمره تمتع قربه الی الله تعالی.

مسأله: طهارت حدیثیه (یعنی وضو، یا غسل کافی از وضو) و طهارت خبیثه (یعنی پاکی بدن و لباس از نجاست) در سعی شرط نیست بلکه هر دو مستحب است، بنا بر این بدون وضو یا در حال جنابت و حیض و همچنین با بدن یا لباس نجس، سعی صحیح است.

مسأله: مستحب است بعد از طواف

و نماز طواف و قبل از ورود در جای سعی، حجراً الأسود را استلام کند و همچنین آشامیدن از آب زمزم و ریختن مقداری از همان آب بر بدن و سر مستحب می باشد.

مسأله: هنگام شروع سعی از صفا لازم نیست که پشت پا به سنگهای صفا برسد، و همچنین لازم نیست در مروه انگشتان پا به سنگهای مروه برسد، بلکه طبق متعارف کافی است.

مسأله: جایز است انسان بعد از طواف، سعی را تأخیر بیندازد تا کمی استراحت نماید، اما نمی توان به فردا تأخیر انداخت، گرچه تأخیر تا شب جایز است.

مسأله: می توان بین طواف واجب و سعی، یک طواف مستحب انجام دهد.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۶۲

مسأله: سوار شدن در حال سعی جایز است، گرچه پیاده روی در صورت امکان بهتر است، و باید مرکب و سواری او غصبی نباشد، و بنا بر احتیاط چیز غصبی همراه خود بر ندارد.

مسأله: لازم است وقتی از صفا به مروه می آید مقادیم بدن (قسمت جلوی بدن) به طرف مروه باشد و وقتی از مروه به صفا بر می گردد مقادیم بدن به طرف صفا باشد، ولی برگرداندن صورت گاه گاهی به این طرف و آن طرف مانعی ندارد، و می تواند در حال ایستادن تمام بدن را به طرف دیگر حرکت دهد.

مسأله: سعی در طبقه فوقانی مانعی ندارد و صحیح است.

مسأله: نباید در حال سعی از مسیر سعی خارج شود، مثلاً وارد مسجدالحرام گردد یا به بازار برود، اما خوردن آب در جاهایی که کنار مسعی درست کرده اند اشکالی ندارد.

مسأله: (هروله) در محل معینی بین صفا و مروه که با دو چراغ سبز علامت گذاری شده برای مردان مستحب است و

برای زنان هروله نیست، و نایب به وظیفه خود عمل می کند چه منوب عنه زن باشد و چه مرد.

مسأله: سعی باید هفت شوط کامل باشد، کم و زیاد کردن عمدی آن موجب بطلان حج یا عمره خواهد شد، اما اگر سهواً یا از روی فراموشی یا ندانستن حکم کم کرد هر وقت متوجه شد باقیمانده را تکمیل کند و چنانچه زیاد شد زیادی را الغا نماید و سعیش صحیح خواهد بود.

مسأله: اگر بعد از تمام شدن سعی شک در عدد و یا شرایطش بنماید به شک خود اعتنا نکند.

مسأله: اگر بعد از تمام شدن سعی شک در عدد اشواط کرد بطوری که هیچ یک از اطراف شک عدد صحیح ۷ نبود، مثل شک بین (۶ و ۸) یا بین (۵ و ۶ و ۸) باید سعی را اعاده نماید.

مسأله: هرگاه در اثنای سعی شک کند، چنانچه این شک در صفا بود و یقین به زوجیت داشت یا در مروه بود و یقین به فردیت داشت (مثلاً در صفا شک می نماید که شوط چهارم است یا ششم و یا در مروه شک می کند، شوط سوم است یا پنجم) سعی او صحیح است و بنا را بر اقل بگذارد و باقیمانده را تکمیل نماید. و اگر در صفا یقین به فردیت و یا در مروه یقین به زوجیت داشت سعی باطل است، و همچنین اگر در هر یک از صفا و مروه شک در زوجیت و فردیت داشت سعی باطل است و چنانچه در بین راه استراحت کرده و نمی داند باید به مروه برود یا به صفا سعی باطل است، و در موارد بطلان باید از اول شروع نماید.

رساله مناسک

مسأله: چنانچه شك بين عدد ۷ و زيادتر بنمايد بطوري كه منافي با شروع از صفا نباشد مانند اينكه در مروه شك بين (۷ و ۹) بنمايد سعی صحيح است و بنا بر اقل گذاشته می شود.

مسأله: اگر علم اجمالی پیدا کرد كه سعی یا ناقص بوده یا زايد، مثلاً يقين دارد كه یا (۶) شوط انجام داده یا (۸) شوط، و یا شك داشت بين اقل و اكثر و كامل (بين ۶ و ۷ و ۸) بنا را بر اقل كه (۶) است بگذارد و سعی را تكميل نمايد و صحيح خواهد بود.

مسأله: چنانچه پس از فراغت از سعی يقين پیدا کرد سعیش ناقص بوده (چه يك شوط باشد یا بیشتر یا کمتر) همان مقدار ناقص را انجام دهد كافی است و اگر تمكّن نداشت بايد نايب بگيرد.

مسأله: واجب است كه سعی بعد از نماز طواف باشد و جايز نيست در حال اختيار سعی را بر نماز طواف مقدم بدارد، اما در حال اضطرار (مانند ناپاك بودن زن) می تواند سعی را مقدم بدارد.

مسأله: موالات (پی در پی بودن) در اشواط سعی واجب نيست بلکه می تواند در بين صفا و مروه یا روی هر دو كوه بنشیند و استراحت كند و یا مشغول شود به كار دينی (مثل نماز) یا كار عادی (مانند اينكه برود غذا بخورد و برگردد) سپس باقیمانده سعی را كامل نمايد، البته نه اينكه فاصله خیلی زياد شود بطوري كه از روزی به روز ديگر برود، مگر مدّت زياد به خاطر فراموشی باشد، مثلاً اگر مقداری از سعی باقی بود و فراموش كرد و به وطن بازگشت می تواند پس

از مراجعت باقیمانده را انجام دهد و اگر تمکن از برگشتن ندارد برای همان مقدار نایب بگیرد.

مسأله: هرگاه طواف را انجام داد و قدرت بر سعی پیدا نکرد (تا آخر ذی الحجه در سعی حج، یا تا وقتی که برای رفتن به عرفات وقت باشد در سعی عمره تمتع، یا قبل از اینکه موالات بین طواف و سعی به هم بخورد در عمره مفرده) حج و عمره اش صحیح است و هر وقت تمکن پیدا کرد باید سعی را انجام دهد.

مسأله: هرگاه سعی را عمداً تأخیر انداخت اعمال قبل و بعد از سعی صحیح است و هر وقت بتواند باید سعی را انجام دهد.

۵- تقصیر

مسأله: پنجم از اعمال عمره تمتع: تقصیر است، و با تقصیر، عمره تمتع پایان می پذیرد و از احرام بیرون می آید.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۶۴

مسأله: تقصیر یعنی کم کردن مقداری از ناخن دست یا پا، یا چیدن مقداری از موی سر یا ریش یا سیل، و کندن مو کفایت نمی کند بلکه باید چیده شود.

مسأله: نیت در تقصیر لازم است، مثلاً چنین می گوید: تقصیر می کنم برای عمره تمتع قربه الی الله تعالی.

مسأله: لازم نیست تقصیر را بلافاصله بعد از سعی انجام دهد و تأخیرش مانعی ندارد و محلّ معینی برای تقصیر نیست، بلکه می تواند آن را در مروه، یا در منزل و یا جای دیگر انجام دهد.

مسأله: با انجام تقصیر تمام چیزهایی که بر محرم حرام بوده حلال می شود.

مسأله: هرگاه تقصیر را عمداً ترک کرد تا وقتی که محرم به احرام حج شد عمره اش باطل می شود و حج او تبدیل به حج افراد می گردد، و پس از اعمال حج افراد باید عمره مفرده ای بجا

آورد.

مسأله: هرگاه تقصیر را سهواً ترک کرد تا وقتی که محرم به احرام حج تمتع شد عمره اش صحیح است و بهتر این است که یک گوسفند به عنوان کفاره بکشد، اما اگر از روی ندانستن مسأله تقصیر را ترک کرد عمره اش صحیح است و کفاره ندارد، و همین حکم جاری است اگر معتقد بوده که تقصیر را انجام داده، ولیکن بعد از احرام حج معلوم شد که آن را انجام نداده که در این صورت عمره صحیح است و کفاره ندارد.

مسأله: طواف نساء در عمره تمتع واجب نیست.

مسأله: هرگاه عمره تمتع را انجام داد و قدرت بر انجام حج تمتع نداشت احوط انجام طواف نساء و نمازش می باشد.

و تا اینجا اعمال عمره تمتع که عبارت بود از: احرام، طواف، نماز طواف، سعی و تقصیر به پایان رسید.

مسأله: پس از تمام شدن اعمال عمره تمتع احوط این است که از مکه مکرمه خارج نشود مگر ضرورت ایجاب نماید و یا نیازی باشد و یا محرم شود به احرام حج تمتع سپس خارج شود البته خارج شدن به اطراف مکه و منی اشکال ندارد.

مسأله: بعد از پایان عمره تمتع مستحب است روز هشتم ذی الحجه برای حج تمتع محرم شود، و گرنه روز نهم واجب است برای حج محرم گشته و به عرفات برود.

تفصیل اعمال حج تمتع

اشاره

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۶۵

مسأله: اعمال واجب حج تمتع سیزده چیز می باشد، و چنین نیت می کند: حج تمتع بجا می آورم قربۀ الی الله تعالی.

۱- احرام

مسأله: اولین واجب از اعمال حج تمتع احرام است، و این احرام با احرام عمره تمتع از نظر کیفیت، شرایط، واجبات و محرمات بیست و پنجگانه یکی است، تنها در دو مورد اختلاف دارد: ۱- در نیت فرق می کند بطوری که در احرام عمره قصد می کرد: (محرم می شود به احرام عمره تمتع قربۀ الی الله تعالی) و در احرام حج قصد می کند (محرم می شوم به احرام حج تمتع قربۀ الی الله تعالی). ۲- در میقات فرق می کند، و میقات عمره تمتع قبلاً بیان شد، و اما میقات احرام حج تمتع شهر مکه مکرمه است و از هر جای شهر که باشد اشکالی ندارد، و بین مکه قدیم و جدید فرقی نیست، البته بهتر است در مسجد الحرام احرام ببندد، بلکه احرام نزد مقام ابراهیم (ع) و یا در حجر اسماعیل (ع) افضل است.

مسأله: بهترین اوقات برای احرام حج: روز ترویبه است (هشتم ذی الحجه) و اگر روز هشتم محرم نشد لازم است روز نهم احرام

بپوشد و به عرفات برود.

مسأله: اگر نتواند از مکه مکرمه احرام ببندد از هر جا که ممکن است - حتی از خود عرفات - محرم شود.

مسأله: اگر عالماً و عامداً از غیر مکه معظمه برای حج محرم شد احرامش باطل است و باید به مکه برگردد و تجدید احرام نماید، و اگر بر نگشت و تجدید احرام نکرد حجش باطل است.

مسأله: اگر از روی جهل و یا فراموشی از غیر مکه مکرمه محرم شد باید به مکه برگردد

و احرام را تجدید نماید و اگر امکان برگشت نبود واجب است در هر جا که هست احرام را تجدید نماید و حجّش صحیح خواهد بود.

مسأله: اگر به کلی احرام را فراموش کند تا اینکه کلیه اعمال حج را انجام داد حجّش صحیح است.

۲- وقوف در عرفات

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۶۶

مسأله: دوّم از واجبات حج تمتّع: وقوف (یعنی بودن) در سرزمین عرفات است با قصد قربت، و چنین نیت می کند: در سرزمین عرفات از اذان ظهر تا غروب آفتاب وقوف می کنم برای حج تمتّع قربۀ الی الله.

مسأله: حدود عرفات به وسیله علامتهای موجود تعیین شده است و وقوف خارج از آن کافی نیست.

مسأله: وقت وقوف در عرفات از اوّل اذان ظهر روز نهم ذی الحجّه است تا غروب آفتاب، و این وقوف فی الجمله از ارکان حج است که ترک عمدی تمام آن موجب بطلان حج می شود ولی اگر مقداری از این وقت را عمداً ترک نماید معصیت کرده اما حج باطل نیست، و در غیر عمدش معصیت نیز نیست.

مسأله: اگر کسی از روی فراموشی وقوف به عرفات را به کلی ترک کرد تا وقت وقوف تمام شد حجّش صحیح است و به وقوف مشعر اکتفا می شود، و اگر تا وقت باقی است یادش آمد باید فوراً به عرفات برود و وقوف را انجام دهد چه آن وقت باقیمانده از وقت وقوف اختیاری عرفه باشد (که از اوّل اذان ظهر است تا غروب آفتاب) یا وقت اضطراری آن (که از اوّل غروب آفتاب روز عرفه است تا اذان صبح عید قربان) و در این صورت به هر اندازه که وقوف کند حتّی ربع ساعت یا کمتر کافی است

و بودن تمام شب لازم نیست.

مسأله: اگر از روی فراموشی قبل از غروب آفتاب از عرفات خارج شد چنانچه تا وقت باقی است متوجه شود باید به عرفات برگردد، و اگر متوجه نشد چیزی بر او نیست و حشش صحیح است.

مسأله: اگر قاضی عامه به ثبوت هلال حکم نمود و نزد شیعه ثابت نشد در موارد تقیّه دو صورت دارد:

۱- شیعه علم به خلاف ندارد، در این صورت تبعیت از قاضی عامه نماید و وقوف عرفه و مشعر طبق فتوای آنها مانعی ندارد و حج صحیح است.

۲- شیعه علم به خلاف داشته باشد (مثلاً یقین دارد یا بینة شرعیّه اقامه شده که عرفه دوشنبه است و قاضی عامه یکشنبه را عرفه قرار داده) اگر احتیاط حرجی باشد و با مشکل زیاد مواجه گردد بعید نیست بگوئیم وقوف بر طبق فتوای قاضی مجزی است و حج صحیح است ولی سزاوار است احتیاط ترک نشود، و در این صورت انجام دادن اعمال منی در روز عید حقیقی حرجی نیست و باید در مثال مزبور اعمال منی را روز سه شنبه انجام دهد.

۳- وقوف در مشعر الحرام

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۶۷

مسأله: سوّم از واجبات حجّ تمتّع: وقوف (یعنی بودن) در مزدلفه (مشعرالحرام) است قربه الی الله تعالی.

مسأله: واجب است بعد از آن که محرم شب عید از عرفات خارج می شود به مشعرالحرام برود، و احوط این است که شب را در مشعر باشد، و هنگامی که فجر طلوع کرد چنین نیت می کند: در سرزمین مشعرالحرام وقوف می کنم از اذان صبح تا طلوع آفتاب برای حجّ تمتّع قربه الی الله تعالی.

مسأله: حدود مشعر (مزدلفه) که به وسیله علامتهای موجود تعیین شده

است معتبر و وقوف خارج از مشعر مجزی نیست، و وقوف در مشعر از واجبات اساسی حج است اگر کسی عمداً آن را ترک نماید حجش باطل است.

مسأله: وقوف در مشعر دو قسم است:

۱- وقوف اختیاری که از اوّل اذان صبح روز عید قربان است تا اوّل طلوع آفتاب، و مقدار رکن، وقوف در این فاصله است هرچند کم باشد و اگر کسی پس از گذشتن چند دقیقه از اذان صبح عمداً از مشعر خارج شد و تا طلوع آفتاب نماند معصیت کرده اما حجش صحیح است.

۲- وقوف اضطراری مشعر دو وقت است: یکی از اوّل اذان مغرب شب عید تا اذان صبح، و دیگری از اوّل طلوع آفتاب روز عید قربان تا ظهر همان روز.

مسأله: برای مردان در صورت اختیار وقوف اختیاری واجب است، اما زنان و کودکان و بیماران و کسانی که از دشمن ترس دارند و اشخاص ضعیف که در شلوغی اذیت می شوند، مانند پیرمردان جایز است به همان وقوف اضطراری اول (مقداری از شب عید، از اذان مغرب به بعد) اکتفا نمایند و حج آنها صحیح است و کفّاره نیز ندارد، و افرادی که لازم است همراه این جمع باشند حکم همین جمع را دارند، یعنی به همان وقوف اضطراری اکتفا می کنند و کفّاره ندارند.

مسأله: کسانی که جاهل به حکم یا موضوع بوده و یا ناسی و مضطرّ باشند به همان وقوف اضطراری اکتفا نموده و کفّاره نیز ندارند.

مسأله: اگر وقوف اختیاری (مابین اذان صبح روز عید تا طلوع آفتاب) و اضطراری اوّل (از اذان مغرب تا اذان صبح شب عید) را درک نکرد لازم است وقوف اضطراری دوّم را (که

مقداری از اوّل آفتاب صبح عید است تا ظهر) انجام دهد.

مسأله: درک وقوفین چند قسم است:

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۶۸

۱- تنها وقوف اختیاری عرفه را درک کند و از وقوف به مشعر معذور باشد (به جهت اضطرار یا سایر عذرها) در این صورت حج صحیح است.

۲- تنها وقوف اضطراری عرفات را درک کرده باشد (مقداری از شب عید) حج او صحیح نیست.

۳- تنها وقوف اختیاری مشعر را درک کرده باشد و عمداً وقوف عرفات را ترک نکرده باشد بلکه به جهت عذری ترک شده، حج صحیح است اما اگر عمداً وقوف به عرفات را ترک کرده باشد حج صحیح نیست.

۴- تنها وقوف اضطراری مشعر را درک نماید، اگر وقوف عرفات را عمداً ترک نکرده باشد حج صحیح است و اگر عمداً وقوف عرفات را ترک کرده باشد حج صحیح نیست.

۵- هر دو وقوف اختیاری عرفات و مشعر را درک کند، حج صحیح است.

۶- اختیاری عرفه و اضطراری مشعر را درک نماید، حج صحیح است.

۷- اضطراری عرفه و اضطراری مشعر را درک نماید، حج صحیح است.

۸- اضطراری عرفه و اختیاری مشعر را درک نماید، حج صحیح است.

۹- هیچ یک از دو وقوف را درک نکند نه اختیاری و نه اضطراری آن را، حج باطل است، از روی علم باشد یا جهل، معذور باشد یا نباشد.

مسأله: چنانچه محرم به احرام حج شد ولی حج از او فوت شد مانند اینکه هیچیک از وقوفین اختیاری و اضطراری را درک نکرد، باید اعمال عمره مفرد را انجام دهد یعنی از نیت احرام حج به احرام عمره مفرد عدول نماید و اعمال آن را انجام دهد و محلّ

شود و بقیه مناسک مثل اعمال منی و مکه از او ساقط است.

مسأله: یکی از مستحبات وقوف در مشعر، جمع آوری مقداری سنگ ریزه است برای رمی جمرات در منی و جایز است بیشتر از آنچه رمی می نماید بردارد که اگر تعدادی خطا کرد از زیادی استفاده نماید گرچه اگر کم برداشت یا کم آورد می تواند از ریگهای منی یا وادی محسّر استفاده کند.

۴- رمی جمره عقبه

مسأله: چهارم از واجبات حج تمتّع: رمی جمره عقبه است، و سه جمره در منی موجود است که آخرین آنها به طرف مکه مکرمه به نام جمره عقبه می باشد.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۶۹

مسأله: واجب است انسان بعد از طلوع آفتاب روز عید از مشعر به منی برود تا اعمال مخصوص منی را انجام دهد که اول آنها رمی می باشد.

مسأله: واجبات رمی چند چیز است:

۱- نیت با قصد قربت به این صورت: رمی می کنم جمره عقبه را به هفت سنگ ریزه برای حج تمتّع قربۀ الی الله تعالی.

۲- باید هفت سنگ ریزه رمی کند، نه زیادت و نه کمتر، اما اگر احتیاطاً چند سنگ ریزه اضافه بزند اشکالی ندارد.

۳- باید سنگ ریزه ها به جمره برسد (بخورد) و اگر در بین راه به چیز دیگری بخورد اشکال ندارد.

۴- باید سنگ ریزه ها را پرتاب کند و گذاشتن سنگ ریزه بر جمره کافی نیست.

۵- زدن ریگها یکی پس از دیگری باشد، یعنی در هفت نوبت پرتاب شود نه اینکه همه را باهم بزند.

۶- رمی در روز باشد یعنی از اول طلوع آفتاب تا غروب، مگر کسانی که شبانه از وقوف اضطراری مشعر استفاده کرده و وارد منی شده اند مانند زنها که می توانند شب رمی

نمایند.

مسأله: هرگاه شك كند كه سنگ ریزه ها به جمره رسیده یا نه، بنا به نرسیدن بگذارد و سنگ دیگری بزند مگر آنکه شك وی وقتی باشد که شب داخل شده و یا مشغول انجام واجب دیگری مانند قربانی شده باشد که در این دو صورت به شك اعتنا نکند، بلکه اقوی عدم اعتناء به شك است اگر شك بعد از اتمام رمی حاصل شد چه شك در عدد باشد یا در یکی از واجبات رمی شك کند.

مسأله: لازم است این ریگها بکر باشند یعنی با آنها قبلاً رمی جمره نشده باشد، و باید متوسط باشد نه خیلی ریز و نه خیلی درشت مثلاً به اندازه یک بند انگشت، و جنس آن باید سنگ باشد پس کلوخ و چوب و خزف و امثالش کفایت نمی کند، و لازم نیست سنگ ریزه ها پاک باشند، اما باید سنگ ریزه ها از محدوده حرم برداشته شود.

مسأله: لازم نیست که سنگ ریزه ها را بطور متوالی رمی کند، بلکه جایز است در اثنای رمی کمی استراحت نماید، اما اگر فاصله زیاد شد اعاده کند.

مسأله: رمی جمرات از طبقه فوقانی حتی در غیر حال اضطرار جایز است.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۷۰

۵- قربانی

مسأله: پنجم از واجبات حج تمتع: قربانی در منی است در روز عید قربان.

مسأله: واجبات قربانی عبارتند از:

۱- نیت کند.

۲- از انعام ثلاثه باشد (شتر یا گاو یا گوسفند).

۳- دارای سنّ خاصی باشد.

۴- تامّ الخلقه باشد.

۵- در روز عید یا ایام تشریق باشد.

۶- در منی باشد.

۷- ترتیب را رعایت کند.

۸- قربانی را از محدوده حرم خارج نکند.

مسأله: باید خود حاجی با قصد قربت نیت کند، مثلاً بگوید: قربانی می‌کنم از برای حج

تمتع قربه الی الله تعالی، و اگر قصاب قربانی را می کشد، هر دو نیت کنند، و چنانچه فقط حاجی نیت کرد کافی است.

مسأله: یک قربانی تنها برای یک نفر کافی می باشد و برای دو نفر یا بیشتر کافی نیست مگر در حج مستحبی.

مسأله: قربانی باید از جنس شتر یا گاو و یا گوسفند باشد.

مسأله: شتر قربانی باید علی الأحوط الأولى پنج سالش تمام شده و داخل سال ششم شده باشد، و گاو و بز دو سالش تمام شده و داخل سال سوم شده باشد، و گوسفند یک سالش تمام شده باشد، گرچه در گوسفند هفت ماهه کفایت می کند.

مسأله: قربانی بایستی از جمیع اعضاء سالم باشد، بنا بر این قربانی کور و شل بین و گوش بریده و شاخ داخلی شکسته و اخته کرده و دندان شکسته و امثالش و همچنین حیوان بسیار لاغر کفایت نمی کند.

مسأله: بعضی از گوسفندها که خلقه دنبه ندارند اشکالی ندارد و اگر به حسب خلقت باید دنبه داشته باشد اما به جهتی از جهات ندارد کافی نیست. و اگر تخم حیوان را کوبیده باشند یا رنگ او مالیده شده باشد

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۷۱

اشکالی ندارد، و همچنین اگر شاخ خارجی او شکسته باشد کافی است، و اگر خود دندان افتاده باشد اشکالی ندارد، و مکروه است که گوشش سوراخ یا شکافته و یا پیچیده شده باشد.

مسأله: شرایطی که برای قربانی ذکر شد در صورتی است که مقدور باشد اما اگر قربانی کامل پیدا نشود و به قربانی ناقص دسترسی دارد باید همان ناقص را قربانی کند.

مسأله: اگر قربانی ناقص نیز مقدور نبود چنانچه خود حاجی تا آخر ذی الحجه در مکه

مکرمه می ماند و می تواند قربانی تهیه کند باید آن را تهیه نموده و قربانی کند، و اگر نمی ماند و می تواند به شخص امینی پول بدهد تا برایش قربانی کند این کار را انجام دهد، و اگر این نیز ممکن نشد عوض قربانی باید ده روز روزه بگیرد.

مسأله: ده روز روزه عوض قربانی باید سه روزش در حج و هفت روزش در وطن باشد، و سه روز در حج باید در ماه ذی الحجّه باشد همراه با شرایط زیر:

۱- سه روز متصل یا در حکم اتصال باشد.

۲- در ایام تشریق (دهم و یازدهم و دوازدهم) نباشد مگر اینکه روز دوازدهم و سیزدهم در منی نباشد که در این صورت جایز است و می تواند روزه بگیرد.

مسأله: می تواند روزه را تا آخر ذی الحجّه تأخیر بیندازد مگر اینکه دو روز عرفه و تروییه را روزه گرفته باشد که باید بلافاصله پس از بازگشت از منی روز سوّم را روزه بگیرد و تأخیر نیندازد، و واجب است این سه روز را در منی یا مکه روزه شود، و چنانچه عذری داشت در بین راه و اگر از آن نیز معذور بود در وطن انجام دهد، و چنانچه بدون عذر در منی و مکه و سفر روزه نگرفت معصیت کرده ولی روزه اش در وطن صحیح خواهد بود.

مسأله: اگر از قربانی و بدلش (روزه) معذور بود چیزی بر او نخواهد بود.

مسأله: اگر سه روز روزه گرفت سپس قربانی پیدا شد کشتن آن بر او واجب نیست، گرچه بهتر است.

مسأله: هرگاه قربانی را به خیال اینکه لاغر نیست خرید و بعد از ذبح معلوم شد لاغر بوده، یا به اعتقاد اینکه لاغر است خرید

بعد از ذبح معلوم شد لاغر نبوده، یا موقع خرید لاغر نبود ولی موقع ذبح لاغر شد در هر سه صورت کافی است، اما اگر پیش از ذبح معلوم شود لاغر بوده کافی نیست علی الاحوط.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۷۲

مسأله: چنانچه به اعتقاد کامل بودن خرید و معلوم شد ناقص است اگر پولش را پرداخته کافی است و اگر پولش را نپرداخته لازم است- علی الاحوط- تبدیل نماید و اگر با اعتقاد به ناقص بودن خرید و بعد معلوم شد کامل است کافی است حتی اگر بعد از ذبح معلوم شود در صورتی که قصد قربت شده باشد.

مسأله: احتیاط مستحب آن است که گوشت قربانی را به سه قسمت تقسیم کند: از یک سو آن خود و عیالش بخورند و یک ثلث به فقیر بدهد و یک سو آن را به دیگران هدیه بدهد، بلی جایز نیست همه آن را خود و عائله اش بخورند اگر آنها فقیر نباشند یا واجب النفقه وی باشند، و جایز نیست همه قربانی را به غیر فقیر بدهد اگر فقیری باشد و بتواند به او برساند.

مسأله: لازم نیست خود انسان شخصاً کشتن قربانی را انجام دهد، بلکه می تواند نایب بگیرد در این صورت باید صاحب قربانی نیت نماید و نایب لازم نیست نیت کند گرچه احوط است.

مسأله: واجب است قربانی را در روز عید یا در طول ایام تشریق (دهم، یازدهم و دوازدهم ذی الحجّه) بکشد و تأخیر آن جایز نیست، اما اگر با عذر یا بدون عذر تأخیر انداخت تا آخر ذی الحجّه می تواند قربانی کند و او را کفایت می نماید.

مسأله: واجب است قربانی را در منی بکشد و در غیر

منی کافی نیست، اما کشتار گاههایی که جدیداً احداث شده و گفته می شود بیرون از حدود منی است، به جهت اضطرار و عسر و حرج و مانند آن، قربانی در آنها کفایت می کند.

مسأله: واجب نیست قربانی بعد از رمی و قبل از حلق یا تقصیر باشد، و اگر از روی عمد یا فراموشی یا نادانی بر خلاف ترتیب یاد شده عمل کند اشکالی ندارد.

مسأله: نباید چیزی از قربانی را از محدوده حرم خارج کند مگر اینکه در منی و محدوده حرم مورد مصرف نباشد.

۶- حلق یا تقصیر

مسأله: ششم از واجبات حج تمتع: حلق یا تقصیر است.

مسأله: بر مردان واجب است پس از قربانی، حلق (تراشیدن تمام سر) یا تقصیر نمایند (کم کردن مقداری از ناخن یا موی سر یا صورت) و بین حلق یا تقصیر مختیر می باشند، گرچه افضل حلق است مخصوصاً برای

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۷۳

صروره یعنی: کسی که برای اولین بار به مکه مکرمه مشرف شده است، خواه برای خود حج کند یا نایب باشد، بلکه حلق احوط است، و پسر بچه ها در حکم مردها می باشند، اما تراشیدن سر بر زنان و دختران حرام است - علی الأحوط - و باید آنها تقصیر نمایند.

مسأله: واجبات حلق یا تقصیر سه چیز است:

۱- نیت کند.

۲- در منی باشد.

۳- ترتیب رعایت شود، علی الاحوط.

مسأله: واجب است هر یک از حلق یا تقصیر با نیت قربۀ الی الله انجام شود و این را باید شخص حاجی نیت کند نه کسی که سر را می تراشد، مثلاً می گوید: حلق یا تقصیر می کنم برای حج تمتع قربۀ الی الله تعالی.

مسأله: باید حلق یا تقصیر در روز انجام شود و جایز است تأخیر آن تا آخرین

روز از ایام تشریق، اما مضطرّ می تواند در شب انجام دهد.

مسأله: هرگاه حلق یا تقصیر را انجام نداده و از منی بیرون رود (چه عمداً بیرون رود یا از روی فراموشی و یا نادانی و یا اضطرار) واجب است به منی برگردد و حلق یا تقصیر را انجام دهد حتّی اگر بعد از ماه ذی الحجّه باشد، و چنانچه امکان برگشت به منی را نداشت هر جا که هست حلق یا تقصیر نماید، و واجب نیست موی سر را به منی بفرستد گرچه مستحب است.

مسأله: چنانچه در غیر منی حلق یا تقصیر را انجام داد بعداً متوجّه شد که می بایست در منی انجام دهد باید برگردد و در منی انجام دهد و چنانچه امکان برگشت نداشت هر جا که هست حلق یا تقصیر را اعاده نماید و حلق یا تقصیر در مسأله قبلی و این مسأله باید فوراً انجام شود.

مسأله: ترتیب بین اعمال منی واجب نیست، گرچه احوط است یعنی: اوّل رمی جمره عقبه و بعد قربانی و بعدش حلق یا تقصیر.

مسأله: رمی جمره عقبه باید در روز عید (دهم ذی الحجّه) باشد، ولی قربانی و حلق یا تقصیر را می تواند تا آخر ایام تشریق تأخیر بیندازد.

مسأله: لازم نیست حلق را با تیغ انجام دهد، بلکه با ماشینهای اصلاح (شماره صفر) نیز کفایت می کند.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۷۴

مسأله: اقوی این است که پس از حلق یا تقصیر تمام محرّمات احرام حلال می شود غیر از استعمال بوی خوش و استفاده از زن که بعد از طواف نساء حلال خواهد شد، بلی مکروه است برای مردان پوشیدن لباس دوخته و پوشاندن سر تا بعد از سعی.

مسأله: در مواردی

که به جای قربانی بخواهد روزه بگیرد، با حلق یا تقصیر حلیت از محرمات حاصل می شود حتی اگر هنوز سه روز روزه را نگرفته باشد. و همچنین اگر وظیفه اش این بود که پول قربانی را در نزد شخص امینی بگذارد و گذاشت گرچه هنوز آن شخص قربانی را تهیه نکرده و ذبح نموده است با حلق یا تقصیر محرمات احرام حلال خواهد شد.

۷- طواف زیارت

مسئله: هفتم از واجبات حج تمتع: طواف حج تمتع است که طواف زیارت نام دارد، و این طواف مانند طواف عمره تمتع است در کلیه واجبات و شرایط آن، مگر در نیت، که چنین قصد می کند: طواف زیارت بجا می آورم برای حج تمتع قربۀ الی الله تعالی.

۸- دو رکعت نماز طواف

مسئله: هشتم از واجبات حج تمتع: دو رکعت نماز طواف حج تمتع است نزد مقام ابراهیم (ع) یا پشت آن، و این نماز با نماز طواف عمره تمتع فرقی ندارد مگر در نیت، که چنین نیت می کند: دو رکعت نماز طواف حج تمتع بجا می آورم قربۀ الی الله تعالی.

۹- سعی بین صفا و مروه

مسئله: نهم از واجبات حج تمتع: سعی بین صفا و مروه است. و کیفیت و شرایط آن مانند کیفیت سعی در عمره تمتع است، و تنها در نیت تفاوت دارد، و چنین قصد می کند: سعی بین صفا و مروه انجام می دهم برای حج تمتع قربۀ الی الله تعالی.

مسئله: بعد از این سعی تقصیر نیست، بر خلاف سعی در عمره.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۷۵

مسئله: بهتر این است که همان روز عید پس از انجام رمی جمره عقبه و قربانی و حلق یا تقصیر حاجی به مکه معظمه برود و اعمال مکه (طواف، نماز طواف و سعی) را انجام دهد گرچه تا روز سوم تأخیرش جایز است بدون کراهت، و تأخیرش تا آخر ذی الحجه جایز است با کراهت.

مسئله: تقدیم طواف حج و نماز طواف و سعی و همچنین طواف نساء و نمازش بر وقوفین در حال اختیار جایز نیست ولی برای افراد معذور اشکالی ندارد، مانند زنی که از حیض و نفاس ترس داشته باشد، و همچنین بیمار و پیر مرد و پیر زنی که بر اثر ازدحام انجام این اعمال بعد از منی بر آنها مشقت داشته باشد، و همینطور شخص مضطر می تواند آنها را تقدیم کند و پس از انجام اعمال منی و بیتوته آن مناسکش تمام و حجش صحیح است انشاء الله.

مسئله: با انجام

طواف حج و نماز طواف و سعی، استعمال بوی خوش نیز حلال می شود.

۱۰- طواف نساء.

۱۱- نماز طواف نساء.

مسأله: دهم و یازدهم از واجبات حج تمتع: طواف نساء و نماز طواف نساء است.

مسأله: کیفیت و شرایط این دو مانند کیفیت و شرایط طواف عمره تمتع و نمازش می باشد فقط در نیت فرق است، که در اینجا چنین قصد می نماید: طواف نساء بجا می آورم برای حج تمتع قربۀ الی الله تعالی، و نماز طواف نساء بجا می آورم برای حج تمتع قربۀ الی الله تعالی.

مسأله: با انجام طواف نساء و نماز آن زن نیز حلال می شود و این طواف با نمازش بر زن و مرد، کوچک و بزرگ، واجب است.

۱۲- بیتوته در منی

مسأله: دوازدهم از واجبات حج تمتع: بیتوته در منی است، یعنی: شب در منی بماند، و فرقی نمی کند که در این مدت خواب باشد یا بیدار.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۷۶

مسأله: ماندن شب یازدهم و دوازدهم ذی الحجّه (و در بعضی موارد نیز شب سیزدهم) در منی واجب است و لازم است به قصد قربۀ الی الله بماند، و چنین نیت می کند: امشب در منی بیتوته می کنم برای حج تمتع قربۀ الی الله تعالی.

مسأله: در سه مورد ماندن شب سیزدهم نیز واجب می شود:

۱- اگر در حال احرام شکار کرده باشد.

۲- چنانچه در حال احرام با زن نزدیکی کرده باشد.

۳- اگر تا غروب آفتاب روز دوازدهم از منی خارج نشده باشد.

مسأله: برای بیتوته در منی نیمی از شب کفایت می کند، چه نیمه اول شب باشد (از اول اذان مغرب تا نصف شب) یا نیمه آخر شب (از نصف شب تا اذان صبح) و مقصود از نصف شب: نیمه از اول اذان مغرب تا اذان صبح است، گرچه احوط مراعات نیمه تا طلوع آفتاب است برای کسی

که نیمه اول شب را در منی بیتوته می کند، و هرگاه عمداً بیتوته در منی را ترک نماید کفاره اش برای هر شب یک گوسفند است.

مسأله: اگر در منی نماند در چهار مورد معصیت نکرده و کفاره نیز ندارد:

۱- کسی که از مکه معظمه به قصد منی بیرون آمده و در بین راه به خواب رود.

۲- کسی که شب را در مکه بماند و حال آنکه نصف شب را به عبادت مشغول بوده است.

۳- اگر در منی جا نباشد یا عذری مانع آن شود مانند بیماری، یا ترس بر جان یا عرض یا مال خود داشته باشد.

۴- کسی که جاهل به حکم یا موضوع بوده، یا فراموش کرده، یا غافل بوده و یا عذر دیگری داشته باشد.

مسأله: چنانچه تا غروب آفتاب روز دوازدهم در منی ماند واجب است نیمی از شب سیزدهم را در منی بماند، و هر سه جمره را در روز سیزدهم رمی کند، و چنانچه عمداً نماند معصیت کرده و کفاره اش یک گوسفند است.

مسأله: برای شخص ضروره- یعنی کسی که اولین بار به حج مشرف می شود- مستحب است که شب سیزدهم را نیز در منی بماند و روز سیزدهم رمی کند، و همچنین کسی که مرتکب بعضی از محرمات احرام شده باشد، بلکه برای عموم حجاج بهتر است.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۷۷

مسأله: حاجی میتواند به جای بیتوته در منی، نیمی از شب را در شهر مکه مکرمه به عبادت مشغول شود مثلاً نماز یا قرآن یا دعا بخواند.

۱۳- رمی جمرات

مسأله: سیزدهم از واجبات حج تمتع: رمی (زدن سنگ ریزه) به جمرات سه گانه است (صغری و وسطی و عقبه) در روز یازدهم و

دوازدهم (و چنانچه ماندن شب سیزدهم در منی واجب بود روز سیزدهم نیز باید جمرات سه گانه را رمی نماید) به قصد قربه الی الله تعالی، و چنین نیت می کند: رمی می کنم این جمره را با هفت سنگ ریزه برای حج تمتع قربه الی الله تعالی.

مسأله: وقت رمی جمرات از اوّل طلوع آفتاب است تا غروب آفتاب و رعایت ترتیب لازم است، یعنی: اوّل هفت سنگ ریزه به جمره صغری. سپس هفت سنگ ریزه به جمره وسطی. سپس هفت سنگ ریزه به جمره عقبه می زند. که مجموعاً بیست و یک سنگ ریزه در هر روز می شود.

مسأله: افرادی که از رمی در روز معذورند مانند زنان و کودکان و بیماران و کسانی که از شلوغی یا از دشمن ترس دارند می توانند شب رمی نمایند.

مسأله: شخص مختار واجب است شخصاً رمی را انجام دهد و تا زمانی که مضطر نباشد نمی تواند نایب بگیرد و واجباتی را که در رمی جمره عقبه در روز عید ذکر شد اینجا نیز باید رعایت کند.

مسأله: موالات و پی در پی بودن در رمی هفت سنگریزه شرط نیست، بلی در فاصله زیاد باید اعاده کند، اما استراحت مختصر در بین آنها مانعی ندارد، و بین جمره صغری و وسطی و عقبه فاصله زیاد اشکال ندارد و می تواند اوّلی را اوّل صبح و دوّمی را ظهر و سوّمی را نزدیک غروب انجام دهد.

مسأله: اگر رمی سه جمره را عمداً ترک نمود معصیت کرده ولی حج او باطل نیست و کفّاره ندارد و موجب باقی ماندن هیچ یک از محرمات احرام نمی شود، و اگر جهلاً یا از روی فراموشی و اضطرار یا عذر دیگری

بود معصیت نکرده و کفاره ندارد ولی در تمام اقسام باید آن را قضا کند.

مسأله: اگر رمی جمرات را فراموش کند و به مکه مکرمه برود باید به منی برگردد و آن را قضا نماید، و چنانچه به یاد نیآورد تا اینکه به شهر خود بازگشت باید سال بعد خودش یا نایش آن را قضا کند.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۷۸

احکام عمره مفرده

مسأله: عمره مفرده مانند حج گاهی بالاصاله واجب است، و گاهی بالعرض واجب می شود، و گاهی مستحب می باشد.

مسأله: عمره مانند حج بر هر مستطعی که دارای شرایط است واجب می شود، و وجوبش مانند وجوب حج فوری است، پس کسی که مستطیع برای عمره شد هر چند برای حج مستطیع نباشد بنا بر احوط واجب است همان وقت عمره مفرده را بجا آورد.

مسأله: کسی که استطاعت حج ندارد ولی از طرف شخص دیگری برای حج تمتع اجیر شده وقتی اعمال حج نیابی تمام شد چنانچه در مکه استطاعت عمره مفرده را داشت گرچه برای حج استطاعت ندارد، علی الأحوط واجب است پس از پایان اعمال حج نیابی، فوراً برای خود عمره مفرده انجام دهد.

مسأله: اگر کسی برای انجام حج (افراد) یا (قران) استطاعت داشت اما عمره مفرده آنها مستطیع نبود واجب است حج (افراد) یا (قران) را انجام دهد و هر وقت برای عمره استطاعت پیدا کرد عمره را انجام دهد.

مسأله: کسی که برای حج تمتع اجیر شده و خودش برای حج مستطیع نبوده اگر پس از پایان اعمال حج نیابی، عمره مفرده را- که علی الأحوط واجب بوده- انجام نداد واجب است قضای آن را بجا آورد و اگر عمره را مفرده انجام داد و برای سالهای بعد

استطاعت حج پیدا کرد عمره تمتع و حج تمتع بر او واجب می شود.

مسأله: مستحب است که عمره مفرده را مکرراً انجام دهد و اولی این است که با فاصله یک ماه بجا آورده شود و ظاهراً فاصله بین دو عمره به ده روز کفایت می کند، در صورتی که هر دو عمره برای یک نفر باشد، البته با فاصله کمتر هم علی الأقرب مانعی ندارد.

مسأله: اگر عمره مفرده برای دو نفر یا بیشتر باشد، مثلاً برای چند نفر نایب شده، رعایت فاصله لازم نیست.

مسأله: همانطوری که عمره به استطاعت واجب می شود به نذر، عهد، قسم، شرط ضمن عقد، اجاره، صلح و امثال اینها نیز واجب می گردد، لکن باید عمره مفرده باشد نه عمره تمتع، چون عمره تمتع همراه با حج تمتع انجام می شود و به تنهایی صحیح نیست.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۷۹

اعمال عمره مفرده

مسأله: اعمال عمره مفرده عبارت است از:

۱- نیت.

۲- احرام.

۳- طواف.

۴- نماز طواف.

۵- سعی.

۶- تقصیر یا حلق.

۷- طواف نساء.

۸- نماز طواف نساء.

مسأله: عمره مفرده با عمره تمتع چند فرق دارد:

۱- در نیت، که در عمره مفرده چنین نیت می نماید: عمره مفرده بجا می آورم قربه الی الله تعالی، و در اعمال آن نیت میکنند: احرام می بندم برای عمره مفرده قربه الی الله تعالی، طواف بجا می آورم برای عمره مفرده قربه الی الله تعالی، نماز طواف بجا

می آورم برای عمره مفرده قربه الی الله تعالی، سعی بین صفا و مروه انجام می دهم برای عمره مفرده قربه الی الله تعالی، تقصیر می کنم برای عمره مفرده قربه الی الله تعالی، طواف نساء بجای می آورم برای عمره مفرده قربه الی الله تعالی، دو رکعت نماز طواف نساء می خوانم برای

عمره مفرده قریه الی الله تعالی.

۲- در عمره مفرده طواف نساء و نماز طواف نساء لازم است، ولی در عمره تمتع لازم نیست.

۳- عمره تمتع بجز در ماههای حج (شوال و ذی القعدة و ذی الحجه) واقع نمی شود و صحیح نیست، ولی عمره مفرده را می توان در تمام ماههای سال انجام داد، اما افضل ماه رجب و بعد از آن ماه رمضان است.

۴- بیرون آمدن از احرام در عمره تمتع منحصر به تقصیر است، و بیرون آمدن از احرام عمره مفرده به تقصیر و هم به سر تراشیدن می شود.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۸۰

۵- عمره و حج تمتع باید در یک سال باشد، ولی عمره مفرده و حج (افراد) چنین نیست، و کسی که حج (افراد) بر او واجب باشد اگر حج را در یک سال و عمره را در سال بعد بجا آورد صحیح است.

۶- میقات عمره تمتع یکی از میقاتهایی است که قبلاً گذشت، اما عمره مفرده هم از آنها و هم خارج از محدوده حرم (تنعیم یا جعرانه و حدیبیه و غیرش) می تواند باشد.

مسأله: عمره بر کسی که بخواهد وارد مکه معظمه شود واجب است، یعنی دخول در محدوده حرم بدون احرام حرام است به استثنای کسانی که قبل از گذشت یک ماه با احرام وارد مکه شده بودند و همچنین کسانی که مقتضای شغل آنها رفت و آمد و زیاد باشد، مانند راننده و سائط نقلیه.

احکام مصدود

مسأله: مصدود شخصی است که پس از بستن احرام برای عمره یا حج، از انجام اعمال آن منع شود.

مسأله: کسی که از عمره یا حج مصدود شود از همانجا قربانی نموده و از احرام بیرون می آید و

احتیاج ندارد تا روز عید صبر کند. و هرگاه از وقوف به عرفات و مشعر هردو منع شد از محلّ منع قربانی کرده و از احرام بیرون می آید، اما اگر از یکی از دو موقف منع شد دیگری را انجام می دهد با بقیه اعمالش و حجّش صحیح است.

مسأله: اگر از اعمال سه گانه در منی یا از بعض آن منع شد در صورت امکان نایب می گیرد و اگر قدرت بر نایب گرفتن نداشت حکم مصدود بر او جاری است. و اگر از اعمال مکه بعد از منی ممنوع شد چنانچه منع تا آخر ذی الحجّه ادامه پیدا کند، احکام مصدود جاری است، و اگر تا آخر ذی الحجّه شخصاً از انجام اعمال تمکّن پیدا کرد باید شخصاً انجام دهد و حجّش صحیح است. و هرگاه منع شود از برگشت به منی در صورتی که اعمال مکه را انجام داده باید برای اعمال منی نایب بگیرد، و اگر در همان سال ممکن نبود برای سال آینده نایب می گیرد و حجّش صحیح است.

مسأله: در صورتی که شخص مصدود از سالهای قبل مستطیع بوده و یا اینکه استطاعتش برای آینده باقی بماند حج در آینده بر او واجب است، و الاّ وجوب حج ساقط می شود.

احکام محصور

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۸۱

مسأله: محصور کسی است که پس از احرام به جهت بیماری نتواند اعمال مربوطه را انجام دهد در این صورت بیرون آمدن از احرام متوقّف است بر کشتن قربانی، و باید یا در محل حصر قربانی کند یا اینکه قربانی را به مکه بفرستد اگر محصور از عمره بوده، و به منی اگر محصور از حج باشد، و پس از

انجام قربانی از احرام بیرون می آید.

مسأله: چنانچه در عمره مفرده محصور شد می تواند در محلّ حصر قربانی نماید و از احرام بیرون بیاید و می تواند به وسیله همسفریها قربانی را به مکه معظمه بفرستد و روز و ساعت قربانی را تعیین نماید، و پس از آن ساعت از احرام بیرون بیاید و تمام محرّمات احرام بر او حلال می شود جز استفاده از زن و زمانی زن بر او حلال خواهد شد که عمره را دوباره انجام دهد.

مسأله: اگر در عمره تمتّع محصور شد همان حکم قبلی را دارد و زن بر او وقتی حلال می شود که در آینده عمره تمتّع و حج را انجام دهد، البتّه این حکم در عمره واجب است ولی در مستحب تا قربانی انجام شد و از احرام بیرون آمد استفاده از زن نیز حلال می شود.

مسأله: اگر بعد از احرام حج از وقوف به عرفات و مشعر هر دو محصور شد حج از او فوت شده و باید عمره مفرده بجا آورد و از احرام بیرون آید، و اگر از یکی از دو وقوف محصور شد و دیگری را درک نمود حکم محصور را ندارد و حجّش صحیح است. و چنانچه هر دو وقوف یا یکی از آنها را درک کرد ولی تا بعد از اعمال منی بیمار شد اگر امکان برگشت به منی دارد باید برگردد و اعمال آنجا را قضا نماید و اگر شخصاً امکان ندارد باید برای قربانی و رمی نایب بگیرد، و با حلق یا تقصیر از احرام بیرون بیاید. و اگر بعد از منی از اعمال مکه محصور شد چنانچه تا آخر ذی الحجه امکان انجام اعمال را

دارد باید شخصاً انجام دهد و اگر چنین امکانی نیست نایب بگیرد و کفایت می کند.

مسأله: هرگاه از جمیع مناسک منی و مکه محصور شود باید قربانی کند و از احرام بیرون بیاید و چنانچه تا سال دیگر در استطاعت باقی بماند یا اینکه از قبل بر عهده او حج مستقر بوده باشد باید حج را در سال بعد بجا آورد.

نماز در شهر مدینه و مکه

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۸۲

مسأله: مسافر میتواند نماز خود را در شهر مدینه و شهر مکه تمام بخواند و فرقی بین شهر قدیم و جدید نیست.

و الله العالم.

سبحان ربِّك ربِّ العزّه عمّا يصفون، و سلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمّد و آله الطيبين الطاهرين.

قم المقدسه

محمد الشيرازي

آداب حج

اعمال و دعاهاى مستحب

آداب سفر

۱- كسى كه قصد حج دارد، مستحب است از خداوند طلب خير كند، بر خدا توكل نمايد، صدقه بدهد و اين دعا را بخواند:

(اللهم انى اشترت بهذه الصدقه سلامتي و سلامه سفرى، اللهم احفظنى واحفظ ما معى و سلمنى و سلم ما معى و بلغنى و بلغ ما معى ببلاغك الحسن الجميل).

و همچنين مستحب است وصيت نمايد مخصوصاً اگر حقوق واجبي بر ذمه او باشد.

۲- مستحب است هنگام سفر با اهل و عيال خودش وداع كند و آنها را به خدا بسپارد و دو ركعت يا چهار ركعت نماز بجا آورد و سپس اين دعا را بخواند:

اللهم انى استودعك نفسى و اهلى و مالى و ذريتى و دنياى و آخرتى و امانتى و خاتمه عملى).

۳- مستحب است هنگام سفر به دوستان و آشنايان خبر دهد. پيامبر (ص) فرمودند: حق است بر مسلمان هنگام سفر برادرانش

را آگاه سازد، و بر آنها حق است که هنگام بازگشت به دیدارش روند.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۸۳

۴- مستحب است هنگام سفر سوره ها و آیات و دعاهائی که در این زمینه وارد شده بخواند، مانند: (بسم الله الرحمن الرحيم) و آیاهالکرسی و سوره های حمد و قدر و فلق و ناس (معوذتین) و همچنین تسبیحات حضرت زهراء سلام الله علیها.

۵- مستحب است

با گروهی مسافرت کند، نه به تنهایی، و در سفر، کریم و خوش اخلاق باشد.

آداب احرام

۶- مستحب است برای احرام، خود را پاکیزه کند، ناخن و شارب را بگیرد، موهای بدن را زائل کند و غسل احرام نماید و اگر بدون غسل، احرام بست مستحب است غسل کند و دوباره احرام ببندد.

۷- مستحب بعد از غسل احرام این دعا را بخواند:

(بسم الله و بالله، اللهم اجعله لي نوراً و طهوراً و حرزاً و أمناً من كل خوف و شفاءً من كل داء و سيقم، اللهم طهرني و طهر قلبي و اشرح صدري، و أجر علي لسانی محبتك و مدحتك و الثناء عليك، فإنه لا قوة لي إلا بك، و قد علمت أن قوام ديني التسليم لك و الإتيان لسنة نبيك صلواتك عليه و آله).

۸- مستحب است که بعد از نماز احرام ببندد و بهتر است پس از نماز ظهر باشد، و بعد از نماز حمد و ثنای الهی و صلوات بر محمد و آل محمد (ص) بفرستد، و این دعا را بخواند:

(اللهم إني أسألك أن تجعلني ممن استجاب لك، و آمن بوعدك، و أتبع أمرك فإني عبدك و في قبضتك لا اوقى إلا ما وقيت و لا آخذ إلا ما أعطيت، و قد ذكرت الحج فأسألك أن تعزم لي عليه على كتابك و سنة نبيك صلواتك عليه و آله، و تقويني على ما ضعفت و تسلم مني مناسكي في يسر منك و عافيه، واجعلني من وفدك الذي رضى و ارتضى و سميت و كنيته، اللهم إني خرجت من شقه بعيدة و أنفقت مالي ابتغاء مرضاتك، اللهم فتمم لي حجتى و عمرتى، اللهم إني أريد التمتع بالعمرة إلى الحج على كتابك و سنة

نَبِيَّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي فَحَلْنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي بِقَدْرِكَ الْهَدَى قَدَّرْتَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَجَّهَ فَعَمْرَه، أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَبَشْرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَمَخِي وَعَصْبِي مِنَ النَّسَاءِ وَالثِّيَابِ وَالطَّيْبِ، أَسْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَالذَّارَ الْآخِرَةَ).

سپس نیت احرام کند، و مستحب است نیت را به زبان بیاورد. سپس بگوید:

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۸۴

(لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَأَنْعَمَهُ لَكَ وَالْمَلِكُ، لَا شَرِيكَ لَكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذَّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلِيهِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَبْدِيءَ وَالْمَعَادِ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَسْتَغْنِي وَيُفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْغُوبًا وَمَرْهُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النِّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَّافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدَكَ وَابْنَ عَبْدِكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمَ لَبَّيْكَ).

و بگوید:

(لَبَّيْكَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمَحْمَدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ بِحَجَّهِ أَوْ عَمْرِهِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ وَهَذِهِ عَمْرُهُ مَتَعَهُ إِلَى الْحَجِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلِيهِ لَبَّيْكَ، تَلِيهِ تَمَامَهَا وَبَلَاغَهَا عَلَيْكَ).

۹- مستحب است که در جامه پنبه و سفید احرام ببندد.

آداب ورود به حرم

۱۰- مستحب است برای وارد شدن در محدوده حرم غسل کند، و در وقت دخول حرم این دعا را بخواند:

(اللَّهُمَّ إِنَّكَ قَلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقَّ: وَ أَدَّنَ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تَوَكُّرَ رَجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، قَدْ جِئْتُ مِنْ شَقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجٍّ عَمِيقٍ، سَامِعًا لِنِدَائِكَ، وَمَسْتَجِيبًا لَكَ، مَطِيعًا لِأَمْرِكَ، وَكُلَّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ

و إحصانك إلیّ فلك الحمد علی ما وفقتنی له، أبتغی بذلك الزلفه عندك، والقربه إلیك، والمنزله لیدیك، والمغفره لذنوبی، والتوبه علیّ منها بمنك، اللهم صلّ علی محمد و آل محمد، و حرّم بدنی علی النار، و آمّنّی من عذابك و عقابك، برحمتك یا أرحم الراحمین).

آدب ورود به شهر مکه و مسجد الحرام

۱۱- مستحب است برای ورود به مکه معظمه و مسجدالحرام غسل کند و چون داخل شهر مکه شود با آرامش تن و دل باشد و با کمال خضوع و خشوع وارد مسجدالحرام گردد.

۱۲- مستحب است از در (بنی شیبه) که گفته می شود فعلاً (باب السلام) است داخل شود، و بر در مسجدالحرام ایستاده و بگوید:

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۸۵

(السلام علیک ایها النبی و رحمه الله و برکاته، بسم الله و بالله و ما شاء الله، السلام علی أنبیاء الله، السلام علی رسول الله، السلام علی إبراهیم خلیل الله، والحمد لله ربّ العالمین).

و در روایت دیگر وارد شده است که بگوید:

(بسم الله و بالله و من الله و إلی الله، و ماشاء الله، و علی ملّه رسول الله صلّی الله علیه و آله، و خیر الأسماء لله والحمد لله، و السلام علی رسول الله، السلام علی محمد بن عبد الله، السلام علیک ایها النبی و رحمه الله و برکاته، السلام علی أنبیاء الله و رسله، السلام علی إبراهیم خلیل الرحمن، السلام علی المرسلین والحمد لله ربّ العالمین، السلام علینا و علی عباد الله الصّالحین، اللهم صلّ علی محمد و آل محمد، و بارک علی محمد و آل محمد، و ارحم محمداً و آل محمد، كما صلّیت و بارکت و ترخّمت علی إبراهیم و آل إبراهیم إنک حمید مجید، اللهم صلّ علی عبدك

و رسولك، اللهم صلّ على إبراهيم خليلك، و على أنبيائك و رسلك، و سلّم عليهم، و سلام على المرسلين، والحمد لله ربّ العالمين، اللهم افتح لى أبواب رحمتك واستعملنى فى طاعتك و مرضاتك واحفظنى بحفظ الايمان أبداً ما أبقيتنى، جلّ ثناء وجهك، الحمد لله الذى جعلنى من وفده و زوّاره، و جعلنى ممّن ينجيه، اللهم إننى عبدك و زائرُك فى بيتك، و على كلّ ما أتى حقّ لمن أتاه و زاره، و أنت خير ما أتى و أكرم مزور، فأسألك يا الله يا رحمن بأنك أنت الله لا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك و بأنك واحد أحد صمد لم يلد و لم يولد ولم يكن لك كفواً احد، و أن محمّداً عبدك و رسولك صلّى الله عليه و على أهل بيته، يا جواد يا ماجد، يا جبار يا كريم، أسألك أن تجعل تحفتك اياى بزيارتى إياك أوّل شىء تعطينى فكاك رقبتي من النار).

و سه مرتبه بگويد:

(اللهم فك رقبتي من النار)

و بگويد:

و أوسع على من رزقك الحلال الطيب، و ادراً عني شرّ شياطين الجنّ و الإنس و شرّ فسقه العرب و العجم).

و داخل مسجد الحرام شود و بگويد:

(بسم الله و بالله و على مله رسول الله).

و دستها را بردارد، و رو به كعبه معظّمه كند، و اين دعا را بخواند:

(اللهم إننى أسألك فى مقامى هذا وفى أوّل مناسكى، أن تقبل توبتى، و أن تتجاوز عن خطيئتى، و أن تضع عني وزرى، الحمد لله الذى بلغنى بيته الحرام، اللهم أنى اشهدك أنّ هذا بيتك الحرام، الذى جعلته مثابه للناس،

رساله مناسك حج (طبع جديد)، ص: ٨٦

و أمناً مباركاً، و هدى للعالمين، اللهم إنّ العبد عبدك و البلد بلدك، جئت اطلب رحمتك و أوّم طاعتك، مطيعاً لأمرك،

راضياً بقدرک، أسألك مسأله الفقير إليك، الخائف لعقوبتك، اللهم افتح لی ابواب رحمتک واستعملنی بطاعتک و مرضاتک).

پس خطاب به کعبه معظمه کند و بگوید:

(الحمد لله الذی عظمک و شرفک و کرمک، و جعلک مثابه للناس و أمناً مبارکاً و هدیً للعالمین).

و هنگامی که نظرش بر حجرالأسود افتاد، رو به سوی آن کند و بگوید:

(الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا أن هدانا الله، سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله و الله أكبر، الله أكبر من خلقه، و الله أكبر ممن أخشى و أحذر، لا إله إلا الله وحده لا شریک له، له الملك وله الحمد، یحیی و یمیت، و یمیت و یحیی، و هو حی لا یموت، بیده الخیر و هو علی کل شیء قدير، اللهم صلّ علی محمّد و آل محمّد و بارک علی محمّد و آله، كأفضل ما صلّیت و بارکت و ترخمت علی إبراهیم و آل إبراهیم إنک حمیدٌ مجیدٌ، و سلامٌ علی جمیع النبیین والمرسلین، والحمد لله ربّ العالمین، اللهم إنی أؤمن بوعدک و اصدق رسلك و أتبع کتابک).

سپس با وقار و آرامش روانه شود و گامها را کوتاه بردارد، و چون نزدیک حجرالأسود رسید دستها را بردارد و حمد و ثنای الهی بجا آورد و صلوات بر محمّد و آل محمّد بفرستد و بگوید:

(اللهم تقبل منی).

۱۳- مستحب است دست و صورت و بدنش را به حجرالأسود بمالد و آن را بیوسد و اگر نتوانست اشاره کند و بگوید:

(اللهم أمانتی أدیتها، و میثاقی تعاهدته لتشهد لی بالموافاه، اللهم تصدیقاً بکتابک، و علی سنّه نبیک، صلواتک علیه و آله، أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شریک

لَهُ، و أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدَهُ وَ رَسُولَهُ، آمَنْتَ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتَ بِالْحَبِيبِ وَ الطَّاعُوتِ وَ بِاللَّاتِ وَ الْعَزَى وَ عِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَ عِبَادَةِ كُلِّ نَدٍّ يَدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ).

و اگر نتواند همه این دعاها را بخواند بعضی از آن را بخواند و بگوید:

(اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي، وَ فِيمَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِي، فَاقْبَلْ حَجَّتِي وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ وَ مَوَاقِفِ الْخَزْيِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ).

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۸۷

آداب طواف

۱۴- مستحب است در حال طواف سر برهنه، پا برهنه، مشغول دعا و ذکر الهی باشد، و گامها را کوچک بردارد، و آنچه را که در نماز مکروه است ترک کند، و این دعا را بخواند:

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَمْشِي بِهِ عَلَى طَلْلِ الْمَاءِ، كَمَا يَمْشِي بِهِ عَلَى جَدِّ الْأَرْضِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ أَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةَ مِنْكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ أْتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ، أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا) وَ حَاجَتِ خُودِ رَا بَطْلِبِد.

۱۵- مستحب است در حال طواف بگوید:

(اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ، وَ إِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ، فَلَا تَغَيِّرْ جِسْمِي، وَلَا تَبَدِّلْ اسْمِي).

۱۶- مستحب است در هر شوط که به درب خانه کعبه معظّمه می رسد، صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و این دعا را بخواند:

(سَأَلْتُكَ فَقِيرٌ، مَسْكِينٌ بِبَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ الْبَيْتَ بَيْتِكَ، وَ الْحَرَمَ حَرَمَكَ، وَ الْعَبْدَ عَبْدَكَ، وَ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ، الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ، فَاعْتَقِنِي وَ وَالِدِي وَ أَهْلِي وَ وَلَدِي وَ إِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ، يَا

جواد یا کریم).

و هنگامی که به حجر حضرت اسماعیل (ع) رسید به ناودان طلا نگاه کند و بگوید:

(اللهم أدخلني الجنة برحمتك و أجرني من النار برحمتك وعافني من السيِّم، و أوسع علي من الرزق الحلال، وادء عني شر فسقه الجن والإنس، و شر فسقه العرب والعجم).

و وقتی از حجر گذشت و به پشت کعبه رسید بگوید:

(يا ذا المنّ والطول، والجود والكرم، إنّ عملي ضعيفٌ فضاعفه لي و تقبله منّي، إنّك أنت السميع العليم).

و وقتی به رکن یمانی رسید دستها را بردارد و بگوید:

(يا الله، يا ولي العافيه، و خالق العافيه، و رازق العافيه، والمنعم بالعافيه، والمتفضل بالعافيه علي و على جميع خلقك، يا رحمن الدنيا والآخرة و رحيمهما، صلّ على محمّد و آل محمّد، وارزقنا العافيه، و دوام العافيه، و تمام العافيه، و شكر العافيه في الدنيا والآخرة، يا أرحم الراحمين).

پس به طرف کعبه مکرمه سرخود را بالا کند و بگوید:

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۸۸

(الحمد لله الذي شرّفك و عظّمك، والحمد لله الذي بعث محمّداً نبياً و جعل علياً إماماً، اللهم اهد له خيار خلقك و جنبه شرار خلقك).

و هنگامی که میان رکن یمانی و حجر الأسود رسید بگوید:

(ربنا آتنا في الدنيا حسنه، و في الآخرة حسنه، و قنا عذاب النار).

و وقتی در شوط هفتم به مستجار رسید- و آن پشت کعبه است نزدیک رکن یمانی- برابر در کعبه بایستد و دستها را به دیوار کعبه معظّمه بگذارد و صورت و بدن خود را به کعبه بچسباند و بگوید:

(اللهم البيت بيتك، والعبد عبدك، و هذا مقام العائذ بك من النار، اللهم من قبلك الرّوح والفرج والعافيه، اللهم إنّ عملي ضعيفٌ فضاعفه لي، واغفر لي ما اطلعت

عليه منى و خفى على خلقك، استجير بالله من النار).

و بگويد:

(اللهم عندى أفواجاً من ذنوب، و أفواجاً من خطايا، و عندك أفواج من رحمه، و أفواج من مغفره، يا من استجاب لأبغض خلقه إذ قال انظرنى إلى يوم يبعثون استجب لى).

پس حاجت خود را بطلبید، و بسیار دعا کنید، و به گناهان خود اقرار کنید، و طلب آمرزش نمایید، که البته آمرزیده می شود انشاء الله تعالى.

و هنگامی که به حجرالأسود رسید بگويد:

(اللهم قننى بما رزقتنى و بارك لى فيما آتيتنى).

آداب نماز طواف

۱۷- مستحب است در نماز طواف در رکعت اول بعد از حمد سوره توحيد و در رکعت دوّم سوره جحد را بخواند، و بعد از نماز حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و از خداوند طلب قبول کند، و بگويد:

(اللهم تقبل منى، ولا تجعله آخر العهد منى، الحمد لله بمحامده كلها، على نعمائه كلها، حتى ينتهى الحمد إلى ما تحب و ترضى، اللهم صل على محمد و آل محمد، و تقبل منى، و طهر قلبى، و زكّ عملى).

و در بعضی از روایات آمده که بگويد:

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۸۹

(اللهم ارحمنى بطاعتى إياك و طاعتى رسولك صلى الله عليه و آله، اللهم جنبنى أن أتعدى حدودك، واجعلنى ممن يحبك و يحب رسولك صلى الله عليه و آله، و ملائكتك و عبادك الصالحين).

پس به سجده رود و بگويد:

(سجد لك و جهى تعبداً و رقاً، لا إله إلا أنت حقاً حقاً، الأول قبل كل شىء، و الآخر بعد كل شىء و ها أنا ذا بين يديك، ناصيتى بيدك، فاغفر لى، إنه لا يغفر الذنب العظيم غيرك، فاغفر لى فإنى مقرّ بذنوبى

علی نفسی، ولا یدفع الذنب العظیم غیرک).

آداب سعی

۱۸- وقتی می خواهد سعی کند مستحب است به نزد حجرالأسود آمده آن را ببوسد و دستها یا بدنش را بر آن بمالد یا به آن اشاره کند، پس نزد چاه زمزم بیاید و از آب آن بنوشد و بر خودش بریزد، و این دعا را بخواند:

(اللهم اجعله علماً نافعاً، و رزقاً واسعاً، و شفاهً من كلِّ داءٍ و سقمٍ).

پس متوجه صفا شود از دری که برابر حجرالأسود است، و آن دری است که حضرت رسول (ص) از آن بیرون رفتند، و مستحب است با آرامش تن و روان بالای کوه صفا برود تا نظر کند به خانه کعبه، و رو به رکن عراقی کند، و حمد و ثنای الهی بنماید، و نعمتهای الهی را به خاطر آورد، و هفت بار (الله اکبر) بگوید، و هفت بار (الحمد لله) و هفت بار (لا اله الا الله) و سه مرتبه:

(لا- إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، يحيى ويميت، و هو حي لا يموت، و هو على كلِّ شىء قديرٌ).

پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و سه بار بگوید:

(الله أكبر على ما هدانا، الحمد لله على ما أولانا، والحمد لله الحي القيوم، والحمد لله الحي الدائم).

پس سه بار بگوید:

(أشهد أن لا إله إلا الله، و أشهد أن محمداً عبده و رسوله، لا نعبد إلا إياه، مخلصين له الدين ولو كره المشركون).

و سه مرتبه بگوید:

رساله مناسك حج (طبع جديد)، ص: ۹۰

(اللهم إني أسألك العفو والعافيه واليقين في الدنيا والآخرة).

و سه مرتبه بگوید:

(اللهم آتنا في الدنيا حسنه، و في الآخرة حسنه،

و قنا عذاب النار).

پس صد مرتبه (الله اكبر) و صد مرتبه (لا اله الا الله) و صد مرتبه (الحمد لله) و صد مرتبه (سبحان الله) بگويد.

سپس بگويد:

(لا إله إلا الله وحده وحده، أنجزه وعده، و نصر عبده، و غلب الأحزاب وحده، فله الملك و له الحمد وحده، اللهم بارك لي في الموت و فيما بعد الموت، اللهم إني أعوذ بك من ظلمه القبر، و وحشته، اللهم أظلني في ظلّ عرشك يوم لا ظلّ إلا ظلك).

و بسيار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل و مال خود را به خداوند و بگويد:

(أستودع الله الرحمن الرحيم، الذي لا تضيع و دائع، ديني و نفسي و أهلي و مالي و ولدي، اللهم استعملني على كتابك و سنّه نبّيك، و توفّني على ملّته و أعذني من الفتنه).

پس سه مرتبه (الله أكبر) بگويد و دو مرتبه دعای سابق را بخواند، و يك بار تكبير بگويد و بخواند دعای سابق را.

و نیز مستحب است كه اين دعا را بخواند:

(اللهم اغفر لي كلّ ذنب أذنبته قطّ، فإن عدت فعد عليّ بالمغفره، فإنّك أنت الغفور الرحيم، اللهم افعل بي ما أنت أهله، فإنّك إن تفعل بي ما أنت أهله ترحمني، و إن تعدّني فأنت غنيّ عن عذابي، و أنا محتاجٌ إلى رحمتك، فيا من أنا محتاجٌ إلى رحمته ارحمني، اللهم لا- تفعل بي ما أنا أهله، فإنّك إن تفعل بي ما أنا أهله، تعدّني ولم تظلمني، أصبحتُ أتقى عدلك و لا أخاف جورك، فيا من هو عدلٌ لا يجور ارحمني).

سپس بگويد:

(يا من لا يخيب سائله و لا ينفد نائله، صلّ على محمّد و آل محمّد و أعذني من النار برحمتك).

۱۹- در حديث آمده است:

کسی که می خواهد ثروتش زیاد شود ایستادن در صفا را طول دهد.

۲۰- مستحب است در پایه چهارم صفا رو به کعبه این دعا را بخواند:

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۹۱

(اللهم إني أعوذ بك من عذاب القبر، وفتنه و غربته و وحشته و ظلمته، اللهم أظلني في ظلّ عرشك يوم لا ظلّ إلا ظلك).

پس از آن پایه پایین بیاید و پشت خود را برهنه کند و بگوید:

(يا ربّ العفو، يا من أمر بالعفو، يا من هو أولى بالعفو، يا من يثيب على العفو، العفو، العفو، يا جواد، يا كريم، يا كريم، يا قريب، يا بعيد، اردد عليّ نعمتك واستعملني بطاعتك و مرضاتك).

۲۱- مستحب است در حال سعی وقتی به مناره رسید بگوید:

بسم الله و بالله، و الله أكبر، و صلّى الله على محمّد و أهل بيته، اللهم اغفر وارحم و تجاوز عمّيّا تعلم، إنك أنت الأعزّ الاكرم، واهدني للتي هي أقوم، اللهم إنّ عملي ضعيفٌ فضاعفه لي و تقبل منّي، اللهم لك سعيي و بك حولي و قوتي، تقبل منّي عملي يا من يقبل عمل المتّقين).

۲۲- مستحب است در حال سعی از مناره تا مناره بعدی که با چراغهای سبز معین شده است، تند برود (هروله کنان) و وقتی از آنجا گذشت بگوید:

(يا ذا المنّ والفضل والكرم والتّعماء والجود، اغفر لي ذنوبي إنّه لا يغفر الذّنوب إلا أنت).

۲۳- و مستحب است وقتی به مروه رسید دعای اوّل صفا را بخواند و بگوید:

(اللهم يا من أمر بالعفو، يا من يحبّ العفو، يا من يعطي على العفو، يا من يعفو على العفو، يا ربّ العفو، العفو العفو).

۲۴- مستحب است در حال سعی خود را به گریه

وآدارد و گریه کند و بسیار دعا نماید و این دعا را بخواند:

(اللهم إني أسألك حسن الظن بك على كل حال، و صدق التّيه في التّوكل عليك).

آداب عرفات

۲۵- مستحب است وقتی متوجه عرفات شد این دعا را بخواند:

(اللهم إليك صمدت، و إياك اعتمدت، و وجهك أردت، أسألك أن تبارك لي في رحلتی و أن تقضى لي حاجتی و أن تجعلني ممن تباهي به اليوم من هو أفضل مني).

رساله مناسك حج (طبع جدید)، ص: ۹۲

۲۶- در عرفات مستحب است با طهارت باشد، و رو به قبله کند و دل خود را متوجه حق سبحانه و تعالی سازد، و حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و تمجید و تهلیل بکند، و صد بار (الله اکبر) و صد بار (الحمد لله) و صد بار (سبحان الله) و صد بار (لا اله الا الله) بگوید، و صد بار (آیه الکرسی) بخواند و صد بار صلوات بر محمد و آل محمد (عليهم السلام) بفرستد، و صد مرتبه سوره (إنّا أنزلنا) بخواند، و صد مرتبه (لا حول ولا قوه الا بالله) بگوید، و صد مرتبه (قل هو الله أحد) بخواند، و حاجات خود را بطلبد، و سعی کند در دعا که این روز، روز دعا و مسئلت است، و هیچ چیز نزد شیطان خوشتر از آن نیست که انسان را از خداوند متعال غافل سازد. و از شرّ شیاطین به خدا پناه برد، و متوجه خود باشد و به دل و زبان استغفار بگوید، و گناهان خود را بشمارد و گریه کند و اگر نتواند، خود را به گریه و آدارد و دعا کند از برای پدر و مادر و برادران

مؤمن خود، و اقل آن چهل نفر می باشد.

و تمام این زمان را صرف دعا و استغفار و ذکر کند که بعضی از علما به وجوب آن قائل شده اند. و در حدیث آمده که ملکی موکل است تا آنچه شخص برای برادر مؤمن خویش بطلبد، آن ملک از حق تعالی از برای او صد هزار مانند آن را بطلبد.

۲۷- مستحب است دعاهای وارد شده در روز عرفه را بخواند، بویژه دعای صحیفه سجّادیه، و دعای حضرت امام حسین (ع)، و بعضی از اعمال روز عرفه را در آخر کتاب بیان نموده ایم.

۲۸- مستحب است در عرفات این دعا را بخواند:

(اللهمّ إنّي عبدك، فلا تجعلني من أخيب وفدك، وارحم مسيري إليك، من الفج العميق، اللهم ربّ المشاعر كلّها فك ربّتي من النار، و أوسع عليّ من رزقك الحلال، و ادراً عنّي شرّ فسقه الجنّ و الإنس، اللهم لا تمكر بي ولا تخدعني ولا تستدرجني، اللهمّ إنّي أسألك بحولك و جودك و كرمك و منّك و فضلك، يا أسمع السّامعين و يا أبصر الناظرين و يا أسرع الحاسبين و يا أرحم الرّاحمين أن تصلّي عليّ محمّد و آل محمّد و أن تفعل بي كذا و كذا).

و حاجت خود را بطلبد و دست به آسمان بردارد و بگوید:

(اللهمّ حاجتي إليك إن أعطيتها لم يضرنّني ما منعت و إن منعتها لم ينفعني ما أعطيت، أسألك خلاص ربّتي من النار، اللهمّ إنّي عبدك و ملك يدك، ناصيتي بيدك و أجلى بعلمك، أسألك أن توفّقني لما يرضيك، و أن

رساله مناسك حج (طبع جدید)، ص: ۹۳

تسلّم منّي مناسکی الّتی أریتها خلیلک إبراهیم صلوات الله علیه و دللت علیها نبیک محمّدا صلّی الله علیه و آله، اللهمّ اجعلنی ممّن رضیت عمله

و أطلت عمره و أحیته بعد الموت حياه طیبه).

و سپس بگوید:

(لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، يحيى ويميت، وهو حي لا يموت، بيده الخير، وهو على كل شيء قدير، اللهم لك الحمد كالذي تقول و خيراً ممّا تقول و فوق ما يقول القائلون، اللهم لك صلاتي و نسكي و محياي و مماتي، و لك تراثي و بك حولي و منك قوتي، اللهم إني أعوذ بك من الفقر و من وساوس الصيِّد و من شتات الأمر و من عذاب القبر، اللهم إني أسألك خير الرِّيح و أعوذ بك من شرِّ ما يجيء به الرِّيح، و أسألك خير الليل و خير النهار، اللهم اجعل في قلبي نوراً و في سمعي نوراً و بصري نوراً و في لحمي و دمي و عظامي و عروقي و مقعدي و مقامي و مدخلي و مخرجي نوراً، و أعظم لي نوراً يا ربِّ يوم القاك، إنك على كلِّ شيء قدير).

و تا بتواند در این روز از خیرات و صدقات کوتاهی نکند.

۲۹- مستحب است در عرفات رو به قبله کند و صد مرتبه بگوید:

(سبحان الله والله أكبر و ما شاء الله ولا قوه إلا بالله، أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك و له الحمد، يحيى و يميت، و هو حي لا يموت، بيده الخير و هو على كلِّ شيء قدير). پس دو آیه اوّل سوره بقره را بخواند، و بعد (قل هو الله احد) را سه بار بخواند.

پس از آن آیه الكرسي بخواند، سپس این آیات را که در سوره اعراف می باشد بخواند:

(إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ

استوى على العرش يغشى الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بأمره ألا له الخلق والأمر تبارك الله رب العالمين، ادعوا ربكم تضرعا وخفيه إنه لا يحب المعتدين، ولا تفسدوا فى الأرض بعد إصلاحها وادعوه خوفاً وطمعاً إن رحمة الله قريب من المحسنين).

سپس (معوذتین) را بخواند. و بعد نعمتهای الهی را تا جائی که می تواند یک یک بشمارد و بگوید:

(لك الحمد على نعمائك التي لا تحصى بعدد ولا تكافى بعمل).

و حمد کند خدای سبحانه و تعالی را به هر آیه که حمد کرده است خداوند خود را در قرآن، و تکبیر کند به هر تکبیری که خداوند خود را تکبیر کرده است در قرآن، و تهلیل کند به هر (لا إله إلا الله) که حق سبحانه

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۹۴

و تعالی تهلیل خود کرده است در قرآن، و صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) بسیار بفرستد، و دعا کند حق سبحانه و تعالی را به هر نامی که خدا خود را به آن نام خوانده است در قرآن، و به هر اسمی که می داند و به اسامی آخر سوره حشر و بگوید:

(أسألك يا الله يا رحمن بكل اسم هو لك، و أسألك بقوتك و قدرتك و عزتك و جميع ما أحاط به علمك و بأركانك كلها، و بحق رسولك صلواتك عليه و آله، و باسمك الأكبر الأكبر، و باسمك العظيم الذى من دعاك به كان حقاً عليك أن لا تردّه و أن تعطيه ما سألك، أن تغفر لى جميع ذنوبى فى جميع علمك فى).

و هر حاجت که دارد از خدا بخواهد، و از حق سبحانه و تعالی طلب

کند که هر سال موفق به حج شود.

و هفتاد مرتبه بگوید: (أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ) و هفتاد مرتبه (أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ).

پس بخواند دعائی که جبرئیل در این مقام به حضرت آدم (ع) تعلیم نمود تا توبه اش قبول شود:

(بِحَانِكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، عَمِلْتُ سُوءًا وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْتَرَفْتُ بِذُنُوبِي فَاعْفُرْ لِي إِنَّكَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ، سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَمِلْتُ سُوءًا وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْتَرَفْتُ بِذُنُوبِي فَاعْفُرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ).

۳۰- و نزدیک غروب آفتاب روز عرفه بگوید:

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنَ تَشْتَّتِ الْأَمْرِ وَ مِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، أَمْسَى ظَلَمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ، وَ أَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ، وَ أَمْسَى ذَلِي مُسْتَجِيرًا بِعِزَّتِكَ، وَ أَمْسَى وَجْهِي الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ، يَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْحَمَ جَلَلَنِي بِرَحْمَتِكَ، وَ أَلْبَسَنِي عَافِيَتِكَ، وَ اصْرَفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ).

آداب مشعر الحرام (مزدلفه)

۳۱- پس با آرامش روانه شود به طرف مشعر الحرام و استغفار کند و این دعا را بخواند:

(اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ، وَ ارْزُقْنِي الْعُودَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَ أَقْلِبْنِي الْيَوْمَ مَفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي، مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَ حِجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَ اجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ، وَ اعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أُعْطِيتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَ الْبِرِّ وَ الرِّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ وَ الْمَغْفَرَةِ، وَ بَارِكْ لِي فِي مَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ وَ بَارِكْ لَهُ فِي).

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۹۵

و بسیار بگوید: (اللَّهُمَّ اعْتَقِنِي مِنَ النَّارِ).

۳۲- مستحب است وقتی متوجه مشعر الحرام می شود با آرامش تن و

دل باشد و استغفار کند و چون به تل سرخ رسید بگوید:

(اللهم ارحم موقفي، و زد فی عملی، و سلم لی دینی، و تقبل مناسکی).

و بعضی گفته اند بگوید: (اللهم لا تجعله آخر العهد من هذا الموقف وارزقنيه أبداً ما أبقيتني).

۳۳- مستحب است در وسط وادی، و جانب راست راه فرود آید، و این دعا را بخواند:

اللهم إني أسألك أن تجمع لي فيها جوامع الخير، اللهم لا- تؤيسني من الخير الذي سألتك أن تجمعه لي في قلبي، ثم أطلب منك أن تعرفني ما عرفت أوليائك في منزلي هذا و أن تقيني جوامع الشر).

۳۴- مستحب است تا بتواند آن شب را به عبادت و اطاعت الهی سپری کند، و در روایت است که درهای آسمان در این شب بسته نمی شود و صدای مؤمنین بالا می رود و خداوند می فرماید: من خداوند شمایم و شما بندگان من هستید، ادا کردید حق مرا، بر من لازم است که اجابت نمایم دعاهای شما را، پس تمام گناهان یا قسمتی از آن را می آمرزد.

۳۵- مستحب است برای وقوف در مشعرالحرام غسل کند و با وضو باشد و حمد و ثنای الهی بجای آورد و این دعا را بخواند:

(اللهم رب المشعرالحرام فك رقبتي من النار، و أوسع علي من رزقك الحلال الطيب، و ادراً عني شر فسقه الجن والإنس، اللهم أنت خير مطلوب إليه و خير مدعو و خير مسئول، و لكل وafd جائزه فاجعل جائرتي في موضعي هذا أن تقيلني عشرتي و تقبل معذرتي و أن تتجاوز عن خطيئتي، ثم اجعل التقوى من الدنيا زادي و تقلبني مفلحاً منجحاً مستجاباً لي بأفضل ما يرجع به أحد من وفدك و زوار بيتك الحرام).

و برای خود

و پدر و مادر و برادران و اهل و فرزندان و مال خویش بسیار دعا کند.

آداب اعمال منی

۳۶- هنگام رمی جمرات وقتی که سنگریزه را در دست دارد این دعا را بخواند:

(اللهم هذه حصياتي فأحصهنّ لي وارفعهنّ في عملي).

و هر سنگریزه را که بیندازد این دعا را بخواند:

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۹۶

(الله أكبر، اللهم ادحر عني الشيطان، اللهم تصديقا بكتابتك و على سنه نبيك محمد صلى الله عليه و آله، اللهم اجعله لي حجاً
مبروراً و عملاً مقبولاً و سعياً مشكوراً و ذنباً مغفوراً).

و وقتی به جای خود در منی برگشت بگوید:

(اللهم بك وثقت و عليك توكلت فنعم الرب و نعم المولى و نعم النصير).

۳۷- مستحب است در وقت قربانی کردن این دعا را بخواند:

(وجهت وجهي للذي فطر السماوات والأرض حنيفاً مسلماً و ما أنا من المشركين، إن صلاتي و نسكي و محياي و مماتي لله رب
العالمين لا شريك له و بذلك أمرت و أنا من المسلمين، اللهم منك و لك، بسم الله و بالله و الله أكبر، اللهم تقبل مني).

و در بعضی روایات آمده که سپس بگوید:

(اللهم تقبل مني كما تقبلت عن إبراهيم خليلك و موسى كلمك و محمد حبيبك صلى الله عليه و عليهم).

۳۸- مستحب است در وقت سر تراشیدن رو به قبله کند و این دعا را بخواند:

(اللهم أعطني بكلّ شعره نوراً يوم القيامة).

آداب برگشت به مکه مکرمه

۳۹- مستحب است برای برگشتن به مکه مکرمه و انجام اعمال آن غسل کند، و متوجه مسجد الحرام شود، با ذکر و تمجید
الهی و صلوات بر محمد و آل محمد، و چون به در مسجد رسید این دعا را بخواند:

(اللهم إني أسألك مسأله العليل، الدليل، المعترف

بذنبه، أن تغفر لي ذنوبي و أن ترجعني بحاجتي، اللهم إني عبدك، والبلد بلدك، والبيت بيتك، جئت أطلب رحمتك و أؤم طاعتك، متبعا لأمرك، المشفق من عذابك، الخائف لعقوبتك، أن تبلغني عفوكم و تجيرني من النار برحمتك).

سپس به نزد حجرالأسود برود و استلام نماید و آن را ببوسد.

آداب برگشت به منی

۴۰- مستحب است وقتی از مکه معظمه به منی مراجعت می کند این دعا را بخواند:

(اللهم بك وثقت و بك آمنت ولك أسلمت و عليك توكلت فنعم الرب و نعم المولى و نعم النصير).

رساله مناسك حج (طبع جدید)، ص: ۹۷

۴۱- تکبیر در منی مستحب است، و احوط این است که تکبیر را در منی و غیر منی ترک نکنند، در منی بعد از ۱۵ نماز و در غیر منی بعد از ۱۰ نماز تکبیر بگویند، و اول آنها نماز ظهر روز عید می باشد و کیفیت آن بنا بر مشهور چنین است:

(الله أكبر، الله أكبر، لا إله إلا الله، و الله أكبر على ما هدانا، و له الحمد على ما أبلانا و رزقنا من بهيمة الأنعام).

و در بعضی روایات آمده که بعد از تکبیر سوّم بگوید:

(ولله الحمد، الله أكبر على ما هدانا، الله أكبر على ما رزقنا من بهيمة الأنعام).

و در بعضی از روایات اضافه شده:

(الحمد لله على ما رزقنا من بهيمة الأنعام).

۴۲- مستحب است در این ایام (یازدهم و دوازدهم و سیزدهم) نمازهای واجب و مستحب خود را در مسجد خیف بجا آورد، و در حدیث آمده: هر که در مسجد خیف صد رکعت نماز بگذارد برابر است با عبادت هفتاد سال، و هر که صد مرتبه (سبحان الله) بگوید، از برای او ثواب بنده آزاد کردن بنویسند، و هر که صد

مرتبه (لا اله الا الله) بگویند برابر است با ثواب زنده کردن شخصی، و هر که صد مرتبه (الحمد لله) بگوید برابر است با خراج عراقین که در راه خداوند صدقه بدهد.

آداب وداع

۴۳- مستحب است پس از پایان اعمال حج، طواف وداع بجا آورد، و داخل خانه کعبه شود، مخصوصا کسی که سفر اول اوست، و در حدیث آمده است: داخل شدن در کعبه داخل شدن در رحمت خداست، و بیرون رفتن از آن بیرون رفتن از گناهان می باشد.

۴۴- مستحب است که برای وارد شدن به کعبه معظّمه غسل کند و پای برهنه داخل شود، و پیش از دخول دو حلقه در را بگیرد و بگوید:

(اللهمّ البیت بیتک والعبد عبدک و قد قلت من دخله کان آمنا فآمنی من عذابک و أجرنی من سخطک).

پس داخل شود و بگوید: ۲ رساله مناسک حج (طبع جدید)؛ ص ۹۷

اللهمّ إنک قلت و من دخله کان آمنا فآمنی من عذابک عذاب النار).

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۹۸

پس در میان دو ستون دو رکعت نماز بخواند، و به رکنی رود که در آنجا حجر الأسود است و بدن خود را بر آن بمالد.

۴۵- بسیار طواف کردن مستحب است و برای حجّاج از نماز نافله افضل است، و طواف به نیابت از پدر و مادر و همسر و فرزندان و دیگر آشنایان و سایر مؤمنین بسیار ثواب دارد، و به نیابت حضرت پیغمبر (ص) و حضرت فاطمه (علیها السلام) و دوازده امام (علیهم السلام) ثواب فراوان دارد.

۴۶- مستحب است در مکه معظّمه قرآن مجید را ختم کند و در حدیث آمده: هر که در آنجا قرآن را ختم کند، از دنیا نرود تا

پیامبر

(ص) و منزل خود را در بهشت ببیند.

۴۷- مستحب است در مکه معظمه به زیارت مکان تولد پیامبر (ص) مشرف شود، و به منزل حضرت خدیجه (علیها السلام) برود، و قبر حضرت عبدالمطلب (علیه السلام) و حضرت ابو طالب (علیه السلام) و قبر حضرت خدیجه (علیها السلام) را زیارت کند، و به غار حرا که حضرت رسول (ص) اوائل بعثت در آنجا عبادت می نموده و مبعوث به رسالت گردید، و همچنین غاری که در کوه ثور است و حضرت (ص) در آنجا مخفی شده بودند برود.

۴۸- مستحب است هنگام خروج از مکه مکرمه صدقه بدهد، و از خداوند بخواهد که باز به او توفیق حج عنایت کند، و غسل کند و طواف وداع انجام دهد، و حجرالأسود و رکن یمانی را استلام کرده، خود را به کعبه معظم بچسباند، و حمد و ثنای الهی بجای آورد، و بر پیامبر (ص) و اهل بیتش (علیهم السلام) صلوات بفرستد و این دعا را بخواند:

(اللهم صلّ علی محمد عبدك و رسولك و نبيك و أمينك و حبيبك و نجيبك و خيرتك من خلقك، اللهم كما بلغ رسالتك و جاهد في سبيلك و صدع بأمرك و أودى فيك و في جنبك حتى أتاه اليقين، اللهم اقلبني مفلحاً منجحاً مستجاباً لي بأفضل ما يرجع به أحد من وفدك من المغفرة والبركة والرّضوان والعافيه ممّا يسعني أن أطلب، أن تعطيني مثل المذی أعطيته أفضل من عبدك و تزيدني عليه، اللهم إن أمّنتي فاغفر لي، و إن أحييتني فارزقنيه من قابل، اللهم لا تجعله آخر العهد من بيتك، اللهم إني عبدك، ابن عبدك و ابن أمّتك، حملتني علی دابّتك و سيرتني في بلادك حتى أدخلتني حرملك

و أمّك، و قد كان في حسن ظني بك أن تغفر لي ذنوبي، فإن كنت قد غفرت لي ذنوبي فازدد عني رضاً و قربني إليك زلفي، و تباعدني، و إن كنت لم تغفر لي فمن الآن فاغفر لي قبل أن تنأي عن بيتك داري، و هذا أوان انصرافي إن كنت أذنت لي غير راغب عنك ولا عن بيتك،

رساله مناسك حج (طبع جديد)، ص: ۹۹

ولا- مستبدل بك ولا- به، اللهم احفظني من بين يدي و من خلفي و عن يميني و عن شمالي حتى تبلغني أهلي و اكفني مؤنه عبادك و عيالي، فإنك ولي ذلك من خلقك و مني).

سپس به طرف آب زمزم رفته و از آن بیاشامد و بگوید:

(آئبون تائبون عابدون لربنا حامدون، إلی ربنا راغبون، إلی ربنا راجعون).

سپس دو رکعت نماز نزد مقام ابراهیم (ع) بخواند ... و در حال خروج هنگامیکه به درب مسجد رسید دستش را بر آن گذاشته بگوید:

(المسکین علی بابک فتصدّق علیه بالجّه)

و در نزد درب مسجد سجده طولانی بجا آورد و خارج شود.

۴۹- از جمله مستحبات مؤکده مراجعت از راه مدینه طیبه است تا به زیارت حضرت فخر کائنات پیامبر اسلام (ص) و حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) و ائمه بقیع (علیهم السلام) مشرف شود. و در حدیث وارد شده: ترک زیارت آن حضرت (ص) بعد از حج جفای بر آن حضرت است.

۵۰- مستحب است در راه بازگشت از مکه به مدینه، در مسجد غدیر خم نماز بگذارد و بسیار دعا کند زیرا در همینجا پیامبر (ص) به دستور خداوند امیر مؤمنان علی (ع) را به خلافت و امامت تعیین فرمودند و این آیه شریفه نازل شد:

(الیوم أكملت لكم

دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الإسلام دیناً).

سپس پیامبر (ص) فرمودند:

(الله أكبر والله الحمد على إكمال الدين و إتمام النعمة و رضی الربّ والولایه لعلی بن أبی طالب (ع)).

اعمال مدینه منوره

۱- مستحب است برای ورود به شهر مدینه منوره و داخل شدن در حرم پیامبر (ص) غسل نماید.

۲- مستحب است برای ورود به حرم پیامبر (ص) و ائمه بقیع (علیهم السلام) اذن دخول بخواند، مرحوم کفعمی می فرماید: هنگامی که می خواهی به مسجد پیامبر اکرم (ص) در مدینه یا به یکی از مشاهد مشرفه ائمه اطهار (علیهم السلام) وارد شوی این دعا را بخوان:

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۰۰

(اللهم إني وقفت على باب من أبواب بيوت نبيك صلواتك عليه و آله، و قد منعت الناس أن يدخلوا إلا- بإذنه، فقلت: (يا أيها الذين آمنوا لا تدخلوا بيوت النبي إلا أن يؤذن لكم)، اللهم إني أعتقد حرمة صاحب هذا المشهد الشريف في غيبته، كما أعتقدها في حضرته، و أعلم أن رسولك و خلفاءك عليهم السلام أحياء عندك يرزقون، يرون مقامي و يسمعون كلامي و يردون سلامي، و أنك حجت عن سمعي كلامهم، و فتحت باب فهمي بلذيت مناجاتهم، و إني أستأذنك يا ربّ أولاً، و أستأذن رسولك صلى الله عليه و آله ثانياً، و أستأذن خليفتك الإمام المفروض علي طاعته).

و نام آن امامی که می خواهی زیارت نمائی ببر، و در زیارت ائمه بقیع (علیهم السلام) بگو: (أستأذن خلفاءك أئمتي و سادتي الأربعة).

سپس بگو:

(والملائكة الموكّلين بهذه البقعة المباركة ثالثاً، ادخل يا رسول الله، ادخل يا حجّه الله، ادخل يا ملائكة الله المقربين المقيمين في هذا المشهد، فأذن لي يا مولاي في الدخول أفضل ما أذنت لأحد من

أولياك فإن لم أكن أهلاً لذلك فأنت أهلٌ لذلك).

سپس عتبه مقدّس را ببوس و داخل شو و بخوان: (بسم الله و بالله و فى سبيل الله و على ملّة رسول الله صلّى الله عليه و آله، اللهم اغفر لى وارحمنى و تب علىّ إنّك أنت التّوّاب الرّحيم).

۳- بر تمام مردم، بخصوص حجّاج مستحبّ مؤکّد است که به زیارت حرم پیامبر اکرم (ص) و امامان بقیع (علیهم السلام) و حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) بروند. و از امیر مؤمنان (ع) روایت شده است که: حج خود را با زیارت پیامبر خدا (ص) تمام کنید، زیرا ترک آن جفا می باشد، و نیز حج خود را با زیارت قبوری که خداوند متعال حق آنها و زیارت آنها را بر شما ملزم کرده است کامل کنید و نزد آنها رزق خود را از خداوند بخواهید.

زیارت پیامبر اکرم (ص)

۴- کیفیت زیارت پیامبر (ص): پس از غسل زیارت، اذن دخول را که بیان شد بخواند، و از درب جبرئیل وارد شود، و هنگام ورود پای راست خود را مقدّم بدارد، سپس صد مرتبه (الله اکبر) بگوید، و دو

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۰۱

رکعت نماز تحیّت مسجد برگزار کند، و سپس به سوی ضریح شریف برود، و آن را با دست بگیرد، و ببوسد و بگوید:

(السلام علیک یا رسول الله، السلام علیک یا نبیّ الله، السلام علیک یا محمّد بن عبد الله، السلام علیک یا خاتم النبیین، أشهد أنّک قد بلّغت الرّسالة، و أقمت الصّیلة و آتیت الرّزاه، و أمرت بالمعروف و نهیت عن المنکر، و عبدت الله مخلصاً حتّى أتاک الیقین، فصلوات الله علیک و رحمته، و على أهل بیتک الطّاهرین).

سپس نزد ستون

که از سمت راست ضریح است به طرف قبله بایست، بطوری که شانه چپ به طرف ضریح و شانه راست به طرف منبر باشد، که آن بالای سر حضرت رسول (ص) می باشد، و بگو:

(أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، وأشهد أنك رسول الله وأنتك محمد بن عبد الله، وأشهد أنك قد بلغت رسالات ربك، ونصحت لامتك، وجاهدت في سبيل الله وعبدت الله حتى أتاك اليقين بالحكمه والموعظه الحسنه، وأدیت الّذی علیک من الحق، وأنتک قد رؤفت بالمؤمنین وغلظت علی الکافرین، فبلغ الله بک أفضل شرف محلّ المکرّمین، الحمد لله الّذی استنقذنا بک من الشّرك والضّلاله، اللهمّ فاجعل صلواتک و صلوات ملائکتک المقربین و أنبیائک المرسلین و عبادک الصّالحین و أهل السّماوات والأرضین و من سبح لک یا ربّ العالمین من الأوّلین و الآخیرین علی محمد عبدک و رسولک و نبیک و أمینک و نجیک و حبیبک و صفیک و خاصّتك و صفوتک و خیرتک من خلقک، اللهمّ أعطه الدّرجه الرّفیعه، و آتہ الوسیله من الجنّه، وابعثه مقاماً محموداً یغطبه به الأوّلون و الآخرون، اللهمّ إنک قلت: ولو أنّهم إذ ظلموا أنفسهم جاؤوک فاستغفروا الله و استغفر لهم الرّسول لوجدوا الله توأباً رحیماً، و إتی أتیتک مستغفراً تائباً من ذنوبی و إتی أتوجه بک إلی الله ربّی و ربّک لیغفر لی ذنوبی).

و اگر حاجتی برای تو باشد پس قبر شریف را پشت سر قرار بده و رو به قبله بایست و دستهای خود را بالا نما و حاجت خود را بطلب که انشاء الله برآورده خواهد شد.

زیارت حضرت زهرا (علیها السلام)

۵- سپس برای

زیارت حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا (علیها السلام) به نزد روضه پیغمبر (ص) برود، و در محل قبر آن بانوی معظمه (صلوات الله علیها) اختلاف است، برخی گفته اند بین قبر و منبر، و گروهی

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۰۲

گفته اند در خانه اش، و گروهی گفته اند در بقیع مدفون است، و اگر کسی در هر سه جا آن بانوی مکرمه را زیارت نماید بهتر است.

و برای زیارت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) بگو:

(یا ممتحنه، امتحنک الله الّمدی خلقک قبل أن یخلقک، فوجدک لما امتحنک صابره، و زعمنا أنّا لک اولیاء و مصدّقون و صابرون لكلّ ما اتانا به أبوک، صلّی الله علیه و آله، و اتانا به وصیّه علیه السلام، فإنّنا نسألك إن کنا صدّقناک إلاّ الحقتنا بتصدیقنا لهما، لنبشّر أنفسنا بأنّا قد طهرنا بولايتک).

و مستحب است که این زیارت را نیز بخواند:

(السلام علیک یا بنت رسول الله، السلام علیک یا بنت نبیّ الله، السلام علیک یا بنت حبیب الله، السلام علیک یا بنت خلیل الله، السلام علیک یا بنت صفی الله، السلام علیک یا بنت أمین الله، السلام علیک یا بنت خیر خلق الله، السلام علیک یا بنت أفضل أنبیاء الله و رسله و ملائکته، السلام علیک یا بنت خیر البریّه، السلام علیک یا سیده نساء العالمین من الأولین و الآخرین، السلام علیک یا یا زوجه ولیّ الله و خیر الخلق بعد رسول الله، السلام علیک یا امّ الحسن و الحسین سیدی شباب أهل الجنّه، السلام علیک أیتها الصّیّدیقه الشهیده، السلام علیک أیتها الرّضیه المرضیه، السلام علیک أیتها الفاضله الرّکیه، السلام علیک أیتها الحوراء الإنسیّه، السلام علیک أیتها التّقیّه النّقیّه، السلام علیک أیتها المحدّثه العلیمه، السلام علیک

أَيُّهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَغْضُوبَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَضْطَّهِدَةُ الْمَقْهُورَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحِمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ مُضِيَّتْ عَلَى بَيْنِهِ مِنْ رَبِّكَ، وَأَنَّ مِنْ سَرِّكَ فَقَدَ سِرَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ مِنْ جَفَاكَ فَقَدَ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ مِنْ آذَاكَ فَقَدَ آذَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ مِنْ وَصْلِكَ فَقَدَ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ مِنْ قَطْعِكَ فَقَدَ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لِأَنَّكَ بَضَعَهُ مِنْهُ وَ رُوحَهُ الَّتِي بَيْنَ جَنبَيْهِ، كَمَا قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَشْهَدُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَلَائِكَتُهُ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ، سَاخِطٌ عَلَى مَنْ سَخَطَ عَلَيْهِ، مَتَبَرِّءٌ مِمَّنْ تَبَرَّأَتْ مِنْهُ، مَوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتَ، مَعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتَ، مَبْغُضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتَ، مُحَبَّبٌ لِمَنْ أَحْبَبْتَ، وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً وَ حَسِيباً وَ جَازِئاً وَ مَثِيباً).

زیارت ائمه بقیع (علیهم السلام)

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۰۳

۶- زیارت ائمه بقیع (علیهم السلام) یعنی امام مجتبی (ع) و امام سجاد (ع) و امام باقر (ع) و امام صادق (ع).

هنگامی که می خواهی آن امامان بزرگوار را زیارت نمائی، آداب زیارت از غسل و طهارت و پوشیدن لباسهای پاک و تمیز و عطر زدن را بجا آور، و همان اذن دخول را که قبلاً ذکر کردیم بخوان سپس بگو:

(یا موالی یا أبناء رسول الله، عبدکم وابن أمتکم، الدلیل بین أیدیکم، والمضعف فی علو قدرکم، والمعترف بحقکم، جائکم مستجیراً بکم، قاصداً إلى حرمکم، متقرّباً إلى مقامکم، متوسّلاً إلى الله تعالی بکم، ءأدخل یا موالی ءأدخل یا

أولياء الله، ء أدخل يا ملائكة الله المحققين بهذا الحرم المقيمين بهذا المشهد).

و سپس با خشوع و خضوع و رقت قلب داخل بقیع شو و بخوان:

الله أكبرُ كَبِيراً والحمد لله كثيراً، و سبحان الله بكرة و أصيلاً، والحمد لله، الفرد الصِّمد، الماجد الاحد، المتفَضِّل المَنَّان، المتطوِّل الحَنَّان، الَّذِي مَنْ بطوله، و سهَّل زياره ساداتى يا حسانه، ولم يجعلنى عن زيارتهم ممنوعاً بل تطوَّل و منح).

و سپس به قبر شریف آنان نزدیک شو، و پشت به قبله بایست و بخوان:

(السلام عليكم أئمة الهدى، السلام عليكم أهل التقوى، السلام عليكم أيها الحجج على أهل الدنيا، السلام عليكم أيها القوام فى البرية بالقسط، السلام عليكم أهل الصِّفوة، السلام عليكم آل رسول الله، السلام عليكم أهل النجوى، أشهد أنكم قد بلغتكم و نصحتكم و صبرتم فى ذات الله و كذبتم و أسبىء إليكم فغفرتكم، و أشهد أنكم الائمه الراشدون المهتدون، و أن طاعتكم مفروضه، و أن قولكم الصِّدق، و أنكم دعوتكم فلم تجابوا، و أمرتم فلم تطاعوا، و أنكم دعائم الدين و أركان الأرض، لم تزالوا بعين الله، ينسخكم من أصلاب كلِّ مطهر، و ينقلكم من أرحام المطهرات، لم تدنسكم الجاهليته الجهلاء، و لم تشرك فيكم فتن الأهواء، طبتم و طاب منبتكم، من بكم علينا ديان الدين، فجعلكم فى بيوت أذن الله أن ترفع و يذكر فيها اسمه، و جعل صلاتنا عليكم رحمه لنا و كفاره لذنوبنا، إذ اختاركم الله لنا، و طيب خلقنا بما من علينا من ولايتكم، و كنا عنده مسمين بعلمكم، معترفين بتصديقنا إياكم، و هذا مقام من أسرف و أخطأ واستكان و أقر بما جنى و رجى بمقامه الخلاص، و أن يستنقذوه بكم مستنقذ الهلكى من الردى،

فكونوا لى شفعاء، فقد وفدت إليكم، إذ رغب عنكم أهل الدنيا واتخذوا آيات الله هزوا واستكبروا عنها، يا من هو قائم لا يسهو و دائم لا يلهو و محيط بكل شىء، لك المنّ بما وفقتنى و عزفتنى بما أقمتنى عليه، إذ صدّ عنه عبادك، و جهلوا معرفته واستخفّوا بحقه، و مالوا إلى سواه،

رساله مناسك حج (طبع جديد)، ص: ١٠٤

فكانت المنّه منك علىّ، مع أقوام خصصتهم بما خصصتنى به، فلك الحمد إذ كنت عندك فى مقامى هذا، مذكوراً مكتوباً، فلا تحرمنى ما رجوت، ولا تخيبنى فيما دعوت، بحرمه محمّد و آله الطّاهرين، و صلّى الله على محمّد و آل محمّد).

و سپس هر آنچه مى خواهى دعا كن.

مرحوم شيخ طوسى (ره) در تهذيب فرموده است: و سپس هشت ركعت نماز زيارت بخوان، براى هر امام (ع) دو ركعت.

زيارت ابراهيم فرزند پيامبر (ص)

٧- زيارت حضرت ابراهيم فرزند حضرت رسول اكرم (ص)

(السلام على رسول الله، السلام على نبى الله، السلام على حبيب الله، السلام على صفى الله، السلام على نجتى الله، السلام على محمّد بن عبد الله سيد الانبياء و خاتم المرسلين و خير الله من خلقه فى أرضه و سمائه، السلام على جميع أنبيائه و رسله، السلام على الشهداء و السعداء و الصّالحين، السلام علينا و على عباد الله الصّالحين، السلام عليك أيتها الرّوح الزّاكه، السلام عليك أيتها النّفس الشّريفه، السلام عليك أيتها السيّلاله الطّاهره، السلام عليك أيتها التّسمه الزّاكه، السلام عليك يا بن خير الورى، السلام عليك يا بن التّبىّ المجتبى، السلام عليك يا بن المبعوث إلى كافّه الورى، السلام عليك يا بن البشير التّذير، السلام عليك يا بن السّراج المنير، السلام عليك يا بن المؤيد بالقرآن، السلام عليك يا بن المرسل إلى الإنس و الجنّ، السلام عليك يا بن صاحب الزّايه

والعلامه، السلام عليك يا ابن الشَّفيع يوم القيامة، السلام عليك يا ابن من حباه الله بالكرامه، السلام عليك ورحمه الله و بركاته، أشهد أنك قد اختار الله لك دار إنعامه، قبل أن يكتب عليك أحكامه أو يكلفك حلاله و حرامه، فنقلك إليه طيباً زاكياً مرضياً طاهراً من كل نجس، مقدساً من كل دنس، و بوءك جنه الماوى، و رفعك إلى الدَّرجات العلى، و صلى الله عليك صلاةً تقرّ بها عين رسوله، و تبلغه أكبر مأموله، اللهم اجعل أفضل صلواتك و أزكاها، و أنمى بركاتك و أوفاهها، على رسولك و نبيك و خيرتك من خلقك محمد خاتم النبيين، و على من نسل من أولاده الطيبين، و على من خلف من عترته الطاهرين، برحمتك يا أرحم الراحمين، اللهم إني أسئلك بحق محمد صفيك، و إبراهيم نجل نبيك، أن تجعل سعبي بهم مشكوراً، و ذنبي بهم مغفوراً، و حياتي بهم سعيدة، و عاقبتى بهم حميده، و حوائجى بهم مقضية، و أفعالى بهم مرضية، و امورى بهم

رساله مناسك حج (طبع جديد)، ص: ١٠٥

مسعوده، و شتوني بهم محموده، اللهم وأحسن لى التوفيق، ونفس عني كل هم وضيق، اللهم جنبني عقابك، و امنحني ثوابك، و أسكنني جنانك، و ارزقني رضوانك و أمانك، و أشرك لى فى صالح دعائى والدى و ولدى و جميع المؤمنين والمؤمنات الأحياء منهم والأموات، إنك ولى الباقيات الصالحات، آمين رب العالمين).

و سپس دو ركعت نماز مى خوانى و دعا مى كنى.

زيارت فاطمه بنت اسد (عليها السلام)

٨- زيارت حضرت فاطمه بنت اسد (عليها السلام) مادر حضرت اميرالمؤمنين (عليه السلام):

(السلام على نبي الله، السلام على رسول الله، السلام على محمد سيد المرسلين، السلام على محمد سيد الأولين، السلام على محمد سيد الآخرين، السلام على من بعثه الله

رحمةً للعالمين، السلام عليك أيها النبي ورحمة الله وبركاته، السلام على فاطمه بنت أسد الهاشمية، السلام عليك أيها الصديق المرضي، السلام عليك أيها التقي النقي، السلام عليك أيها الكريم الرضي، السلام عليك يا كافله محمّد خاتم النبيين، السلام عليك يا والده سيّد الوصيين، السلام عليك يا من ظهرت شفقتها على رسول الله خاتم النبيين، السلام عليك يا من تربيتها لوليّ الله الأمين، السلام عليك و على روحك وبدنك الطاهر، السلام عليك و على ولدك ورحمة الله وبركاته، أشهد أنك أحسنت الكفاله، و أدت الأمانه، واجتهدت في مرضاه الله، و بالغت في حفظ رسول الله، عارفه بحقه، مؤمنه بصدقه، معترفه بنبوته، مستبصره بنعمته، كافله بتربيته، مشفقه على نفسه، واقفه على خدمته، مختاره رضاه، و أشهد أنك مضيت على الايمان، و التمسك بأشرف الأديان، راضيه مرضيه، طاهره زكيه، تقيه نقيه، فرضى الله عنك و أرضاك، و جعل الجنه منزلك و مأواك، اللهم صلّ على محمّد و آل محمّد، و أنفعني بزيارتها، و ثبتني على محبتها، و لا تحرمني شفاعتها و شفاعه الائمه من ذريتها، و ارزقني مرافقتها، و احشرنى معها و مع أولادها الطاهرين، اللهم لا تجعله آخر العهد من زيارتي إياها، و ارزقني العود إليها أبداً ما أبقيتني، و إذا توفيتني فاحشرنى في زمرتها، و أدخلني في شفاعتها، برحمتك يا أرحم الراحمين، اللهم بحقها عندك و منزلتها لديك، اغفر لى ولوالدى و لجميع المؤمنين و المؤمنات، و آتنا فى الدنيا حسنه و فى الآخرة حسنه و قنا برحمتك عذاب النار).

و سپس دو رکعت نماز می خوانی و دعا می کنی.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۰۶

۹- زیارت حضرت حمزه (ع)

زیارت حضرت حمزه (علیه السلام) در احد: (السلام عليك يا عم رسول الله، صلى الله

عليه وآله، السلام عليك يا خير الشهداء، السلام عليك يا أسد الله و أسد رسوله، أشهد أنك قد جاهدت في الله عز و جل، وجدت بنفسك، و نصحت رسول الله صلى الله عليه وآله، و كنت فيما عند الله سبحانه راغباً، بأبي أنت و أمي، أتيته، متقرباً إلى رسول الله صلى الله عليه وآله بذلك، راغباً إليك في الشفاعة، أبتغي بزيارتك خلاص نفسي، متعوذاً بك من نار استحقها مثلي، بما جنيت على نفسي، هارباً من ذنوبي التي احتطبتها على ظهري، فزاعاً إليك رجاء رحمة ربي، أتيته من شقه بعيد طالباً فكاك رقتي من النار، و قد أوقرت ظهري ذنوبي، و أتيت ما أسخط ربي، ولم أجد أحداً أفرع إليه خيراً لي منكم أهل بيت الرحمه، فكن لي شفيعاً يوم فقري و حاجتي، فقد سرت إليك محزوناً و أتيته مكروباً و سكبت عبرتي عندك باكياً، و صرت إليك مفرداً، و أنت ممين أمرني الله بصلته، و حثني على بره، و دلني على فضله، و هداني لحبه، و رغبني في الوفاده إليه، و ألهمني طلب الحوائج عنده، أنتم أهل بيت لا يشقى من تولمكم، ولا يخيب من أتاكم، ولا يخسر من يهواكم، ولا يسعد من عاداكم).

سپس دو رکعت نماز می گذاری، و این دعا را می خوانی:

(اللهم صل على محمد و آل محمد، اللهم إني تعرضت لرحمتك، بلزومي لقبر عم نبيك صلى الله عليه وآله، ليجيرني من نعمتك، في يوم تكثر فيه الأصوات، و تشغل كل نفس بما قدمت، و تجادل عن نفسها، فإن ترحمني اليوم فلا خوف علي ولا حزن، و إن تعاقب فمولى له القدره على عبده، ولا تخينني بعد اليوم، ولا تصرفني

بغير حاجتى، فقد لصقت بقبر عمّ نبيّك و تقرّبت به إليك، ابتغاء مرضاتك، و رجاء رحمتك، فتقبّل منّى، وعد بحلمك على جهلى، و برأفتك على جنايه نفسى، فقد عظم جرمى، و ما أخاف أن تظلمنى، و لكن أخاف سوء الحساب، فانظر اليوم تقلبى على قبر عمّ نبيّك، فبهما فكّنى من النار، ولا تخيّب سعى، ولا يهوننّ عليك ابتهالى، ولا تحجبنّ عنك صوتى، ولا تقلبنى بغير حوائجى، يا غياث كلّ مكروب و محزون، و يا مفرّجاً عن الملهوف الحيران الغريق المشرف على الهلكه، فصلّ على محمّد و آل محمّد، وانظر إلّى نظره لا أشقى بعدها أبداً و ارحم تضرّعى و عبرتى و انفرادى، فقد رجوت رضاك، و تحرّيت الخير الذى لا يعطيه أحد سواك، فلا تردّ أملى، اللهم إن تعاقب فمولى له القدره على عبده، و جزائه بسوء فعله، فلا أخيبنّ اليوم، ولا تصرفنى بغير حاجتى، ولا تخيبنّ شخوصى و وفادتى، فقد أنفدت نفقتى، و أتعبت بدنّى، و قطعت المفازات، و خلّفت الأهل

رساله مناسك حج (طبع جديد)، ص: ١٠٧

والمال و ما حوّلتنى، و آثرت ما عندك على نفسى، و لذت بقبر عمّ نبيّك صلّى الله عليه و آله، و تقرّبت به ابتغاء مرضاتك، فعد بحلمك على جهلى، و برأفتك على ذنبى، فقد عظم جرمى، برحمتك يا كريم يا كريم).

زيارت شهدای احد

١٠- زيارت شهدای احد رضوان الله تعالى عليهم:

(السلام على رسول الله، السلام على نبيّ الله، السلام على محمّد بن عبد الله، السلام على أهل بيته الطاهرين، السلام عليكم أيّها الشّهداء المؤمنون، السلام عليكم يا أهل بيت الإيمان والتّوحيد، السلام عليكم يا أنصار دين الله و أنصار رسوله، عليه و آله السلام، سلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدّار، أشهد

أن الله اختاركم لدينه، واصطفاكم لرسوله، وأشهد أنكم قد جاهدتم في الله حقَّ جهاده، وذبيتم عن دين الله و عن نبيّه، و جدتم بأنفسكم دونه، و أشهد أنكم قتلتم على منهاج رسول الله، فجزاكم الله عن نبيّه و عن الإسلام و أهله أفضل الجزاء، و عرّفنا وجوهكم في محلّ رضوانه و موضع إكرامه، مع النّبيين والصّديّين والشهداء والصّالحين، و حسن اولئكَ رفيقًا، أشهد أنكم حزب الله من حاربكم فقد حارب الله، وأنكم لمن المقربين الفائزين، الذين هم أحياء عند ربّهم يرزقون، فعلى من قتلكم لعنه الله والملائكه والنّاس أجمعين، أتيتكم يا أهل التّوحيد زائرا، و بحقّكم عارفا، و بزيارتكم إلى الله متقربا، و بما سبق من شريف الأعمال و مرضى الأفعال عالما، فعليكم سلام الله و رحمته و بركاته، و على من قتلكم لعنه الله و غضبه و سخطه، اللهم انفعني بزيارتهم، و ثبتني على قصدهم، و توفّني على ما توفّيتهم عليه، واجمع بيني و بينهم في مستقرّ دار رحمتك، أشهد أنكم لنا فرط و نحن بكم لاحقون).

اعمال شب عرفه

توبه در شب عرفه مقبول و دعا مستجاب می باشد و زیارت امام حسین (ع) ثواب بسیار زیاد دارد، و مستحب است این دعا را در شب عرفه بخواند:

(اللهم يا شاهد كلّ نجوى، و موضع كلّ شكوى، و عالم كلّ خفيّه، و منتهى كلّ حاجه، يا مبتدئا بالتّعم على العباد، يا كريم العفو، يا حسن التّجاوز، يا جواد، يا من لا يوارى منه ليل داج، ولا بحرّ عجاج، ولا سماء ذات أبراج، ولا ظلم ذات ارتجاج، يا من الظلمه عنده ضياء، أسألك بنور وجهك الكريم، الذي تجلّيت به للجبل

رساله مناسك حج (طبع جديد)، ص: ١٠٨

فجعلته دكا و

خزّ موسى صعقاً، و باسمك الذى رفعت به السّماوات بلا عمد و سطحت به الارض على وجه ماء جمد، و باسمك المخزون المكنون، المكتوب الطاهر الذى إذا دعيت به أجبت، و إذا سئلت به أعطيت، و باسمك السيّوح القدّوس البرهان الذى هو نورٌ على كلّ نور، و نورٌ من نور، يضىء منه كلّ نور، اذا بلغ الارض انشقت، و اذا بلغ السّماوات فتحت، و إذا بلغ العرش اهتزّ، و باسمك الذى ترتعد منه فرائص ملائكتك، و أسألك بحقّ جبرئيل و ميكايل و إسرافيل، و بحق محمد المصطفى صلّى الله عليه و آله و على جميع الأنبياء و جميع الملائكه، و بالإسم الذى مشى به الخضر على قلل الماء، كما مشى به على جدد الارض، و باسمك الذى فلتت به البحر لموسى، و أغرقت فرعون و قومه، و أنجيت به موسى بن عمران و من معه، و باسمك الذى دعاك به موسى بن عمران من جانب الطور الايمن، فاستجبت له و ألقيت عليه محبّه منك، و باسمك الذى به أحيى عيسى بن مريم الموتى، و تكلم فى المهد صبياً، و أبرء الاكمه و الابرص يا ذنك، و باسمك الذى دعاك به حمله عرشك و جبرئيل و ميكايل و إسرافيل و حبيبك محمّد صلّى الله عليه و آله، و ملائكتك المقربون و أنبياءك المرسلون و عبادك الصّالحون، من أهل السّماوات و الأرضين، و باسمك الذى دعاك به ذوالنون، إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن تقدر عليه، فنادى فى الظّلمات أن لا إله إلّا أنت، سبحانك إنى كنت من الظّالمين، فاستجبت له و نجّيته من الغمّ و كذلك تنجى المؤمنين، و باسمك العظيم الذى دعاك به داود، و خزّ لك ساجداً فغفرت له ذنبه،

و باسمك الذى دعتك به آسيه امرأه فرعون، إذ قالت رب ابن لى عندك بيتاً فى الجنه و نجنى من فرعون و عمله و نجنى من القوم الظالمين، فاستجبت لها دعائها، و باسمك الذى دعاك به أيوب إذ حلّ به البلاء، فعافيته و آتته أهله، و مثلهم معهم رحمه من عندك و ذكرى للعابدين، و باسمك الذى دعاك به يعقوب فرددت عليه بصره و قرّه عينه يوسف و جمعت شمله، و باسمك الذى دعاك به سليمان فوهبت له ملكاً لا ينبغي لأحد من بعده إنك أنت الوهاب، و باسمك الذى سخرت به البراق لمحمد صلى الله عليه و آله وسلم، إذ قال تعالى: سبحان الذى أسرى بعبده ليلاً من المسجد الحرام الى المسجد الأقصى، و قوله: سبحانه الذى سخر لنا هذا و ما كنا له مقرنين و إنا الى ربنا لمنقلبون، و باسمك الذى تنزل به جبرئيل على محمد صلى الله عليه و آله، و باسمك الذى دعاك به آدم فغفرت له ذنبه و أسكنته جنتك، و أسألك بحق القرآن العظيم، و بحق محمد خاتم النبیین، و بحق إبراهيم، و بحق فصلك يوم القضاء، و بحق الموازين إذا نصبت، والصّيحف إذا نشرت، و بحق القلم و ما جرى، واللوح و ما أحصى، و بحق الإسم الذى كتبه على سرادق العرش، قبل خلقك الخلق والدنيا والشمس والقمر بألفى عام، و أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، و أن محمداً

رساله مناسك حج (طبع جديد)، ص: ١٠٩

عبده و رسوله، و أسألك باسمك فى المخزون فى خزائنك الذى استأثرت به فى علم الغيب عندك، لم يظهر عليه أحد من خلقك، لا ملك مقرب ولا نبي

مرسل ولا عبد مصطفى، و أسألك باسمك الذى شققت به البحار، وقامت به الجبال، واختلف به الليل والنار، وبحق السبع
المثانى والقرآن العظيم، وبحق الكرام الكاتين، وبحق طه و يس، و كهيعص، و حمعسق، و بحق تورا موسى، و إنجيل عيسى،
و زبور داود، و فرقان محمد صلى الله عليه و آله و على جميع الرسل، و بأهتيا شراهتيا، اللهم إني أسئلك بحق تلك المناجات
التي كانت بينك و بين موسى بن عمران فوق جبل طور سيناء، و أسألك باسم الذى علمته ملك الموت لقبض الأرواح، و
أسألك باسمك الذى كتب على ورق الزيتون، فخضعت النيران لتلك الورقه، فقلت يا نار كوني برداً و سلاماً، و أسألك
باسمك الذى كتبته على سرادق المجد والكرامه، يا من لا يحفيه سائل، ولا ينقصه نائل، يا من به يستغاث و إليه يلجأ، أسئلك
بمعاهد العز من عرشك، و منتهى الرحمه من كتابك، و باسمك الأعظم وجدك الأعلى، و كلمات التامات العلى، اللهم رب
الرياح و ما ذرت، و السماء و ما أظلت، و الأرض و ما أقلت، و الشياطين و ما أظلت، و البحار و ما جرت، و بحق كل حق هو عليك
حق، و بحق الملائكه المقربين، و الروحانيين والكروبيين، و المسبحين لك بالليل والنهار لا يفترون، و بحق إبراهيم خليلك، و
بحق كل ولى يناديك بين الصفا والمروه، و تستجيب له دعاءه، يا مجيب أسألك بحق هذه الأسماء و بهذه الدعوات، أن تغفر لنا
ما قدمنا و ما أخزنا و ما أسررنا و ما أعلننا و ما أبدينا و ما أخفينا و ما أنت أعلم به منا، إنك على كل شىء قدير برحمتك يا
أرحم الراحمين، يا حافظ كل غريب،

يا مؤنس كلّ وحيد، يا قوّه كلّ ضعيف، يا ناصر كلّ مظلوم، يا رازق كلّ محروم، يا مؤنس كلّ مستوحش، يا صاحب كلّ مسافر، يا عماد كلّ حاضر، يا غافر كلّ ذنب و خطيئه، يا غياث المستغيثين، يا صريخ المستصرخين، يا كاشف كرب المكروبين، يا فارح همّ المهمومين، يا بديع السماوات والارضين، يا منتهى غايه الطالبين، يا مجيب دعوه المضطّرين، يا أرحم الراحمين، يا ربّ العالمين، يا ديام يوم الدّين، يا أجود الاجودين، يا أكرم الاكرمين، يا أسمع السامعين، يا أبصر الناظرين، يا أقدر القادرين، اغفر لي الذّنوب التي تغير النعم، واغفر لي الذّنوب التي تورث الندم، واغفر لي الذّنوب التي تورث السقم واغفر لي الذّنوب التي تهتك العصم، واغفر لي الذّنوب التي تردّ الدّعاء، واغفر لي الذّنوب التي تحبس قطر السّماء، واغفر لي الذّنوب التي تعجّل الفناء، واغفر لي الذّنوب التي تجلب الشّقاء، واغفر لي الذّنوب التي تظلم الهواء، واغفر لي الذّنوب التي تكشف الغطاء، واغفر لي الذّنوب التي لا يغفرها غيرك يا الله، واحمل عني كلّ تبعه لأحد من خلقك، واجعل لي من أمرى فرجاً ومخرجاً ويسراً، وأنزل يقينك في صدري، ورجاءك في قلبي، حتّى لا

رساله مناسك حج (طبع جديد)، ص: ١١٠

أرجو غيرك، اللهم احفظني و عافني في مقامي، واصحبنى في ليلي و نهاري و من بين يديّ و من خلفي و عن يميني و عن شمالي و من فوقى و من تحتي، و يسّر لي السّبيل و أحسن لي التيسير، ولا تخذلني في العسير، واهدني يا خير دليل، ولا تكلني إلى نفسي في الامور، ولقني كلّ سرور، واقلبنى إلى أهلى بالفلاح والنّجاح، محبوراً في العاجل والآجل، إنك

على كلِّ شىءٍ قديرٌ، وارزقنى من فضلِكَ و أوسعِ عليّ من طيّباتِ رزقِكَ، واستعملنى فى طاعتِكَ، وأجرنى من عذابِكَ و نارِكَ، واقبلنى إذا توفّيتنى إلى جنتِكَ برحمتِكَ، اللهمّ إنّى أعوذُ بك من زوالِ نعمتِكَ، ومن تحويلِ عافيتِكَ و من حلولِ نعمتِكَ، و من نزولِ عذابِكَ، و أعوذُ بك من جهدِ البلاءِ، و دركِ الشّقاءِ، و من سوءِ القضاءِ، و شماتةِ الأعداءِ، و من شرِّ ما ينزل من السّماءِ، و من شرِّ ما فى الكتابِ المنزلِ، اللهمّ لا تجعلنى من الأشرارِ ولا من أصحابِ النّارِ، ولا تحرمنى صحبه الأخيّارِ، و أحيى حياه طيّبه، و توفّنى وفاه طيّبه تلحقنى بالأبرارِ، وارزقنى مرافقه الانبياء فى مقعدِ صدقِ عندِ مليكِ مقتدرِ، اللهمّ لك الحمد على حسنِ بلائِكَ و صنعِكَ، و لك الحمد على الإسلامِ و أتباعِ السّينّه، يا ربِّ كما هديتهم لدينِكَ و علّمتهم كتابِكَ فاهدنا و علّمنا، و لك الحمد على حسنِ بلائِكَ و صنعِكَ عندى خاصّه كما خلقتنى، فأحسنْتَ خلقى، و علّمتنى فأحسنْتَ تعليمى، و هديتنى فأحسنْتَ هدايتى، فلك الحمد على انعامِكَ عليّ، قديماً و حديثاً، فكم من كربٍ يا سيّدى قد فرجته، و كم من همٍ يا سيّدى قد كشفته، و كم من بلاءٍ يا سيّدى قد صرفته، و كم من عيبٍ يا سيّدى قد سترته، فلك الحمد على كلِّ حالٍ، فى كلِّ مثنوى و زمانٍ، و منقلبٍ و مقامٍ، و على هذه الحالِ و كلِّ حالٍ، اللهمّ اجعلنى من أفضلِ عبادِكَ نصيباً فى هذا اليومِ، من خيرِ تقسمه، أو ضرِّ تكشفه، أو سوءِ تصرفه، أو بلاءٍ تدفعه، أو خيرٍ تسوقه، أو رحمه تنشرها، أو عافيه تلبسها، فإنّك على كلِّ شىءٍ قديرٌ، و بيدك خزائن السّماواتِ و الارضِ، و

أنت الواحد الكريم المعطى، الذى لا یردّ سائله، ولا یخیب آمله ولا ینقص نائله، ولا ینفد ما عنده، بل یزداد كثرةً و طیباً، و عطاءً و جوداً، و ارزقنى من خزائنك التى لا تفنى، و من رحمتك الواسعه، إنّ عطاءك لم یكن محظوراً، و أنت على كل شیء قدير، برحمتك یا أرحم الراحمین).

اعمال روز عرفه

۱- غسل

۲- زیارت حضرت امام حسین (ع)، و همچنین دعای آن حضرت در روز عرفه، و دعای امام زین العابدین (ع).

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۱۱

۳- بعد از نماز عصر، دو رکعت نماز زیر آسمان بجا آورد، و سپس به گناهان خود اعتراف کند، و از خدا آمرزش بخواهد که هم ثواب عرفه را بدست آورد، و هم گناهانش آمرزیده شود.

و مرحوم کفعمی روایت می کند که پس از نماز عصر، دو رکعت نماز بگذارد در رکعت اول بعد از حمد سوره توحید و در رکعت دوم سوره (قل یا ایها الکافرون) بخواند. و سپس چهار رکعت دیگر بجا آورد در هر رکعت یک حمد و سوره توحید پنجاه مرتبه بخواند. و این همان نماز امیرالمؤمنین (ع) است، و سپس این دعا را که مرحوم ابن طاوس از پیامبر اکرم (ص) روایت کرده بخواند:

(سبحان الذى فى السماء عرشه، سبحان الذى فى الارض حكمه، سبحان الذى فى القبور قضاؤه، سبحان الذى فى البحر سبيله، سبحان الذى فى النار سلطانه، سبحان الذى فى الجنة رحمته، سبحان الذى فى القيامة عدله، سبحان الذى رفع السماء، سبحان الذى بسط الارض، سبحان الذى لا ملجأ ولا منجا منه إلا إلیه).

سپس صد مرتبه بگوید: (سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر)، و سوره توحید را صد

مرتبه، و (آیه الکرسی) را صد مرتبه بخواند، و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) بفرستد و بگوید:

(لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، يحيى ويميت، و هو حي لا يموت، بيده الخير و هو على كل شيء قدير) ده مرتبه.

(أستغفر الله الذى لا إله إلا هو الحي القيوم و أتوب إليه) ده مرتبه. (يا الله) ده مرتبه. (يا رحمن) ده مرتبه. (يا رحيم) ده مرتبه. (يا بديع السماوات والارض، يا ذا الجلال والإكرام) ده مرتبه. (يا حي يا قيوم) ده مرتبه. (يا حنان يا منان) ده مرتبه. (يا لا إله إلا أنت) ده مرتبه. (آمين) ده مرتبه.

سپس بگوید:

(اللهم انى أسألك يا من هو أقرب إلى من جبل الوريد، يا من يحول بين المرء و قلبه، يا من هو بالمنظر الأعلى و بالافق المبين، يا من هو الرحمن على العرش استوى، يا من ليس كمثلته شيء و هو السميع البصير، أسألك أن تصلى على محمد و آل محمد).

و حاجتهای خود را از خداوند بخواهد، که انشاء الله برآورده می شود.

سبحان ربك رب العزه عميا يصفون، وسلام على المرسلين، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد و آله الطيبين الطاهرين.

قم المقدسه محمد الشيرازى

۳

۱ حسینی شیرازی، محمد، رساله مناسک حج (طبع جدید)، جلد.

۲ حسینی شیرازی، محمد، رساله مناسک حج (طبع جدید)، جلد.

۳ حسینی شیرازی، محمد، رساله مناسک حج (طبع جدید)، جلد.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

